

انجمن مدیران صنایع

کارآفرین

ماهنامه

شماره ۱۶۳ - اسفند ۱۴۰۳ - ۷۰ صفحه



محمود سریع‌القلم
از ثمرات اقتصادی
تعامل ایران با جهان می‌گوید

با دنیا بسازیم

چشم‌انداز ۱۴۰۴

پیام تبریک نوروز ۱۴۰۴ مهندس محسن خلیلی

امیدوار باشیم و مهربان!



گزارش کارشناسی انجمن مدیران صنایع

بررسی مسائل و مشکلات
کارفرمایان با سازمان
تامین اجتماعی

تکالیف کارفرمایان
در قانون کار

چرخه تولید ایران در طول قرن‌های گذشته
چه مسیری را پیموده است؟

مسیر پرچالش توسعه صنعتی ایران

هراس
رهبران اروپا
از آمریکای
ترامپ



لِیزینگ اقتصادنوین

ENLEASING



حامی یک خرید خوب

متفاوت در خدمات

تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب بیمارستان تهران کلینیک، کوچه آزادگان، پلاک ۱۵

۱۵۸۶۷۴۷۸۱۱

۰۲۱-۸۸۷۰۰۷۷۶

www.enleasing.com





فیتوچینی

Fettuccine

با آرد سمولینا

غنی شده با ویتامین های

B3 B2 B1

۵۰۰ گرم



www.takmakaron.com

©1648

سال نو مبارک
۱۴۰۴



یک نام و هزار لبخند



WWW.SAHARFOOD.COM



کتابخانه محصولات

شرکت صنایع غذایی سحر

تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۳۶-۹

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۳۰



حضور انجمن مدیران صنایع و اعضا در اکسپو 2025 تهران

در سال ۲۰۲۵، نمایشگاه اکسپو تهران میزبان انجمن مدیران صنایع ایران خواهد بود که حضور آن‌ها فرصتی بی‌نظیر برای به اشتراک‌گذاری دانش، تجربه‌ها و توانمندی‌ها به شمار می‌رود. انجمن مدیران با ارائه سمینارها، کارگاه‌ها و جلسات شبکه‌سازی، محیطی فراهم می‌آورد تا مدیران با یکدیگر به تبادل اطلاعات و تجربیات بپردازند و از فرصت‌های جدید بهره‌مند شوند.

نکات کلیدی حضور انجمن مدیران در اکسپو ۲۰۲۵ تهران:

۱. **کارگاه‌های تخصصی:** برگزاری کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف مدیریت و رهبری کسب و کار.
۲. **سمینارها:** ارائه سمینارهای آموزشی با حضور اساتید و متخصصان برجسته.
۳. **شبکه‌سازی:** فرصت عالی برای برقراری ارتباطات و شبکه‌سازی با مدیران و صاحبان کسب و کارهای مختلف.
۴. **نوآوری و فناوری:** معرفی آخرین دستاوردها و نوآوری‌ها در عرصه مدیریت و فناوری‌های پیشرفته.
۵. **تجربه‌های موفق:** اشتراک‌گذاری تجربیات موفق مدیران برتر.

تاریخ برگزاری: ۸ الی ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
ساعت بازدید: ۹ صبح الی ۱۶ بعد از ظهر
مکان برگزاری: محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی

دریافت فرم ثبت نام





با آرزو نیک‌بختی و رفاه برای همه مردم ایران، به استقبال بهار می‌رویم؛

امیدواریم سال ۱۴۰۴ نویدبخش تندرستی و سعادت‌مندی، همراه با رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی برای هموطنان باشد و ما نیز بتوانیم در کنار سایر فعالان اقتصادی، به توسعه کشور و رونق کسب‌وکارها کمک کنیم.



شیر، تحلیل، آغوشی، پژوهشی و اطلاع رسانی
شماره ۱۶۳ - اسفند ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رضاعلی رویایی

سرمدییر: محمدصادق جنان صفت

اعضای تحریریه: احسان جنان صفت
فریدون اسعدی

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:
علی صائمی

ویراستار:
قطمه ابراهیمیان

نشانی: تهران، خیابان استامپلری، روبه روی خیابان میرعماد
پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم
تلفن: ۸۸۸۲۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر مآخذ آزاد است
نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه ها
لروما نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است
نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است
مقالات و نظرات به دقت تحریریه ارسال شود
مقالات رسیده پس داده نخواهد شد
متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود
مدلات روی یکطرف برگ A۴ نوشته واصله بین سطرها رعایت شود
برای مرور فهرست مقالات
به آدرس www.amsiran.ocm مراجعه کنید

چاپخانه:

مجتمع چاپ دیجیتال ایران کهن
۸۸۳۴۴۳۸۷

بسم الله الرحمن الرحيم



انجمن مدیران صنایع



پیام تبریک نوروز ۱۴۰۴ مهندس محسن خلیلی امیدوار باشیم و مهربان!

جهان از باد نوروزی جوان شد زهی زیما که این ساعت جهان شد

سپاسگزار پروردگار متعال را که بهار و نوروزی دیگر را فرصت داد تا سعادت آن را ببایم که ضمن عرض تبریک خدمت یاران و همراهان عزیز و گرامی، نکاتی را تقدیم نمایم.

مردم و میهن عزیزمان این روزها شرایط بسیار سختی را از سر می گذرانند و افق‌های آینده نیز چندان روشن و مشخص نیست. بیش از یک دهه انواع فشارهای اقتصادی و سیاسی خارجی و سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های بعضاً نامناسب داخلی، ظرفیت‌های عظیم این سرزمین و توان بالای جامعه ایرانی را تحلیل برده و امکان توسعه و پیشرفت این ملت بزرگ را محدود ساخته است.

در این شرایط بار دیگر سوال "چه باید کرد؟" سوالی تاریخی و اساسی است که هر فرد و نهاد و سازمانی می‌بایست در پی یافتن پاسخ آن و تبیین نقش و وظیفه خود در راه حل‌های مفروض باشد. پاسخی که بی‌شک می‌بایست ضمن حفظ و ارتقا منافع فردی و گروهی، حرکتی جمعی را در جهت ارتقا منافع ملی و خیر عمومی سامان دهد؛ چرا که درد، درد مشترک است و درمان نیز همگانی "... کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا، درمان نمی‌شود".

بهار و نوروز بعنوان دورویداد طبیعی و فرهنگی نیز دارای چنین خصلتی‌اند؛ کلیت طبیعت از آسمان و زمین و آب و خاک و رستنی‌ها و... هماهنگ با هم، آواز حیات و تجدید زندگی را سر می‌دهند و تمامی مردم نیز از پیر و جوان دارا و ندار و با هر دین و آیینی در چارچوب مرزهای جغرافیایی ایران عزیز و فرهنگ ایرانی شهری، آهنگ امید و تلاشی دیگر را ساز می‌کنند.

در این طریق به باور این ارادتمند و خدمتگزاری که بیش از هفت دهه از عمر خود را صرف توسعه صنعت و ارتقا اقتصاد ملی نموده است و اینک در میانه نهمین دهه زندگی بسر می‌برد، چاره‌ای جز فکر، برنامه، عمل و کار مشترک در پرتو دو اصل "آزادی" و "عدالت" برای عبور از وضعیت فعلی وجود ندارد. ما چه بعنوان یک فرد ایرانی و چه بعنوان یک بنگاه و انجمن و سازمان و... جز آنکه خود را در قالب یک "ملت" و جامعه‌ای "آزاد" و برخوردار از "حقوق برابر" معنا کنیم، امکان رستگاری نداریم. جامعه‌ای متکثر و متنوع که حل چالش‌های عظیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بخصوص ابر چالش سیاست خارجی در آن برای رهایی از فقر و عقب ماندگی، فرآیندی بسیار پیچیده است که فقط با همکاری و مرافقت و تحمل شنیدن نظرات و دیدگاه‌های یکدیگر و پرهیز از دروغ و نفرت میسر می‌شود؛ همان اصولی که پیشینیان مان نیز بر آنها تاکید کرده‌اند "اهورمزدا! این کشور را از دشمن، خشکسالی و دروغ دور بدار".

در این مسیر بسیار سخت، لازم است که امیدوار باشیم و تلاشگر و از همه مهمتر با هم مهربان باشیم که اساس ماندگاری این جهان بر "مهر" است و آیین این سرزمین "مهربانی"، "بکوشید و نیکی بکار آورید / چو دیدید سرما بهار آورد". نوروزتان مبارک، سعادت تان پاینده و مهرتان پایدار.



چشم انداز ۱۴۰۴



محمدصادق جنان صفت

سردبیر

برگردد. این سیاست بر فعالیت بنگاه‌ها در داخل و خارج موثر خواهد بود. سیاست چند نرخی ارز با راهبرد جلوگیری از شتاب گرفتن نرخ تورم در دستور کار قرار دارد. سیاست ارزی در سال ۱۴۰۴ با توجه به سیات خارجی آشتی ناپذیر جمهوری اسلامی با نوسان‌های احتمالی روبه‌رو خواهد شد. در سال آینده شاهد فشار بیشتر برای عرضه ارز ارزان تر از سوی صادرکنندگان خواهیم بود. تقاضای ارز ارزان همچنان پرفشار خواهد بود.

قیمت گذاری دستوری

یکی دیگر از چشم اندازهای اقتصاد سیاسی سال آینده ادامه سخت گیری دولت با توجه به فشار مجلس و نهادهای بالادستی برای قیمت کالاها و خدمات است. نشست‌های پر شمار معاون اول رئیس جمهور در ستاد تنظیم بازار نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۴ نباید منتظر انعطاف دولت برای قیمت گذاری بود. بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی فعال در کشور به ویژه تولید کنندگان کالاهایی مثل برق و زیرمجموعه‌های آن نباید در این باره خوش بین باشند. دولت چهاردهم در سال آینده زوری برای آزادسازی نسبی قیمت هم ندارد.

سیاست انقباضی

در سال ۱۴۰۳ سیاستهای بانکی و مالی دولت بر اساس این بود که تا جایی که می‌تواند در تزریق نقدینگی از منابع بانکی سخت گیری کند. با توجه به اینکه در سال آینده هیچ نشانه‌ای از تغییر راهبرد دیده نمی‌شود بنگاه‌ها باید برای سیاستهای انقباضی آماده باشند. دولت چهاردهم بخواهد یا نخواهد زیر فشار مجلس و نهادهای دیگر شاهد پرداخت گسترده منابع بانکی به وام‌های ازدواج و نیز وام جوانی و دیگر تسهیلات تکلیفی مثل وام ممسکن خواهد بود بنابراین تامین منابع مالی نیز با فشار رو به رو خواهد بود.

سیاست مالی

آنچه می‌توان از چشم قاب زمستان ۱۴۰۳ برای سال بعد چشم انداز تصویر کرد این است که با کاهش احتمالی صادرات نفت و کاهش درآمد از این بخش دولت فشار بیشتری برای مالیات گیری را در کانون توجه قرار داد. بنگاه‌های ایرانی بیش از برنامه ریزی‌های خود در هر بخشی باید این رفتار سیاسی دولت را در معادله‌های خود ببینند.

شدت زیرچتر بزرگ خود گرفته و اقتصاد برق، اقتصاد بنزین و گاز را در سید اقتصاد سیاسی گذاشته اند. به همین دلیل تغییرات قیمتی و تغییرات در عرضه و تقاضای برق با تصمیم‌های دولت بستگی بالایی دارد. دولت‌های ایران در دوره ای از تاریخ معاصر ایران که درآمدهای صادرات نفت بدون دردسر به خزانه دولت و بانک مرکزی سرازیر می شد قیمت برق را برای خانواده‌ها و حتی برای صنعت و کشاورزی بدون توجه به قیمت تمام شده عرضه می کرد. این یک عادت و عرف در اقتصاد برق شده و هنوز نیز اقتصاد برق را باید در چارچوب اقتصاد سیاسی بررسی کرد. یعنی باید دید نهادهای قدرت سیاسی حاضرند قیمت واقعی برق از مصرف کنندگان گرفته شود یا نه.

بنگاه‌ها و اقتصاد سیاسی

حالا دیگر برای مدیران بنگاه‌های صنعتی - اقتصادی در ایران آشکار شده است دخالت‌های دولت در هر عرصه ای از اقتصاد بر فعالیت آنها پیامد منفی و مثبت دارد. از آنجایی که در حال حاضر نهاد دولت و نهاد حاکمیت در وضعیت ناتوانی مالی و اقتصادی قرار دارند و نمی‌توانند دخل و خرج خود را سامان دهند بنگاه‌ها باید بیشتر به اقتصاد سیاسی بیندیشند و برای برنامه ریزی آن را در معادله‌های خود یک متغیر نیرومند قرار دهند. به طور مثال می‌توان به قیمت برق توجه کرد. آیا دولت اجازه آزاد سازی برق را به بنگاه‌ها می‌دهد؟ شاید اگر دولت در وضعیتی بود که می‌توانست برای جبران افزایش قیمت برق به مصرف کنندگان پارانه بدهد این کار را انجام می‌داد اما در حال حاضر با آزاد سازی قیمت برق مخالفت سفت و سخت خواهد کرد. به این ترتیب بار مالی اقتصادی حمایت از مصرف کنندگان برق همچنان بر دوش تولید است.

سیاست ارزی

بدون چون و چرا باید قبول کرد سیاست‌های ارزی در وضعیت امروز ایران مهمترین حرکت‌های اقتصاد سیاسی را در دل خود پنهان کرده است. اقتصاد سیاسی ارزهای معتبر و به ویژه نرخ ارز که موتور محرک سیاست‌های ارزی است و نیز آزادی عرضه و تقاضای ارز را می‌تواند به گردش در آورد بر اقتصاد بنگاه‌ها در هر بخشی اثر دارد. آنچه در اسفند ۱۴۰۳ می‌توان از بازار ارز دید این است که دولت ناگزیر شده به سیاست چند نرخی ارز

اقتصاد سیاسی که از سوی آدام اسمیت اقتصاددان نامدار اسکاتلندی تاسیس شد مناسبات قدرت با اقتصاد را زیر ذره بین قرار می‌دهد و پیامدهای تصمیم‌های سیاسی دولت‌ها بر رفتار خانواده و بنگاه‌ها را واکاوی می‌کند. به طور مثال در اقتصاد سیاسی پیامدهای تغییر تعرفه واردات از سوی دولت بر رفتار بنگاه‌ها زیر تیغ بررسی‌های بنگاه‌ها و صنایع شده و نتایج بررسی‌ها به دولت بازتاب داده می‌شود. در حالی که با قدرت گرفتن نهادهای خانواده و نیز بنگاه‌ها در غرب از شدت توجه به اقتصاد سیاسی به دلیل دخالت کمتر دولت‌ها کاسته شده است در کشورهایی مثل ایران که آب خوردن و نیز قیمت شیر کاکائو و میخ هم از تصمیم‌های دولت اثر می‌گیرند اقتصاد سیاسی دارای اهمیت فوق العاده‌ای است.

اقتصاد سیاسی در ایران تابعی از تصمیم‌های دولت و نهادهای بالادستی در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی است. برای اینکه پیامد سیاست داخلی و نبرد قدرت سیاسی در ایران بر اقتصاد روشن شود به داستان مجلس هفتم قانونگذاری برمی گردیم. در این دوره از مجلس بود که یک جناح سیاسی دارای اکثریت در مجلس تصمیم «قانون تثبیت قیمت حامل‌های انرژی» را اتخاذ و اقتصاد انرژی را با سرکوب قیمتی مواجه کرد. رئیس وقت مجلس هم این مصوبه را به عنوان عیدی به مردم ارائه کرد. از آن سال تا امروز این قانون به رغم برخی تغییرات اما به اقتصاد برق آسیب جدی زد. اقتصاد سیاسی در ایران از سیاست خارجی نیز بسیار آسیب دیده و هنوز این وضعیت ادامه دارد. به طور مثال بسیار آشکار می‌توان به تحریم اقتصادی اشاره کرد که راه ورود سرمایه به بخش سرمایه گذاری در بخش انرژی را بسته است و زیر ساخت‌های این بخش را در معرض فرسایش بزرگ قرار داده است.

برق کالای سیاسی

واقعیت این است که نهاد دولت و نهادهای حاکمیتی اقتصاد انواع انرژی از جمله برق را به

ایران ارجمند

پیشرفت جهانی دور مانده است و ایرانیان از این داستان تلخ نگران و ناراحت هستند. سدها و صخره‌های بزرگی در مسیر پیشرفت ایران ارجمند قرار دارد که راههای بسته و روزنه‌های هر روز کوچکتر شده برآیند رفتارهای آن سدها و صخره‌ها است. از سدهای بزرگ یکی هم این است که نظام حکمرانی اقتصادی آرایش ناجوری را بر این آب و خاک چیده است. این آرایش ناجور به دورشدن این سرزمین از تکنولوژی روزآمد جهان، دور از دسترس بودن سرمایه‌ها و پس اندازهای جهانی و نیز به زندان کشیده شدن تجارت آزاد در این کشور است. ایران اکنون حتی اگر نفتش را هم عرضه کند ولی با دنیا نسازد به جایی نمی‌رسد. یک سد و صخره دیگر اما نابرابری‌های در آمدی و نابرابری‌های اجتماعی است که چون بختک بر سر این آب و خاک سایه انداخته و دلسردی و بیهودگی بودن آفریده است.

ققنوس

با همه دلخوری‌های ملی و افسوس‌های ملی که بر این آب و خاک رخنه کرده اند اما ایران می‌تواند باز هم همانند ققنوس از جا برخیزد و با شتاب خود رابه صف نخست کشورهای خوشبخت برساند. میلیونها ایرانی دانا و توانا و شیدای این سرزمین که دور از خانه و کاشانه اند و میلیونها ایرانی توانای مانده در این سرزمین و نیز طبیعت بخشنده این کشور آنقدر توانایی دارند که ایران را از این روزگار آشوبناک نجات دهند. تجربه تاریخی نشان داده است هرگاه جهان به اینجا رسیده که دیگر از ایران و ایرانیان رد پای نخواهد ماند این ایرانیان بوده اند که طلسم شکنی را ادامه داده و شگفتی آفریده اند.

چه کنیم

با رسیدن به مرزهای تازه‌ای از ایران آبادتر و آزادتر و ایرانی دانا و توانا و خوشبخت چه باید کرد؟ نخستین باور ایرانیان باید این باشد که راه خوش خیالی‌ها را بسته و به این سخنان پوچ گوش ندهیم که ایران اکنون قدرتمند است و چه و چه... باید ذهن و دلمان را پاک کنیم و حقیقت ایران ارجمند را ببینیم که از نظر اقتصادی و از نظر سیاسی از همسایه‌ها دور شده و پشت سر آنها راه می‌رود. ایران می‌تواند داناتر و تواناتر باشد اما الان این گونه نیست. اگر این را قبول کردیم می‌توانیم گامهای بعدی را برداریم. پس از این فهم است که ایران باید دنبال دوستانی باشد که به این سرزمین کمک کنند ثروت‌های طبیعی اش را از دفن شدن زیر خاک و در دل دریاها و کوه‌ها نجات دهد. این دوستان بدون چون و چرا کشورهایی اند که به ثروت‌های طبیعی ایران مثل نفت و گاز و فلزات اساسی نیاز دارند. ایران ارجمند طبیعتی دست نخورده دارد که در صورت سازگاری با عرف جهان می‌تواند سالانه میلیاردها دلار تنها از محل گردشگری برای این سرزمین درآمد به دست آورد.

محمد عرب محمدی - در جوانی و در دنیایی که جوانان در ذهن و جان خود برای زندگی می‌سازند جای بزرگی برای میهن و وطن و سرزمین مادری شاید دیده نشود. آدمی اما با سپری کردن روزهای پر شمار تلخ و شیرین و گداختن و سرد شدن در کوره و یخ بندان زندگی است که در ذهن و دلش میهن جای بزرگتر و بزرگتری به میهن خویش می‌دهد. آدمی در پویش زمان به این باور می‌رسد میهن بخش جدایی ناشدنی از هویت و شناخته شدن او است. این گونه است که ایران برای ایرانیان با همه زشت و زیبای حکمرانان در تاریخ ارجمند شده و هر ایرانی ورای آنچه برای خوشبختی خود و خانواده اش انجام می‌دهد برای آبادانی و سرخوش شدن این سرزمین نیز انجام می‌دهد. ایرانیان نشان داده‌اند به این سرزمین به‌رغم نامهربانی‌هایی که دیده اند مهر می‌ورزند و برایش دل می‌سوزانند. بیشترین دلسوزی برای ایران ارجمند این است که بشود نهاد آزادی را در آن به اندازه‌ای گسترش داد که دست هیچ قدرتی به آن نرسد و آزادی در جان و جای جایش ریشه استواری داشته باشد.

دوران سخت گذار

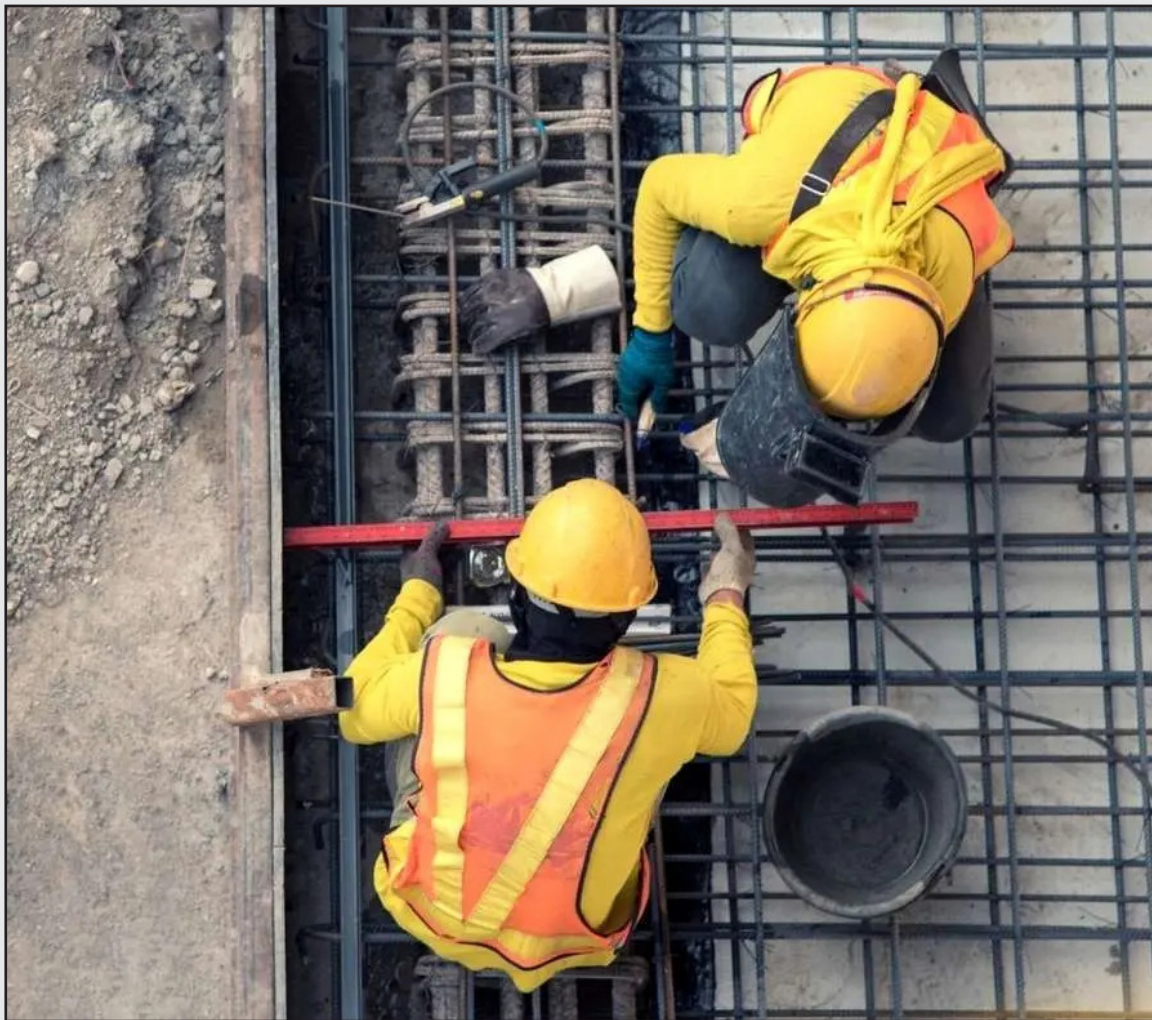
انتهایی که در ایران بوده و هستند و رخدادهای دهه ۶۰ شمسی را به چشم دیده‌اند یادشان می‌آید که نیروهای سیاسی و انقلابیون ایرانی از چپ و راست و مذهبی در برخورد با ایران ارجمند بی تفاوتی را به نمایش گذاشته و خود را به نوعی به جامعه‌ای بزرگتر از ایران سنجاق می‌کردند گروهی شوروی سوسیالیست را میهن بزرگ می‌دانستند، گروهی به غرب نگاه داشتند و گروهی نیز به امت اسلامی می‌اندیشیدند و یادشان می‌رفت در کجا زاد و رشد کرده اند. ایران بزرگ و ایران توانا در زیر غبارهای نگاه به بیرون اما جاودانگی خود را نشان داد و هزاران جوان ایرانی برای نگهداری این آب و خاک به جنگ رفته و این سرزمین را نگهداشتند. دوران سخت گذار از ندیدن ایران تا اینکه ارزش و بهای این سرزمین شناخته شود و مهرش در دل شهروندان جای گیرد دوران سختی بود.

همه ایرانیان در یک راه

اکنون اگر یک نظرسنجی صورت گیرد و درباره دوست داشتن و نگهداری این سرزمین پرسیده شود بدون چون و چرا ایران دوستان بیشتر رای را با اختلاف بالا می‌آورند. ایرانیان به رغم دگرگونی‌هایی که شاید در راه ساختن و آبادی این کشور داشته باشند اما در اینکه این آب و خاک باید بماند و باید بالنده شود و راههای پیشرفت را بیابد یک دل و یک نفس هستند. همه ایرانیان دلسوز به این آب و خاک در راه ساختن ایران یک راه را بر می‌گزینند و تنها شاید در تاکتیک‌ها تفاوت‌هایی داشته باشند.

سدها و صخره‌ها

این یک حقیقت تلخ است که روزگار ایران و ایرانیان در این روزها خوب نیست. این سرزمین بزرگ دهه‌هایی است از کاروان



تکالیف کارفرمایان در قانون کار

واقعیتی حاکم بر منابع انسانی و محتوای قانون گسترش یابد. با توجه به عرضه زیاد نیروی کار به ویژه نیروی تحصیل کرده از یک طرف و کمبود نیروی کار ماهر و کارآمد از رطف دیگر، بنگاه‌ها به سادگی به نیروی کار دسترسی ندارند و این موجب شده است که کارفرمایان، توجه ویژه‌ای را به قانون کار داشته باشند تا هزینه جذب و نگهداشت نیروی انسانی به صرفه باشد.

این در حالی است که روابط و ضوابط حقوقی حوزه کار از حساسیت بالایی برخوردار است، زیرا که این امر نه تنها تاثیر بسزایی بر زندگی، معاش و رفاه عده کثیری از نیروهای فعال جامعه دارد، بلکه می‌تواند بر رشد یا پسرفت اقتصادی یک جامعه موثر باشد. قانون کار ایران دارای نقص و خطاهای چشمگیری است و از این جهت در بسیاری از موارد با موازین بین المللی فاصله گرفته است.

حقوق قانون کار و اهمیت آن

حقوق قانون کار شامل مجموعه‌ای از مقررات است که به حقوق و مزایای کارگران، ساعات کاری، مرخصی‌ها، شرایط ایمنی و بهداشت کار، و چگونگی حل و فصل اختلافات کاری می‌پردازد. این حقوق با هدف حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از استثمار کارگران تدوین شده است. نیاز است کارفرمایان متوجه این موضوع بوده و باید با این

قانون کار یکی از اساسی‌ترین قوانین در حوزه اشتغال است که به تنظیم روابط بین کارگران و کارفرمایان می‌پردازد. این قانون مجموعه‌ای از مقررات است که حقوق و مسئولیت‌های هر دو طرف را مشخص می‌کند و هدف آن ایجاد توازن و عدالت در محیط کار است. همین موضوع باعث شده در سطح بین‌الملل نیز، قوانین کار، بستری حقوقی را برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما فراهم می‌کند. درک و آشنایی کامل با حقوق قانون کار برای کارفرمایان و کارگران ضروری است تا از بروز اختلافات و مشکلات حقوقی جلوگیری شود. تنظیم روابط کار با گذشت زمان و با عنایت به گسترش واحدهای صنعتی و تولیدی و صنعتی شدن جوامع، به مرور ضرورتی انکار ناپذیر است. توازن بین حقوق و تکالیف کارفرمایان در متن قانون کار لازم است. جهت تدوین قانون کار عمدتاً دیدگاه‌های بخش کارگری مورد عنایت قرار گرفته است و خواسته‌ها، الزامات و محدودیت‌های کارفرمایان مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. با توجه به تنبیهات و مجازات‌هایی که در ماده (...) قانون کار برای تخلف کارفرمایان از موارد فصل هشتم قانون پیش‌بینی شده می‌توان پی برد که واحدهای اقتصادی و کارفرما و مدیران دچار چه مشکلاتی هستند. بنابراین کارفرمایان، قانون فعلی نمی‌تواند چندان در داوری بین کارگر و کارفرما مؤثر واقع شود و این امر باعث می‌شود شکاف بین شرایط

حقوق آشنا باشند تا بتوانند از تعهدات قانونی خود به خوبی آگاه شوند و از مشکلات حقوقی احتمالی جلوگیری کنند.

تکالیف کارفرما از منظر قانون کار

به استناد ماده (۳) قانون کار، کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و حساب او در مقابل دریافت حق السعی برای او کار می‌کند. مدیران و مسئولان و به طور عموم کسانی که عهده دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسئول تمامی تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می‌گیرند. در صورتی که نماینده کارفرما خارج از اختیارات خود تعهدی بنماید و کارفرما آن را نپذیرد در مقابل کارفرما ضامن است.

قانون کار برای جلوگیری از تضییع حقوق کارگران، شخصیت مدیران و مسئولان را در کارگاه‌ها که عهده‌دار کارگاه هستند از شخصیت کارفرما جدا ندانسته و به همین دلیل به علت استقلال نداشتن این نمایندگان، کارفرمایان عهده‌دار تمامی تعهداتی هستند که نمایندگان مذکور در قبال کارگران دارند.

این موضوع به این دلیل است که نمایندگان مسئول ابلاغ و دستورات کارفرمای اصلی به کارگران و نیز نظارت بر حسن انجام کار، کارگران را عهده‌دار هستند زیرا تعهدی که افراد می‌پذیرند به اعتبار شخصیت کارفرما است.

با این وصف کارفرمایان باید در انتخاب نمایندگان خود و نظارت بر سیر عملکرد ایشان رعایت دقت نظر را داشته باشند. کارفرمایان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

کارفرمایان حقیقی و کارفرمایان حقوقی. تعهدات و تکالیفی که کارفرما در مقابل کارگران به عهده دارد نیز شامل تعهداتی می‌شود که در هنگام انجام کار به عهده کارفرما هستند (پرداخت حق السعی، پرداخت حق بیمه کارگران، تأمین خدمات رفاهی، رعایت ایمنی و بهداشت کارگاه و ...). هم شامل تعهدات و تکالیفی است که در صورت خاتمه قرارداد کار به ذمه کارفرما قرار می‌گیرد. (تسلیم گواهی انجام کار با قید مدت پس از پایان کار، پرداخت حق سنوات، پرداخت مطالبات مربوط به مرخصی استحقاقی و ...) و هم تعهداتی که در صورت تعلیق قرارداد کار، کارفرما موظف به انجام آن است (پرداخت خسارت ناشی از تعلیق و به کارگیری مجدد کارگران و ...).

تعهدات و تکالیف کارفرمایان در مقابل کارگران

الف) پرداخت حق السعی: با توجه به ماهیت قرارداد کار و نیز تعریف ماده (۲) و (۳) از قانون کار، قرارداد کار عقدی است معوض به همین خاطر نخستین تعهد کارفرما در قبال کارگران پرداخت عوض کار انجام شده به کارگران است. مستند به ماده (۳۴) از قانون کار «تمامی دریافت‌های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله‌مندی، هزینه مسکن، خواروبار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می‌کنند را حق السعی می‌نامند». ایراد اساسی در این مورد این است که تعیین حداقل دستمزد پایین‌تر برای کارگران مبتدی که فاقد مهارت بوده و باید در کارگاه با آموزش حین کار، کسب مهارت نمایند و یا بیشتر بودن دستمزد کارگران دارای تخصص. براساس قانون کار، حداقل دستمزد برای تمامی کارگران یکسان تعیین شده است.

الف. موقتی‌شدن قراردادهای کار - تا حد بیش از ۹۳ درصد (بنا به گزارش وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی در روزنامه کار و کارگر، شماره ۶۷۳۳، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۰۶/۱۲): اگر بخواهیم از مشکلات مفهومی

تعریف قرارداد کار در ماده هفتم قانون کار بگذریم، آن چیزی که در این ماده جلب نظر می‌کند، تناقض اعجاب‌آور و البته سرنوشت‌ساز مستتر در دو تبصره آن است: در حالی که تبصره اول به صورت مشخص تنها کارهایی را که جنبه مستمر ندارند شامل قراردادهای مدت موقت می‌داند و حتی تا آن‌جا پیش می‌رود که هیأت وزیران را به تعیین حداکثر مدت در این نوع قراردادهای موظف می‌کند، از تبصره دوم چنین بر می‌آید که اگر برای کارهایی که ماهیتاً جنبه مستمر دارند، در قرارداد کار مدتی تعیین شود، می‌توان آن قرارداد را قرارداد کار مدت موقت تلقی نمود. همین مسأله دقیقاً پاشنه آشیل قانون کار ۱۳۶۹ برای کارگران در سال‌های بعد می‌شود. هرچند که در شرایط عادی به نظر می‌رسد که کسی نباید به سراغ این تفسیر سلبی در برابر تفسیر ایجابی مرتبط با تبصره اول برود، اما از چند سال پس از تصویب این قانون، دقیقاً همین تفسیر ملاک عمل قرار گرفته است. به طوری که تفسیر غیرمنطقی فوق باعث شده تا کارگران ایرانی به صورت گسترده‌ای در کارهای اصلی کارگاه و کارهایی که ماهیتاً دائمی می‌باشند، به صورت موقت و در قراردادهای چندماهه و حداکثر یک‌ساله مشغول به کار شده و از لحاظ حقوقی نیز حق مقابله و شکایت از کارفرما را ندارند و از امنیت شغلی برخوردار نیستند.

ب. امکان تعلیق قرارداد کار: قانون کار برای شرایط خاصی امکان تعلیق قرارداد کار را فراهم ساخته است. بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی و تعطیلی کارگاه، مرخصی تحصیلی، توقیف کارگر و خدمت نظام وظیفه از جمله شرایط تعلیق قرارداد کار هستند. در زمان تعلیق قرارداد کار رابطه کاری بین کارگر و کارفرما به صورت موقت قطع می‌شود و پس از برطرف شدن علت تعلیق قرارداد، کارگر به شغلی که قبل از دوران تعلیق به آن مشغول بوده است، بازگردانده می‌شود. روابط کاری بین کارگر و کارفرما پس از اتمام زمان تعلیق قرارداد با توجه به تغییر شرایط کارگر و کارفرما و همچنین کارگاه در دوران تعلیق در برخی موارد نیاز به تغییر دارد که قانون کار چنین اجازه‌ای را به طرفین نمی‌دهد. کارفرمایان نیز برای این که مشمول

-الزام به رعایت ممنوعیت انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن (ماده ۷۵) و کارگران نوجوان.
-تکلیف به رعایت امکان استفاده از مرخصی بارداری و زایمان زنان کارگر و رعایت فرصت شیردهی آنها به کودکان (مواد ۷۶ و ۷۷).
-ممنوعیت به کارگیری افراد کمتر از ۱۵ سال (ماده ۷۹)
ج) پرداخت حق سنوات: یکی دیگر از تعهدات کارفرمایان پرداخت حق سنوات به کارگران است که این تعهد مربوط به زمانی می شود که قرارداد کار به نحوی خاتمه می یابد موارد قانونی این تکلیف عبارت است از:
در صورت خاتمه قرارداد کار به کارگری که مطابق قرارداد، یک سال یا کمتر یا بیشتر به کار اشتغال داشته است، برای هر سابقه اعم از متوالی یا متناوب بر اساس آخرین حقوق مبلغی معادل یک ماه حقوق به عنوان مزایای پایان کار به وی پرداخت کند.

در صورتی که کارگری در تعلیق بوده باشد و این تعلیق به هر شکل وضع شده باشد و کارفرما پس از رفع تکلیف با اثبات دلایل موجه خود در مراجع حل اختلاف در پذیرفتن کارگر خودداری کند موظف است که به ازای هر سال سابقه کار ۴۵ روز آخرین مزد را به کارگر پرداخت کند.
در مواردی که کارفرما، با توجه به تذکرات کتبی و نیز اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار یا مراجع حل اختلاف، اقدام به فسخ قرارداد کار با کارگری می کند که در انجام وظایف محوله قصور ورزیده یا آیین نامه های انضباطی کارگاه را رعایت ننموده است، باید علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان حق سنوات به کارگر بپردازد.

چنانچه خاتمه قرارداد کار به لحاظ از کارافتادگی کلی یا بازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر به نسبت هر سال سابقه خدمت حقوقی به میزان ۳۰ روز به وی پرداخت کند. این موضوع علاوه بر مستمری است که توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می شود.
اگر خاتمه قرارداد کار در نتیجه کاهش توانایی های جسمی و فکری ناشی از کار باشد (بنا به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهداشت و درمان منطقه با معرفی شورای اسلامی کار یا نمایندگان قانونی کارگر) کارفرما مکلف است به نسبت هر سال سابقه خدمت معادل ۲ ماه آخرین حقوق را به وی پرداخت نماید.

در صورتی که اخراج کارگر از سوی مراجع حل اختلاف غیر موجه تشخیص داده شود اما کارگر نخواهد به محل کار خود بازگردد، کارفرما مکلف است براساس سابقه خدمت کارگر به نسبت هر سال ۴۵ روز مزد و حقوق به وی بپردازد.

د) بیمه کارگران: از تکالیف پر اهمیت و حساس کارفرمایان که قانونگذار به عهده آنها نهاده است بیمه کردن کارگران براساس قانون تأمین اجتماعی است. ماده ۱۴۸ قانون کار در این خصوص مقرر می دارد «کارفرمایان کارگاه های مشمول این قانون مکلف هستند براساس قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه کردن کارگران واحد خود اقدام نمایند» و در صورتی که از بیمه کردن کارگران خودداری نمایند علاوه بر تأدیه تمامی حقوق متعلقه به کارگر (سهام کارفرما) با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی معادل ۲ تا ۱۰ برابر حق بیمه مربوطه خواهند شد.

ه) پرداخت مطالبات معوقه کارگران در پایان کار: با توجه به اینکه حقوق و مطالبات کارگر از دیون ممتاز محسوب می گردد و نیز تصریح قانونی ماده (۲۲) قانون کار، در پایان کار تمامی مطالباتی که ناشی از قرارداد کار و مربوط به دوره اشتغال کارگر در موارد قانونی است به کارگر و در صورت فوت او به وارث قانونی وی پرداخت خواهد شد. بر همین اساس حساسیت



این هزینه ها نشوند قرارداد کار را به صورت موقت با کارگر منعقد می نمایند.
ه. روند رسیدگی به شکایت های بین کارگر و کارفرما: رسیدگی به این شکایات در قانون کار در برخی موارد منحصربه فرد است. یکی از آن موارد نبود محدوده زمانی برای پیگیری و مطالبه حقوق و مطالبات کارگران و کارفرمایان در مراجع حل اختلاف از تاریخ استحقاق آن است. بدان معنا که کارگر و یا کارفرما برای شکایت از طرف مقابل برای استیفای حقوق خود هیچ محدودیت زمانی ندارند و حتی پس از فوت هر یک، وراث او می تواند برای استیفای حقوق او به مراجع حل اختلاف شکایت کند. این موضوع در نهایت هزینه های غیر ضروری برای تولید دارد و کارگر و کارفرما مجبور به نگهداری تمام اسناد کاری خود برای مدتی طولانی خواهند بود تا در صورت شکایت هر یک از طرفین، اسناد معتبری در اختیار داشته باشند.
ز. عدم امکان چانه زنی در پیمان های دسته جمعی: یکی از فصول قانون کار به موضوع پیمان های دسته جمعی پرداخته است. در قانون کار پیمان های دسته جمعی باهدف پیشگیری و یا حل مشکلات حرفه ای، شغلی و یا بهبود شرایط تولید یا امور رفاهی کارگران پیش بینی شده است که از طریق تعیین ضوابط و یا تغییر شرایط و نظایر این ها، در سطح کارگاه، حرفه و یا صنعت، با توافق طرفین تحقیق می یابد. یکی از شرایط مهم این پیمان ها این است که مزایای کمتر از آنچه در قانون کار پیش بینی گردیده است در آن ها تعیین نشده باشد که عملاً سبب می شود تا پیمان های دسته جمعی انعطاف لازم را برای تحقق اهداف آن نداشته باشد.

ب) رعایت شرایط کار: از جمله تکالیفی که کارفرما در خصوص بحث شرایط کار از منظر قانون کار عهده دار است، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

-الزام به رعایت ساعات کار کارکرد شبانه روز (۸ ساعت) و رعایت ساعات کار مشاغل سخت و زیان آور (۶ ساعت) و همچنین کار نوجوانان.

-تکلیف به ارجاع ندادن کار اضافی به کارگر مگر با شرایط مذکور در مواد ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۸۳



پیمانکاران به کارگران را برابر رأی مراجع قانونی از محل مطالبات پیمانکار منجمله ضمانت حسن انجام کار پرداخت نمایند.

انواع مزد از نظر قانون کار:

الف) مزد به معنای خاص: مجموع مزد و شغل و مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل است. (مزایایی که به حسب ماهیت شغل یا محیط کار و برای ترمیم مزد در ساعات عادی کار پرداخت می‌شود، مثل: مزایای سختی کار، مزایای سرپرستی، فوق‌العاده شغل و...) به این ترتیب مزایای رفاهی و انگیزه‌ای از قبیل، پاداش افزایش تولید و سود سالانه جزو مزد محسوب نمی‌شود مانند هزینه مسکن، خواروبار، عائله‌مندی.

ب) مزد به معنای عام (حق السعی): عبارت است از تمامی دریافت‌های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله‌مندی، هزینه مسکن، خوار و بار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی سود سالانه و... دریافت می‌کند.

مزد اجتماعی: از مزایایی که کارگر بدون آنکه در برابر آن کاری انجام دهد از آن بهره‌مند می‌شود، مانند حقوق مرخصی استحقاقی، غرامت دستمزد ایام بیماری، مستمری یا در پایان قرارداد به کارگران تعلق می‌گیرد. مزد یا حقوق یا کارمزد در این قانون شامل هرگونه وجوه و مزایای نقدی یا غیرنقدی مستمر است که در مقابل کار به بیمه شده داده می‌شود. (بند ۵ از ماده ۲ قانون تامین اجتماعی).

حقوق و مزایای مشمول کسر حق بیمه: تمام مزایای نقدی که تحت هر عنوان به صورت مزد یا حقوق، کارمزد یا کارآموزی به بیمه شده پرداخت می‌شود در صورتی که از حداقل حقوق و مزایای سال مربوط کمتر نباشد، مشمول کسر حق بیمه است. شامل: حقوق، دستمزد، کارمزد، فوق‌العاده شغل، اضافه کاری، شب کاری، نوبت کاری، فوق‌العاده کارهای سخت و زیان آور، کمک هزینه خوار و بار، مزد ایام تعطیل، مرخصی استحقاقی. مزایایی که مشمول کسر حق بیمه نیست: باز خرید ایام

و اهمیت حقوق کارگر از منظر قانونگذار به قدری است که در صورت فوت وراثت کارگر می‌تواند مدعی مطالبات معوقه و کارفرما نیز محکوم به پرداخت می‌گردد.

و) رعایت آزادی شغل و اجبار نداشتن افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری: اصل (۲۸) قانون اساسی می‌گوید کار اجباری با توجه به ماده (۶) قانون کار به هر شکل ممنوع است و متخلف علاوه بر پرداخت اجرت المثل کار انجام یافته و جبران خسارت، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به حبس از (۹۱) روز تا یک سال یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد. هرگاه چند نفر به اتفاق یا از طریق یک مؤسسه، شخصی را به کار اجباری بگمارند، هر یک از متخلفان به مجازات‌های فوق محکوم و به طور مشترک مسئول اجرت المثل خواهند بود. مگر اینکه مسبب اقوی از مباشر باشد، که در این صورت مسبب به طور شخصی مسئول است. (ماده ۱۷۲ قانون کار).

حقوق کارگر، حق السعی، مزد

به استناد ماده ۳۴ تمامی دریافت‌های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله‌مندی، هزینه‌های مسکن، خواروبار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می‌کند را حق السعی می‌نامند.

با توجه به اینکه قرارداد کار عقدی است معوض و کارگر به ازای دریافت حق السعی و مزد برای کارفرما فعالیت بدنی یا فکری انجام می‌دهد. به همین خاطر مزد از جمله شرایط کار است و این موضوع از موارد مهم محدودیت اراده و تنظیم قرارداد کار است، چرا که به هیچ عنوان طرفین نمی‌توانند در خصوص تعیین میزان مزد کمتر از حداقل قانونی توافق نمایند و اگر این توافق صورت پذیرد توافق مذکور معتبر نبوده و جای خود را به حداقل قانونی مینا خواهد داد. در این ماده مزد را به معنای عام (حق السعی) عنوان نموده است.

مزد به معنای عام (حق السعی) یک واژه است که قانونگذار به خاطر اینکه بتواند تمامی دریافت‌های کارگر را در قبال کار انجام شده مختصر نماید از این واژه که جمیع دریافت‌های ماهیانه کارگران است استفاده نموده است. کمک عائله‌مندی مبلغی است که طبق شرایط خاص در مقابل عائله‌مندی توسط کارفرما به بیمه شده پرداخت می‌شود. (بند ۱۲ ماده ۲ قانون تامین اجتماعی)

پرداخت حق عائله‌مندی به بیمه شده از وظایف کارفرما محسوب شده و سازمان تامین اجتماعی در این زمینه هیچ گونه مسئولیتی ندارد. کمک عائله‌مندی بدون محدودیت تعداد فرزند به بیمه شده پرداخت می‌شود مشروط بر آن که:

الف) بیمه شده حداقل سابقه پرداخت حق بیمه ۷۲۰ روز کار را داشته باشد.

ب) سن فرزندان او از هجده سال کمتر باشد یا فقط به تحصیل اشتغال داشته باشند و تا پایان تحصیل یا در اثر بیماری یا نقص عضو طبق گواهی کمیسیون‌های پزشکی (موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی) قادر به کار نباشند.

پرداخت کمک عائله‌مندی به عهده کارفرما است و باید در موقع پرداخت مزد یا حقوق به بیمه شده پرداخت شود.

ماده ۳۵ قانون کار: مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیر نقدی یا مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود.

لازم به یادآوری است که مطابق تبصره (۱) ماده (۱۳) قانون کار مطالبات کارگران جزو دیون ممتازه بوده و کارفرمایان موظف هستند بدهی

شاخه از بیمه در آورد. این بیمه نامه برای تمام افرادی که دیگران تحت عنوان‌هایی مانند کارمند یا کارگر و بطور کلی کارکنان (اعم از قراردادی، روزمزد، استخدامی، پیمانی و...) در فعالیتهای شغلی گوناگون برای وی کار می‌کنند و در ازای آن حقوق دریافت می‌کنند. و رابطه آنها کارفرما-کارمندی یا کارفرما-کارگری است و امکان مسئول شناخته شدن کارفرما در قبال کارکنان در حوادث ناشی از کار وجود دارد؛ لازم و مفید خواهد بود.

تعهد کارگر به کارفرما

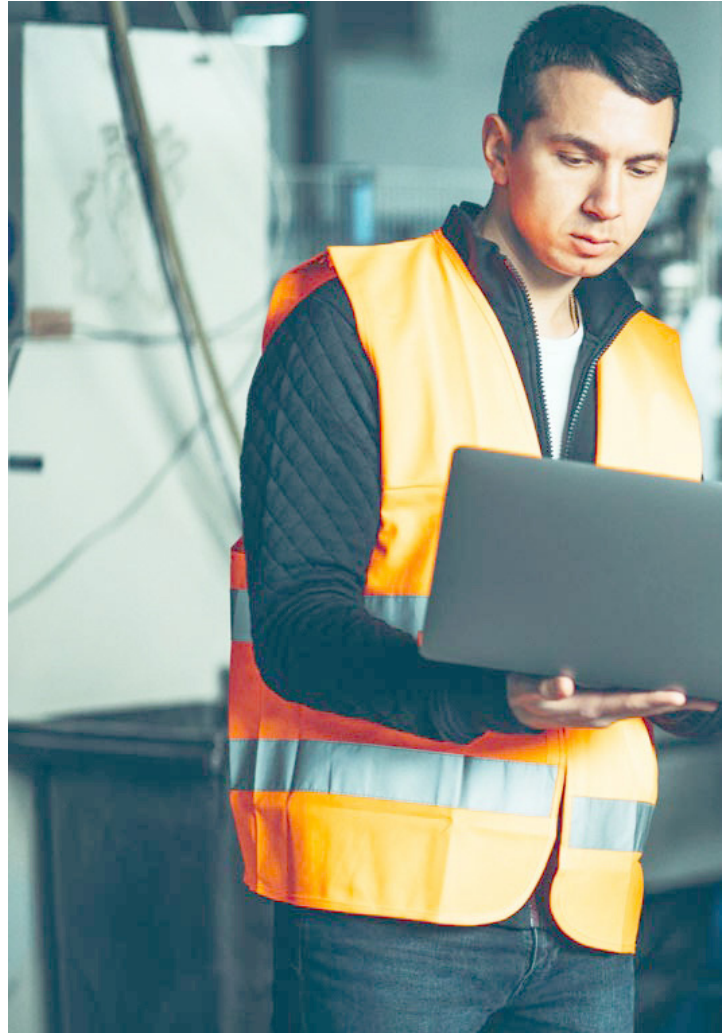
با توجه به زیاد شدن جوامع امروزی و تحولات آن برای صنعتی شدن و نیاز رو به فزونی انسان‌ها برای کالاهای تولیدی و صنعتی و در نتیجه بیشتر شدن کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و... در سایه این نیاز انسانها موجب افزایش تعاملات میان کارگر و کارفرما و برخوردها و اختلافات میان کارگر و کارفرما و نیل هر یک برای رسیدن به شرایط مطلوب خود به وجود آمده که هم اجتناب ناپذیر ساخته و هم بررسی مسائل مربوط به حق و حقوق هریک از آنها و ایجاد تعادلی متعارف ومنطقی میان این دو حق متضاد را اجتناب ناپذیر ساخته است. در حقوق ایران قانون مسئولیت مدنی به این مهم پرداخته از جمله ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی سعی در هماهنگ داشتن این امور با مقتضیات عصر جدید می‌باشد.

آشنایی با حقوق قانون کار و چالش‌های آن برای کارفرمایان

در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی همان مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است و ماده ۱۳ قانون مذکور نیز به بیمه این مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر توسط کارفرمایان تاکید دارد. در واقع طبق ماده ۱۳ که حتی در برخی از کشورهای جهان اولی این ضرورت پیش بینی نشده که کارفرمایان ملزم به خرید بیمه هستند که نشان می‌دهد فردی ملزم به ترمیم خسارتی شده که از ناحیه دیگری ایجاد شده است. به عبارت دیگر ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مسئولیت ناشی از فعل غیر را بیان می‌کند و کارفرمایان را ملزم به جبران خسارت کارگران خود می‌کند و ماده ۱۳ نیز برای تسهیل این جبران خسارت کارفرمایان را ملزم به بیمه کردن کارگران و کارکنان اداری خود در برابر خسارات وارده از طرف آنان به اشخاص ثالث نموده است. همچنین مسئولیت والدین در قبال خسارات به خاطر عمل کودکان خود نیز از جمله موارد مسئولیت ناشی از فعل دیگری است. در برخی از کشورها حتی معلمان طبق قانون مسئول جبران خسارت به خاطر عمل دانش آموزان هنگام اردو در بیرون از مدرسه یا در محیط مدرسه می‌باشند. در تمامی موارد مسئولیت مدنی به خاطر عمل دیگری منتهی به یک جبران خسارت مالی شده است. در حالی که در مسئولیت کیفری آنچه حاکم است مسئولیت شخصیت یعنی نمی‌شود فردی به جای فردی دیگر مجازات و محاکمه شود. در واقع در مسئولیت کیفری شخصی که مجازات می‌شود یا باید مباشر باشد یا شریک در جرم و یا معاون، در غیر این صورت نمی‌توان وی را مجازات کرد.

قانون کار کنتراتی (پیمانکاری)

یکی از اشکال قراردادهای کار که در بسیاری از صنایع و مشاغل مورد استفاده قرار می‌گیرد، قانون کار (پیمانکاری) کنتراتی است. در این نوع قرارداد، کارگر بر اساس توافقی مشخص و معمولاً برای انجام یک پروژه یا کار معین، استخدام می‌شود. این نوع قراردادهای می‌توانند مزایا و چالش‌های خاص خود را برای کارفرمایان داشته باشند، از جمله انعطاف‌پذیری بیشتر در تعیین شرایط کار، اما همزمان نیازمند رعایت دقیق مقررات قانون کار برای جلوگیری از اختلافات احتمالی هستند.



مرخصی، هزینه عائله مندی، هزینه سفر و فوق‌العاده مأموریت، عیدی، مابه‌التفاوت کمک هزینه مسکن و خوار و بار در ایام بیماری، حق شیر، پاداش نهضت سوادآموزی، خسارت اخراج و مزایای پایان کار (سنوات)، پاداش افزایش تولید. اجزای تشکیل دهنده حق‌السعی به شکل الزامی و تنها اقلامی که در قرارداد کار پرداخت آنها مورد توافق طرفین قرار گرفته است را شامل نمی‌شود بلکه پرداخت‌هایی که در کارگاه خارج از الزامات قانونی و مفاد قرارداد از طرف کارفرما به کارگران پرداخت می‌شود نیز جزو حق‌السعی محسوب می‌شود. مانند آنچه کارگران به صورت نقدی و غیر نقدی در قالب عرف و رویه کارگاهی دریافت می‌کنند یا پرداخت‌هایی که طبق مقررات نوشته یا نانوشته در واحدهای مشمول قانون کار خارج از الزامات قانونی به کارگران انجام می‌شود.

ممنوعیت تبعیض در پرداخت مزد به زن و مرد

ماده ۳۸ قانون کار مقرر می‌دارد برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد، مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین مزد براساس جنس، سن، نژاد و قومیت و اعتقادات مذهبی ممنوع است.

عمده مشکلات کارفرمایان در ارتباط با قانون کار

بیمه کارکنان

کارفرما به عنوان شخصی که دستورات مختلف را در خصوص انجام امور صادر می‌کند، در مقابل این دستورات مسئولیت دارد. بنابراین باید خود را در مقابل این مسئولیت‌ها به نوعی بیمه کند. چرا که برخی از این مسئولیت‌ها ناشی از فعل غیر (کارگر) است. در اینجا بیمه گذار در بیمه مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان، کارفرما است؛ و می‌خواهد مسئولیت مدنی خود را در قبال اشخاصی که برای او کار می‌کنند و ممکن است در حین انجام کار آسیب بدنی به آنها وارد شود را تحت پوشش این



قانون کار در حوزه‌های خاص

قانون کار در حوزه‌های مختلف ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد که بر اساس نیازها و شرایط خاص آن صنعت یا شغل تدوین شده است. برای مثال، قانون کار داروخانه شامل مقررات ویژه‌ای برای کارکنان داروخانه‌هاست که باید به‌دقت رعایت شود. قانون کار آتش‌نشانی نیز شامل مقررات خاصی است که به ویژگی‌های شغل آتش‌نشانی و شرایط خطرناک این شغل توجه دارد. همچنین، قانون کار موسسات خیریه به دلیل ماهیت غیرانتفاعی این موسسات ممکن است استثنائاتی داشته باشد، اما همچنان رعایت اصول کلی قانون کار الزامی است. قانون کارشناسان رسمی دادگستری نیز برای تنظیم روابط کاری این گروه از کارشناسان تدوین شده است. و دارای مقررات ویژه‌ای است که باید توسط کارفرمایان و خود کارشناسان رعایت شود.

دوران پس از تعلیق

از کاستیهای قانون کار برای مثال می‌توان به پذیرش کارگران پس از دوران تعلیق اشاره کرد که اگر تحت هر عنوانی کارگر به حال تعلیق درآید و یا فعالیت کارگاه تعطیل شود و یا کارگر توقیف گردد و غیره، کارفرما ملزم است پس از رفع شرایط مذکور، کارگر را به کار بپذیرد، حتی اگر با شرایط جدید، نیازی به این کارگر نباشد. این شرایط بدون تردید کاستی‌هایی برای کارفرما ایجاد می‌کند. قانون کار به دلیل دامنه اثرگذاری وسیعی که دارد همواره مورد بحث و جدل گروه‌ها و اقشار مختلف قرار دارد. درواقع، این قانون قشر عظیمی از نیروی انسانی کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد و به همین سبب نیز کاستیهای آن دامنگیر همه آن قشر عظیم می‌شود.

جذب نیروی کار

مطابق با دیدگاه کارفرمایان، به موضوع جذب منابع انسانی که از مهمترین و ابتدایی‌ترین مباحث مدیریت منابع انسانی است در قانون کار، توجه جدی نشده است و کارفرمایان از روش‌هایی در انعقاد قراردادهای خود استفاده می‌کنند که اکثراً با کارکنان دچار چالش هستند؛ به عنوان مثال عقد قراردادهای موقت به جای قراردادهای دائم. در حال حاضر می‌توان گفت اکثر شاغلان جامعه کارگری کشور با قرارداد موقت کمتر از یک سال مشغول به کارند که امنیت شغلی پایین برای نیروی کار دارد. به همین منظور کارگران با پیدا کردن کار موازی یا فعالیت دیگر به راحتی از کار خارج شده و این هزینه است. از دیدگاه آنان با استعفا کارگر، هزینه‌های صرف شده برای جذب از بین می‌رود. در قانون کار، حق استعفا به کارگر داده شده و در مقابل برای کارفرما ابزار تنبیهی و اختیار مخالفت داده نشده است. از نگاه کارفرمایان، قانونی با حمایت صرف از کارگر و بدون در نظر گرفتن عوامل حمایتی از کارفرما، موجب بی‌معنی بودن به کارگیری فرآیند جذب صحیح کارگر از سوی کارفرما شده است. در چنین شرایطی هم کارفرما و هم کارگر به دنبال عبور از قانون و تفسیر قانون به نفع خود هستند. البته شایان ذکر است که با توجه به موج جوانی جمعیت در این برهه از زمان و ضعف در مدیریت اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی کاهش و به تبع آن عرضه نیروی انسانی زیاد شده و این شکل عرضه و تقاضا در بازار کار، تعادل را از بین برده و دیگر برای کارفرمایان، جذب و نگهداری نیرو با تمامی محدودیت‌هایش، یک امر هزینه‌ای صرف تلقی شده و در برابر این شرایط باید قانونی تدوین شود که روابط کارگر و کارفرما را به‌درستی و با ثبات بیشتری تعیین کند که هر کدام از طرفین، قانون را به‌نفع خود تفسیر ننمایند. یکی از ابتدایی‌ترین موضوعات در خصوص کارگر، جبران خدمات است که همین موضوع نیز

در قانون کار به خوبی رعایت نشده است. ماده ۴۹ قانون کار درخصوص دستمزد بسیار مبهم صحبت کرده است. این ماده دو بند دارد که اشاره می‌کند دستمزد با توجه به نرخ تورم و معیشت تعیین می‌شود. با این حال قانون، تعریفی برای معیشت ندارد. به طور خلاصه با توجه به ضعفهای مطرح شده در محتوای قانون کار و دور زدن آن توسط کارفرمایان در نحوه جذب کارگران و بستن قراردادهای کوتاه مدت و بالعکس استفاده کارگران (خصوصاً کارگران مجرب و حرفه‌ای) از این ضعف و خروج از کار علیرغم سرمایه‌گذاری کارفرما در آموزش آنها می‌توان استنباط نمود که ضعف قانون در این موضوع نه به نفع کارفرما و نه به نفع کارگران بوده و این امر یک نکته منفی به لحاظ جذب و نگهداشت نیروی انسانی محسوب می‌شود. نگهداشت منابع انسانی نیز مهمترین فرایند منابع انسانی است. به نظر کارفرمایان، قانون درخصوص حفظ و نگهداشت و ایمنی و بهداشت صرفاً حداقل‌ها را بیان کرده است و این امر زمینه تفسیر و برخورد شخصی کارفرمایان در شرایط کنونی که عرضه نیروی کار زیاد است را فراهم کرده است. امروزه به دلیل عرضه زیاد نیروی کار به خصوص نیروی تحصیل کرده، شرکتها به راحتی به نیروی کار دسترسی دارند و این موجب شده است کارفرمایان هزینه چندانی برای نگهداشت نیروی انسانی صرف نکنند و بسا به کارگیری نیروها با عضویت‌های ناپایدار، زمینه رفتار دلخواه خود با کارگر را فراهم کنند.

درخصوص نگهداشت و توسعه منابع انسانی در نظریه‌های منابع انسانی آنچه مطرح شده نگاه سرمایه‌ای به کارکنان است و این امر موجب بستن قراردادهای طولانی و توسعه شایستگی‌های کارکنان برای نگهداشت کارکنان است ولی آنچه که در قانون کار دیده شده و کارفرمایان نیز از آن به نفع خود استفاده می‌کنند بستن قراردادهای کوتاه مدت و خروج سریع کارگران از کار است و این موضوع امروزه از نقطه نظر منابع انسانی جایگاهی ندارد. با توجه به ضعف محتوای قانون و مازاد عرضه نیروی انسانی، کارفرمایان کمتر به فکر صرف هزینه در خصوص حفظ و تقویت سلامتی

طی دوره آموزشی، کارگاه را ترک می‌نمایند خسارت زیادی برای کارگاه به دنبال دارد که کارفرمایان یا به دلیل ناآشنایی با متن قانون کار و یا طولانی بودن فرایند مطالبه خسارت از کارگر، پیگیر دریافت هزینه‌های صرف شده از کارگر نمی‌شوند.

در بررسی دیدگاه‌های کارفرمایان نسبت به محتوای قانون کار از نقطه نظر انضباطی نیز باید اشاره کرد که اغلب متون علمی مدیریت منابع انسانی، انضباط مترادف با مفهوم تنبیه را معرفی می‌کنند. از این ابزار تنها باید زمانی استفاده شود که سایر اقدامات با شکست مواجه شده باشند. از دیدگاه کارفرمایان در قانون در خصوص انضباط کلیگویی شده است و صریحاً به این موضوع پرداخته نشده است و با آگاهی هر یک از طرفین کارگر و کارفرما به راحتی قانون مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. در قانون کار از یک طرف به کارفرما سختگیری کرده است و در تنها فصلی با عنوان جرایم و مجازات‌ها صرفاً مجازات کارفرمایان از عدم اجرای قانون را مطرح کرده است و از طرف دیگر حقوق کارگر را متناسب با عملکرد کار تعیین نکرده است و این تناقض موجب بی‌انضباطی از سوی طرفین شده است. در جمع‌بندی دیدگاه‌های کارفرمایان نسبت به محتوای قانون کار از نقطه نظر مدیریت منابع انسانی با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته باید اشاره کرد که رهنمودهای مدیریت منابع انسانی با تغییرات سریع عصر اطلاعات در حال تغییر است ولی قانون کار مربوط به دهه شصت است. این عامل باعث تبدیل شدن قانون به یک جسم بیروح است که فقط در ارتباط کارگر و کارفرما به حداقلیات آن می‌توان رجوع کرد و این قانون نمی‌تواند چندان در داوری بین کارگر و کارفرما مؤثر واقع شود. این امر همچنین باعث می‌شود که ما شاهد شکاف‌های عمیقی بین اصول حاکم بر منابع انسانی و قانون کار باشیم. بنابراین، جایی که انتظار می‌رود قانون، تسهیلگر روابط کارگر و کارفرما باشد خود به یک مانع در روابط کارگر و کارفرما تبدیل می‌شود. به طور خلاصه چنانچه بخواهیم قانون کار را از ابعاد کلی از لحاظ تناسب آن با ماهیت موضوع، صراحت و شفافیت آن و رعایت حقوق طرفین قرارداد و دیگر ابعاد منابع انسانی مورد مطالعه قرار دهیم مشخص می‌شود که از لحاظ داشتن تناسب با ماهیت موضوع، این قانون نه تنها موجب پایداری و تحکیم اشتغال و امنیت شغلی کارگران نمی‌گردد، بلکه از طریق هزینه‌های آشکار و پنهان زیادی که ایجاد می‌نماید سبب می‌شود که کارفرمایان در اولین فرصت ممکن، خود را از دست نیروی کار موجود رها کرده و سرمایه‌گذاری نیز که متمایل به سرمایه‌گذاری جدید هستند، حتی الامکان به سمت سرمایه‌گذاری‌هایی متمایل شوند که به حداقل نیروی کار نیاز داشته باشد. از سوی دیگر به علت تحت پوشش بودن انواع مختلف بنگاه‌های اقتصادی از نظر نوع فعالیت، اندازه و فناوری، این قانون دارای ابهامات و تناقضات متعددی است و کارایی لازم را در روابط کار ندارد. تحولات پدید آمده در روابط کارگر و کارفرما، موجب تغییر شکل روابط کارگر و کارفرما شده و کم توجهی در قانون کار به این تحولات، گاهی موجب شکل‌گیری تنش بین کارگر و کارفرما شده است. از اینرو، برخی از حقوقدانان و اقتصاددانان با طرح موضوع روابط کارگر و کارفرما به صورت یک مسئله اجتماعی، اقتصادی و حقوقی کوشیده‌اند برای حل مشکلات آن، نظریاتی مطرح کنند و برخی دیگر نیز با توجه به مشکلات پیش روی این روابط، از فروپاشی و امحای روابط سنتی کارگر و کارفرما سخن گفته‌اند. این تحولات تنها به عوامل اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه زمینه‌ساز تحول در دیگر ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در کشور نیز شده است و بر پدیده‌هایی همچون بیکاری، اشتغال کاذب، افزایش مشاغل دلالی به جای تولید و کاهش میل و رغبت سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش تولید، تأثیر تعیین کننده دارد. روح قانون کار فعلی، برای حفظ اشتغال



کارکنان مانند برقراری بهداشت و ایمنی در محل کار، اجرای برنامه‌های ورزشی و تندرستی و یا تقویت روحیه و علاقه‌مندی کارکنان به کار و محیط کار مانند ایجاد امنیت شغلی، تأمین زندگی در زمان حال و دوران پیری و از کارافتادگی، رضایت از شغل و موارد مشابه دیگر می‌باشند. بخش دیگر، مربوط به شناسایی دیدگاه‌های کارفرمایان نسبت به محتوای قانون کار از نقطه نظر توسعه منابع انسانی بود. درواقع، توسعه فردی از مجرای آموزش، صورت می‌گیرد و به تبع آن با بالا رفتن تجربه و تخصص فرد، ابزارهای دیگر توسعه منابع انسانی مانند توسعه شغلی، گردش شغلی، ارتقا به شغل بالاتر و غنی‌سازی شغلی برای فرد مطرح می‌شود. این در حالی است که از دیدگاه کارفرمایان در قانون کار به توسعه منابع انسانی توجه چندانی نشده است. در قانون کار به تحصیلات و دانش فرد اشاره نشده است. در بحث آموزش، قانون فقط به کارورزی و کارآموزی می‌پردازد و به دیگر ابزارهای توسعه منابع انسانی اشاره‌ای ندارد. قانون کار در مورد آموزش الزام نمی‌کند و اگر کارفرما آموزش ندهد پیامد قانونی متوجه او نیست. در قانون کار صرفاً اقداماتی را برای وزارت کار پیشنهاد کرده است مانند: انتخاب کارگر نمونه، مراکز کارآموزی پایه و تخصصی و ارائه آموزش‌های عمومی به کارگران از طریق فیلم، اسلاید یا صدا و سیما. درخصوص توسعه منابع انسانی، آموزش حداقل کاری است که در منابع انسانی مطرح است و کارفرما باید انجام دهد ولی همانطور که مطرح شد کارفرمایان آن را هزینه می‌بینند. یکی از چالش‌های کارفرمایان و نگرانی‌های آنان در باب قانون کار و مواجهه با کارگران، مباحث مربوط به آموزش کارآموزان است که گاهی باعث ضرر رساندن به آنان شده و خسارات زیادی را به آنان می‌رساند. بسیاری از مشاغل، تخصصی بوده و کارگر به ناچار باید قبل از ورود به شغل مزبور، یک سری از آموزش‌های موردنظر را طی کرده و صلاحیتهای لازم را اخذ کند. بنابراین، کارفرما بایستی تا با هزینه خود به آموزش کارآموزان بپردازد و گاهی ناچار می‌گردد برای چند روز فعالیتهای تجاری بنگاه اقتصادی مربوط را صرف آموزش کارآموزان بنماید. زمانی که این کارگران بعد از

توجه شود و موضوع قراردادهای کار، تعیین حداقل دستمزد کارگران در شورای عالی کار، تأسیس سازمانهای کارگری و کارفرمایی و توسعه شمول قانون کار در اصلاح قانون لحاظ گردد.

۳. اصلاح قانون کار باید به صورت سه جانبه و در حضور شرکای اجتماعی اعم از نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان تدوین و نگاشته شود. در این صورت، نظرات هر سه شریک اجتماعی در آن دخیل خواهد بود و دیگر هیچ گروهی حق اعتراض به آن را نخواهد داشت و حاصل آن، قانونی خواهد بود که از مطلوبیت بیشتری برخوردار می شود و نظارت بر رفتار کارگر و کارفرما با قدرت بالاتری انجام خواهد شد.

۴. در تعیین تکالیف برای کارفرمایان، توان آنها برای اجرای تکالیف دیده شود.

۵. با عنایت به نظرات کارفرمایان در خصوص توجه به عدم شفافیت قانون کار، باید در فرایند اصلاح و یا تدوین قانون از کلمات و مفاهیمی استفاده شود که قابلیت تفسیر نداشته باشد.

۲. در قانون کار، نقش نظارت و چگونگی نظارت بر اجرای قانون کار با شفافیت مشخص شود.

۷. در سالیهای ابتدایی اجرای قانون کار بیش از ۱۰ درصد از کارگران به صورت دائمی مشغول به کار بودند؛ اما امروز این آمار تغییر کرده و تنها حدود ۹۰ درصد از کارگران، قراردادهای رسمی دارند که با بازنشستگی این تعداد افراد در طی چند سال آتی، آمار قراردادهای رسمی به ۵ تا ۳ درصد خواهد رسید. لذا در بازنگری قانون کار، موضوع امنیت شغلی کارگران مدنظر قرار گیرد و در خصوص به کارگیری نیروی انسانی، پیشنهاد می شود مباحث مطرح شده در جذب مثل مدت به کارگیری و شرایط به کارگیری با توجه به ماهیت کارها، مواد قانونی توسط کمیته های تخصصی مورد بازنگری و برای تصویب به مراجع قانونی ارسال شود. لیکن در کنار این امر باید ابزارهای قدرت مدیریت کارفرمایان بر کارگران، توأمان دیده شود.

۸. در خصوص توسعه منابع انسانی باید به ابزارهای متنوع توسعه کارکنان توجه شود و از طرفی مشوقهای قانونی نیز برای کارفرمایان برای این امر در نظر گرفته شود.

بوده که در آن شرایط، زمانی که حفظ اشتغال مورد توجه بوده، تصویب آن ایجاب می کرده است در حالیکه هم اکنون ایجاد و توسعه اشتغال، مشکل جامعه است و قانون فعلی، اعمال مدیریت و برقراری نظم را که لازمه یک محیط کار است از مدیریت واحد اقتصادی به خصوص در مورد واحدهای کوچک و متوسط سلب نموده، ایجاد محیط تفاهم و همکاری بین کارگر و کارفرما را برقرار نمیسازد و اغلب کارگر و کارفرما را در مقابل هم و در تضاد منافع قرار می دهد. این در حالی است که در شرایط کنونی، آنان دارای منافع مشترک بوده و باید با تفاهم و همکاری با یکدیگر عمل نمایند و عمده مشکل موجود که منشأ پیامدهای مختلف است به این شرح می باشد: قانون کار که از سال ... تدوین و ابلاغ شده است کارگران در مورد آن معتقدند هیچ نشانه ای در خصوص جانبداری از قشر کارگری ندارد و در حال حاضر با توجه به تفاسیر صورت گرفته، هیچ ماده ای به نفع کارگر در آن باقی نمانده و این امر باعث شده است تا جامعه کارگری خواهان باز تدوین آن باشند. در این بین کارفرمایان نیز معتقدند که قانون کار با حمایت صرف از کارگر، مانع از تولید و افزایش بهره وری است. اما با بررسی قانون کار باید گفت که مشکل بزرگ قانون کار، عدم شفافیت آن است و همین امر موجب شده هر کدام از ذینفعان، قانون را به نفع خود تفسیر نمایند. با توجه به مباحث مطرح شده می توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

۱. تعیین حداقل دستمزد پایینتر برای کارگران مبتدی که فاقد مهارت بوده و باید در کارگاه با آموزش حین کار، کسب مهارت نمایند و یا بیشتر بودن دستمزد کارگران دارای تخصص. براساس قانون کار، حداقل دستمزد برای تمامی کارگران یکسان تعیین شده است. با توجه به انتقادهای قشر کارگری و کارفرمایی از قانون کار به دلیل بهرور نبودن و برخی خلأهای موجود در آن و شکل گیری کسب و کارهای جدید، آنچه به نظر با اهمیت می رسد، اصلاح هر چه سریعتر این قانون است تا از این طریق، حقوق کارگر و کارفرما در قانون به درستی رعایت شود. البته شایان ذکر است که نباید تنها به اسم اصلاح، قانون را به طور مجدد با خلأهای موجود باز تدوین کرد بلکه باید خلأهای آن شناسایی و با دقت اصلاح شود. در فرایند اصلاح قانون کار به اهداف و چالش های اصلی



بررسی مسائل و مشکلات کارفرمایان با سازمان تامین اجتماعی



کارفرمایان نیز تأثیر بسیاری بر درآمدهای سازمان دارد. با توجه به تأثیرات سوء این رفتارها تاکنون نشست‌ها و گردهمایی‌های زیادی بین سازمان تأمین اجتماعی و فعالان کسب و کار و نهادهای نمایندگی کارفرمایان با هدف رفع تعارضات و گفت‌وگو واحد در مراکز تصمیم‌گیری برگزار شده و نتایج ارزشمندی نیز از این رهگذر حاصل شده است. اما به نظر می‌رسد تعارض منافع بین سازمان تأمین اجتماعی و فعالان کسب و کار همچنان پابرجاست و شاید نتوان نقطه خاتمه‌ای برای آن متصور بود. گزارش حاضر به دنبال احصاء عمده‌ترین مسائل کارفرمایان بخش خصوصی و فعالان کسب و کار در مراجعه و مواجهه با سازمان تأمین اجتماعی از منظر شرکای اجتماعی است. در این بررسی برای دستیابی به داده‌های دقیق‌تر کوشش شده تا منابع متنوعی بررسی شود و اسناد و آمارهای رسمی، مصاحبه انجام شده کارفرمایان یا تشکلهای کارفرمایی در این خصوص، مشاهدات میدانی، بخشنامه‌ها، قوانین و مقررات، مستندات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفته است. این مجموعه حاصل ساعت‌ها کار کارشناسی انجمن مدیران صنایع در قالب نشست‌های هیات مدیره و جلسات کمیته روابط کار و تامین اجتماعی و همچنین نتایج دوره‌های آموزشی برگزار شده و نیز شرکت در جلسات مرتبط است که بر اساس جلسات مختلف با صاحبانظران از هر دو طرف (کارشناسان بیمه تامین اجتماعی و کارفرمایان)، اعضاء کمیته، جمع‌آوری مصاحبه کارآفرینان و مدیران بنگاه‌های اقتصادی، جمع‌بندی مشکلات مطرح در مکاتبات تشکلهای مختلف با سازمان تامین اجتماعی و به سایر مراجع و نیز کسب نظرات اعضاء انجمن مدیران صنایع به صورت سند حاضر منتشر می‌شود. مهمترین عوامل بروز مشکل در تعامل کسب و کار با سازمان تامین اجتماعی بنا به بررسی‌های صورت گرفته مهمترین عللی که موجب بروز مشکل در تعامل کسب و کارها با سازمان تامین اجتماعی شده‌اند عبارتند از:

■ با توجه به ذی‌نفع بودن این سازمان تامین اجتماعی همواره غلبه نگاه

سازمان تامین اجتماعی در راستای اصل (۲۸) قانون اساسی، به‌عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی بین نسلی، با هویت اجتماعی-اقتصادی در یک گستره عمومی، جامع‌ترین و محوری‌ترین ارائه‌دهنده حمایت‌های قانونی تامین اجتماعی مبتنی بر اصول بیمه‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود، که به‌صورت مستقل بر اصل سه‌جانبه‌گرایی کارگر، کارفرما و دولت اتکا دارد و مهم‌ترین رکن نظام تامین اجتماعی در ایران محسوب می‌شود. سازمان تامین اجتماعی با هدف تأمین امنیت اقتصادی و اجتماعی افراد در برابر خطرات و مشکلات مختلف مانند بیکاری، بیماری، از کارافتادگی و بازنشستگی تأسیس شده است. این سازمان به عنوان یک نهاد عمومی و غیردولتی با بهره‌برداری از منابع مالی ناشی از حق بیمه‌های پرداختی توسط بیمه‌شدگان و کارفرمایان، خدمات و مزایای مختلفی را به مشمولان خود ارائه می‌دهد. سازمان تامین اجتماعی به لحاظ ماهیت تعهدات و خدمات، سازمان چندجانبه فرابخشی است که با پرداخت حق بیمه کارفرمایان، کارگران و دولت تأمین مالی می‌شود که البته کارفرمایان با پرداخت بخش چشمگیری از حق بیمه‌ها، نقش اساسی در اداره صندوق تامین اجتماعی و ایجاد امنیت اقتصادی، شغلی و روانی برای نیروهای مولد دارند. بر این اساس کسب رضایت‌مندی و رفع مشکلات و مسائل این دسته از افراد برای سازمانی که بیشترین منبع دارایی‌اش را متعلق به آنان می‌داند، امری ضروری است. سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان یک نهاد بیمه اجتماعی بر اصل «سه‌جانبه‌گرایی» مبتنی است. نقض این اصل علاوه بر بی‌اثر کردن سازوکار گفتگوی اجتماعی میان کارگر- کارفرما که می‌تواند تنش بین آنها را تخفیف دهد، زمینه به حاشیه رفتن سیاستگذاری‌های حافظ منافع کارگران و کارفرمایان را نیز افزایش می‌دهد. اگرچه سازمان به‌دلیل قوانین حمایت‌کننده موجود از ابزار متعددی در برابر دو کنشگر اصلی کارگر و کارفرما برخوردار است، با این حال در بیشتر مواقع مواجهه سازمان به ضرر کارفرمایان است. این در حالی است که رفتار اقتصادی بنگاه‌ها و

(حق بیمه قرارداد) قانون گذار که هدف از آن اطمینان از بیمه شدن همه کارگران که مشغول به کار هستند یاد شده است.

■ قائم به شخص بودن وصول حق بیمه و نقش همزمان سازمان تامین اجتماعی به عنوان ذی نفع وصول منابع و مجری: اختیارات بیش از حد بازرسی و کارمند شعبه برای تعیین ضریب حق بیمه یکی از معضلات مهمی است که کسب و کارها با آن مواجه اند.

■ طراحی نامناسب فرآیند دادرسی مربوط به داوری و اجرای احکام توسط سازمان تامین اجتماعی و نبود ناظر بر عملکرد سازمان در این حوزه.

درآمدزایی سریع به جای ایجاد فضای تعامل در قالب شرکای اجتماعی موجب شده است آسیب های جدی به بنگاه های اقتصادی وارد شود.

■ منوط کردن شیوه وصول حق بیمه به بخشنامه های سازمان تامین اجتماعی و در تعیین نحوه و فرآیند وصول حق بیمه و حتی تعیین نرخ بیمه های پرداختی که اعمال می شود به جای توجه به اصل قانون تامین اجتماعی

■ صدور بخشنامه های متعدد توسط سازمان تامین اجتماعی و عدم شناخت آنها برای کارفرمایان و کسب و کارها

■ ساز و کار ناعادلانه برای شناسایی حق بیمه و تعیین ضرایب علی الراس

در جدول زیر برخی از مشکلات مطرح شده توسط کارفرمایان آمده است و در ادامه در خصوص برخی از مهمترین مشکلات مطرح شده توضیحاتی ارائه شده است:

جدول (۱) مهمترین مشکلات کارفرمایان با تامین اجتماعی

مشکل محوری	ابعاد مشکل
مشکلات مربوط به ثبت کارگاه و ارسال لیست	- زمان پر بودن تشکیل پرونده، اخذ کد کارگاهی و ثبت نام کارگران در سازمان تامین اجتماعی - سلیقه ای عمل کردن کارکنان شعبه و ناآگاهی از مقررات یا بد عمل کردن به مقررات
مشکلات مرتبط به ارائه صورت مزد بیمه	- لزوم مراجعه حضوری کارفرما (یا نماینده وی) به شعبه برای دریافت نام کاربری و رمز عبور جهت ورود به سامانه ارسال لیست حق بیمه به ویژه برای شرکت های پیمانکاری - عدم تایید لیست رسمی و صرف سامانه به دلیل به روز نبودن بانک اطلاعاتی سازمان تامین اجتماعی در خصوص اطلاعات هویتی بیمه شدگان - عدم اعلام خطای محاسبه حق بیمه در زمان ارسال لیست و اعلام بدعی بعد از ۶ ماه - عدم امکان اصلاح و ویرایش یا حذف لیست رسمی در صورت بروز خطا از طرف کاربر - عدم ضرایب مناسب سامانه، عدم سهولت کار با برنامه و بالا بودن امکان خطای کاربر در تنظیم لیست حق بیمه - ضرورت حضور فیزیکی جهت نام نویسی از کارکنان شرکت با پروژه بعد از ثبت کارگاه
ضعیف وحدت رویه و شفافیت در محاسبه نرخ حق بیمه قراردادهای پیمانکاری	- برخورد سلیقه ای در مسائل مربوط به مشغول سحت و زیان آور و مشمول شدن کارگاه به پرداخت حق بیمه بیشتر توسط کارفرما - اعمال ضریب حق بیمه برای قراردادهای تحقیقاتی و پژوهشی - محاسبه حق بیمه برای مجورها و نظارت سازمان ها (از صورتی که این موارد از پرداخت حق بیمه معاف هستند) - ضعف و عدم شفافیت قوانین مربوط به بخشودگی حق بیمه برای برخی کرافترینان - پیچیده بودن فرایند محاسباتی - چالش های مربوط به نرم افزار محاسبه حق بیمه و افزایش دستمزد در سایر سطوح مزدی بدون توجه به توافق کاری و کارفرما - متفاوت بودن ضرایب و ضرایب محاسبه حق بیمه پیمانکاران و قراردادهای مختلف ساخت؛ پیمانکاری، نصب، پژوهشی و ... - مشکل پیش آمده ناشی از اصلاح بند (۲-۱۴) چهارمین اطلاعیه بخشنامه نتایج و تلخیص صورت نامه بیمه ای مقادیر کارکنان با افزودن جمله «در سال دوره اجرای قرارداد فاقد بده قطعی باشد» سبب بروز مشکل بر واحدهای اقتصادی که بدعی خود را تقسیم و وضعیت آن را با شعبه مشخص و ضمانت نامه پرداخت قطعی را هم تحویل شعبه داده اند موجب اعتناع از صدور محاسبه حساب می شود

مشکل محوری	ایجاد مشکل
مشکلات مربوط به بازرسی از دفاتر	- ضعف زیاد بازرسی از کارگاهها توسط مأموران سازمان تأمین اجتماعی (چند بار در سال) عدم جبران خسارت وارده به کارفرما در صورت اثبات قصور از سوی سازمان تأمین اجتماعی و پذیرش بی‌مسئولیت گزافش بازرسان توسط سازمان - بی‌توجهی بازرسان کارفرمایان به توضیحات و استاذارنه شده بنگاه قضایی عدم قطعیت ناشی از رسیدگی به دفاتر سال‌های گذشته (مروار زمان) ساده ۴۷ قانون تأمین اجتماعی به مثابه حسابرسی ز دفتر و استاذ کارفرما اختصاص ندارد. بین حسابرسی‌ها و زمان‌بندی فاقد هرگونه قاعده و اصول بوده و عملاً در هر زمانی که سازمان بخواهد انجام می‌شود. - عدم تمکین برخی شعب تأمین اجتماعی به آرای دیون عدالت اداری - طولانی شدن فرایند رسیدگی به پرونده‌ها در هیات‌های بدوی و تجدیدنظر - رسیدگی به پرونده‌های تکلیف کارفرما از تأمین جنایات توسط خود سازمان تأمین جنایات در هیات‌های بدوی و تجدیدنظر با تفسیر مضیق شعب سازمان از آرای هیات‌های تجدیدنظر به زیان کارفرمایان - رفتار ناپسند به حضور و گویی یا تمایز بنگاه اقتصادی و بی‌توجهی به توضیحات ارائه شده نماینده بنگاه - منوط بودن حضور و تمدید کارت بازرگانی به دریافت مفاد حساب سهم مطابق ماده (۳۷) قانون تأمین اجتماعی که زمینه حسابرسی خارج از قاعده را برای سال‌های گذشته رای سازمان فراهم و همچنین فعالان کسب‌وکار را با مشکلی در فعالیت اقتصادی مواجه می‌سازد - ضعف وحدت رویه محاسبه ضریب حق بیمه توسط شعب سازمان - عدم پذیرش نسبت بیمه شرکت‌ها (به دلیل مسئولیت شدن حساب کارفرمایان) و عدم پرداخت به موقع مطالبات سازمان از جانب سازمان و در نتیجه مشکلات زیادی که در زمینه خدمات تأمین اجتماعی برای کارکنان ایجاد می‌شود - پیچیدگی و عدم شفافیت بخشنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص مفاد حساب - اعمال سلیقه‌های فردی در محاسبه جرائم بیمه‌نگاری - اتخاذ نحوه بازرسی ۶۰ ساله از کارفرما در مقابل دستور مفاد حساب - طولانی و زمان‌بر بودن فرایند صدور مفاد حساب - مشکلات مربوط به سیستم سنجش سازمان تأمین اجتماعی و عدم ارتباط الکترونیک دستگاه‌ها با یکدیگر در باره دستور مفاد حساب - اعمال ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی برای قراردادهای بیمه‌نگاری تک‌نفره - از بین رفتن سوابق بیمه‌ای اعضای هیات مدیره شرکت‌ها به دلیل طولانی شدن فرایند تصحیح سوابق آنان توسط سازمان تأمین اجتماعی و انعقاد قراردادهای کارفرمایان - تأخیر در روند صدور مفاد حساب پروژه‌ها و عدم همکاری شعب در رابطه باخذ نسبت سهم کارکنان در صورت عدم واریزی مانده - زمان‌بر بودن و بهره‌وری پایین فرایند احقاق حق سهم کارکنان سهم نشده و اثر مخرب آن بر اعضای کسب و کار و نگرانان از احقاق حق کارکنان بیمه نشده - مشمول شدن حق بیمه به فاکتورهای خرید توسط سوسند حسابرسی تأمین اجتماعی - عدم انتقال اموال واریز شرکت‌ها به دوره جای بعد - عدم ارائه محاسبه گردش حساب و واریزهای شرکت‌ها - تأکید بر ضرورت افزایش آگاهی و آموزش کارکنان تأمین اجتماعی در خصوص بخشنامه‌های این سازمان و ازوب نهادهای بر اجرای این بخشنامه‌ها - سازمان تأمین اجتماعی میبایست به عنوان یک بنگاه اقتصادی در نظر گرفته شود تا مکان رفع تعهدات سازمان میسر گردد. - در خصوص مقابله شدن اخذ آراء اعضای اقلیت خارج از کادر است و در صورتی‌هایی که به دست کارفرما می‌رسد رأی اقلیت دیده نمی‌شود اگر شخصی بخواهد رأی را به دیوان ببرد نظر کارفرما دیده نشود و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. باین جهت لازم است در این زمینه اصلاح شوند.
ضعف در ساختارهای حقوقی، مالی و اداری فرایند صدور مفاد حساب	
سایر مشکلات	



عادلانه نبودن ترکیت هیات‌ها

هنگامی که کارفرما به میزان حق بیمه و خسارت تاخیر تعیین شده از طرف سازمان تامین اجتماعی اعتراض کرده و اعتراض خود را به سازمان تسلیم می‌کند، سازمان مکلف است پس از دریافت، آن را در هیات بدوی تشخیص مطالبات مطرح نماید. بررسی ترکیب اعضای هیات‌های تشخیص مطالبات تامین اجتماعی نشان می‌دهد به استناد ماده ۴۳ قانون تامین اجتماعی، اعضای هیات‌های بدوی ۴ نفر هستند که یک نفر نیز نماینده کارفرماست که این فرد را اتاق‌های بازرگانی مراکز استان‌ها انتخاب می‌کنند؛ اتاق اصناف نیز نماینده اصناف را تعیین می‌کند و نماینده عالی شورای عالی تامین اجتماعی رئیس درآمد است و این شخص به دنبال وصول برای تامین اجتماعی است. به عبارت دیگر ۳ نفر از شاغلان سازمان در این جلسات حضور دارند؛ همچنین یک قاضی از دادگستری در جلسات باید حضور داشته باشد که متأسفانه در بیشتر موارد در جلسات غایب است و فقط مبادرت به امضای رای‌ها می‌کند. تفکر نماینده کارگر این است که اگر سازمان قوی‌تر شود و وصول کند حقوق و مزایا آنها نیز بهبود پیدا می‌کند و با توجه به این شرحی که گفته شد این ترکیب عادلانه نیست. در هیات‌های بدوی معمولاً رای‌های ابلاغ شده را تایید می‌کنند و کارفرمایان رفع مشکلات خود را در هیات‌های تجدیدنظر، دنبال می‌کنند. آرایش این اعضا بیشتر دنبال کننده منافع دولت است و چندان نقش و منافع کارفرما در آن دیده نمی‌شود و در هیات بدوی و تجدید نظر حق با سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. به عبارت بهتر، سازمان به عنوان مجری اخذ بیمه، که طرف شکایت می‌باشد در ترکیب اعضای این دو هیات که نقش داور را برعهده دارند نقش موثری دارد.

تخصصی نبودن هیات‌های تشخیص

پرونده‌ها بر اساس ثبت دبیرخانه در سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرند و به رسته شغلی و تخصصی در رسیدگی به این پرونده‌ها توجه نمی‌شود. تمام پرونده‌های هیات‌ها به تعداد مشخصی از هیات‌های تجدیدنظر واگذاری می‌شود و این هیات‌ها تخصص لازم در همه حوزه‌ها را ندارند.

احکام صادر شده در هیات‌های تشخیص مطالبات ضمانت اجرایی توسط

سازمان تامین اجتماعی وجود ندارد

عملکرد سازمان تامین اجتماعی نشان می‌دهد که این سازمان در عمل متوجه هزینه بر نبودن تخلف از قانون برای خود شده است. در واقع این طور به نظر می‌رسد که سازمان با تکیه بر شاخص هزینه-فایده، کارفرمایان را درگیر بازی نفسگیر دادرسی شبه قضایی و قضایی در این گونه پرونده‌ها ساخته است. از آنجایی که چنین درگیری برای سازمان هزینه زیادی را نداشته است، در نتیجه قبح شکستن قانون توسط سازمان از بین رفته است.

چالش‌های بخشنامه شماره ۱۷۷۷ تامین اجتماعی با موضوع اصلاح

عناوین شغلی

طبق مفاد رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۱۱۴ صادره در تاریخ ۱ تیرماه ۱۴۰۰، اگر کارگر و کارفرما اختلافی در درج عنوان شغلی در لیست بیمه داشتند، به جهت اینکه از مصادیق اختلاف در ماده ۱۴۸ قانون کار است، با توجه به حکم مقرر در ماده ۱۵۷ قانون کار، اختلاف آنان، اختلاف ناشی از اجرای قانون کار محسوب می‌شود و باید در مراجع حل اختلاف کار رسیدگی شود و رسیدگی سازمان تامین اجتماعی به درخواست کارگر مبنی بر اصلاح عنوان شغلی مندرج در لیست بیمه ارسالی از سوی کارفرما فاقد مبنا و مستند قانونی است و صراحتاً تأکید شده است که خواسته اصلاح عنوان شغلی در لیست‌های بیمه در صلاحیت هیات‌های تشخیص و حل اختلاف کار می‌باشد؛ لذا ورود تامین اجتماعی به این مورد طبق رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری خارج از حدود اختیارات تامین اجتماعی می‌باشد.

سازمان تامین اجتماعی بدون حضور شرکای اجتماعی بخشنامه‌ای را صادر کرد که اگر شخصی به دنبال اصلاح عناوین شغلی می‌رود، روش محاسبه‌ای گذشته شود که در بخشنامه روش دقیق قید نشده و هر استانی روش محاسبه خود را دارد و اصلاح عناوین شغلی در دسر زیادی برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است

این بخشنامه مغایرت زیادی با اسناد بالادستی از جمله رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری، مواد ۱۴۸ و ۱۵۷ قانون کار و آیین‌نامه ضوابط و نحوه اجرای ماده ۴۰ قانون تامین اجتماعی موضوع بخشنامه ۱۲ جدید درآمد دارد.

در امور نام‌نویسی شعبه تامین اجتماعی از افراد در شرف بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور خواسته می‌شود فرم اصلاح عناوین شغلی را تکمیل کنند و ادامه روند بازنشستگی آن‌ها را منوط به ارائه این فرم نامربوط کرده‌اند که در هیچ‌کدام از آنها تأییدیه کارفرما وجود ندارد و تنها کارگر عناوین شغلی خود را درج کرده است و این کار صرفاً جهت مشخص شدن مشاغل پیش از سال ۱۳۸۸ بوده؛ اما در نهایت این فرم منتج به بدهی برای شرکت‌ها شده که کاملاً خلاف و غیرقانونی بوده و به هیچ‌وجه قابل استناد با هیچ ادله و اقراری نیست.

هوشمندسازی لیست حق بیمه کارگران توسط کارفرمایان

ارسال لیست هوشمند بیمه برای کارفرمایان به‌عنوان بخشی مهم از مدیریت منابع انسانی و رعایت الزامات قانونی، چالش‌ها و مشکلات متعددی را به همراه دارد. با وجود اینکه این سیستم به‌طور کلی به بهبود فرآیندهای اداری و سرعت کار کمک می‌کند، اما کارفرمایان با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند زمان‌بر و هزینه‌زا باشد. در ادامه به برخی از این مشکلات به تفصیل پرداخته می‌شود:

۱. مشکلات نرم‌افزاری و سیستمی

ناسازگاری سیستم‌ها: نرم‌افزارهای ارسال لیست بیمه ممکن است با سیستم‌های داخلی کارفرمایان سازگار نباشند و این مسئله کار را پیچیده‌تر کند. بروز رسانی‌های مداوم: به دلیل تغییرات مداوم در قوانین و مقررات بیمه و نیاز به بروز رسانی نرم‌افزارها، کارفرمایان باید دائماً نرم‌افزارها را بروز رسانی کنند، که این خود به نوبه‌ی خود باعث پیچیدگی و ایجاد مشکلاتی می‌شود.

کاهش سرعت یا قطعی سیستم: در زمان‌های اوج استفاده از سیستم، مانند پایان ماه‌ها، کارفرمایان با کندی و یا قطعی سیستم‌های بیمه روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند مانع از ارسال به‌موقع لیست بیمه شود.

۲. مسائل مربوط به اینترنت و زیرساخت‌ها

کندی اینترنت: در مناطقی که زیرساخت‌های اینترنتی ضعیف است، کارفرمایان برای بارگذاری و ارسال لیست بیمه به مشکلاتی برمی‌خورند. این موضوع به‌ویژه

۶. محدودیت‌های زمانی برای ارسال لیست

مهلت محدود برای ارسال: سازمان بیمه برای ارسال لیست بیمه مهلت زمانی مشخصی تعیین کرده است و اگر کارفرمایان به هر دلیلی، مانند قطعی سیستم یا خطای انسانی، نتوانند لیست را به موقع ارسال کنند، با جریمه‌های سنگینی روبه‌رو می‌شوند. تداخل زمان‌بندی با دیگر تعهدات مالی: بسیاری از کارفرمایان باید در یک بازه زمانی نه تنها لیست بیمه، بلکه تعهدات مالی دیگری را نیز پرداخت کنند. این تداخل باعث فشار مضاعف بر آنها شده و ممکن است به تأخیر یا خطا در ارسال لیست منجر شود.

۷. هزینه‌های ناشی از خطا و جریمه‌ها

جریمه‌های سنگین بابت تأخیر یا خطا در ارسال لیست: اگر کارفرما لیست بیمه را به موقع ارسال نکند یا اطلاعات اشتباه وارد کند، ممکن است جریمه‌هایی متحمل شود که این هزینه‌ها به‌ویژه برای کسب و کارهای کوچک سنگین است. هزینه‌های پنهان در اصلاح خطاها: در صورت بروز خطا در لیست بیمه، کارفرما باید وقت و هزینه بیشتری برای اصلاح و ارسال مجدد صرف کند، که این هزینه‌ها نیز بر دوش شرکت می‌افتد.

۸. نبود آموزش و آگاهی کافی

عدم آموزش مناسب کارکنان: بسیاری از کارفرمایان آموزش مناسبی برای کارکنان خود در زمینه ارسال لیست بیمه فراهم نمی‌کنند، که این امر باعث بروز اشتباهات متعدد و صرف زمان اضافی برای اصلاح آنها می‌شود. عدم دسترسی به منابع آموزشی به‌روز: منابع آموزشی ساده و جامع برای کارفرمایان و کارکنان مسئول ارسال لیست بیمه به‌ندرت در دسترس است. این کمبود باعث می‌شود بسیاری از کارفرمایان با آزمون و خطا کار کنند و هزینه‌های بیشتری بپردازند.

۹. نقض امنیت اطلاعات

حفاظت از اطلاعات پرسنلی: ارسال لیست بیمه شامل اطلاعات حساس کارکنان است، و در صورتی که سیستم امنیت لازم را نداشته باشد، این اطلاعات در معرض خطر افشا قرار می‌گیرند.

ریسک سوءاستفاده از اطلاعات در پلتفرم‌های آنلاین: کارفرمایان باید از پلتفرم‌های معتبری استفاده کنند که امنیت بالایی دارند. در غیر این صورت، اطلاعات مالی و هویتی کارکنان ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

ارائه راهکارهایی جهت رفع چالش‌ها و مسائل مربوط به هیات‌های تشخیص مطالبات

● هیات‌های تشخیص مطالبات به وزارت کار محول شده و مانند هیات‌های حل اختلاف کار و بیمه بیکاری، نتایج و مصوبات مرتبط به سازمان ابلاغ شود؛
● درگاه یا سامانه‌ای ایجاد شود که به صورت برخط هیات‌ها در آن برگزار شده و گردش کاری پرونده‌ها مشخص باشد. در این سازوکار اعضای هیات بدون دانستن رای همدیگر، رای خود را ثبت کرده و در نتیجه از اختلاط در رای‌ها و اثرگذاری بر یکدیگر، جلوگیری به عمل خواهد آمد؛
● اختیارات سازمان در مورد نحوه ترکیب اعضای هیات‌های تشخیص مطالبات از آن گرفته شود؛

● سامانه و زیرساختی برای ثبت اطلاعات تمامی مشاغل ایجاد شود تا با استفاده از اطلاعات آن برای لیستی کردن تمامی مشاغل، نیاز به موضوع مواد ۳۸ و ۴۱ از بین برود؛

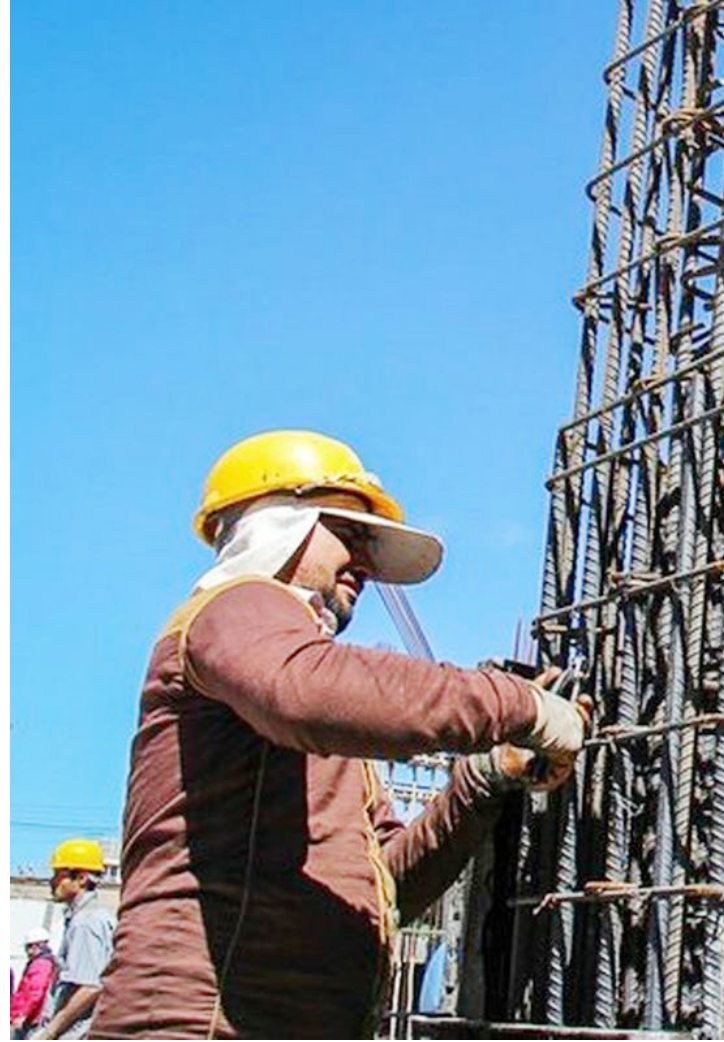
● سازوکاری مشابه سامانه سوت زنی برای افزایش و بالا بردن جریمه برای جلوگیری از تخلفات و بروز اشتباه از سوی کارکنان، بازرسان و اعضای هیات‌ها ایجاد شود؛

● سیستمی کردن و رویکرد یکپارچه برخط در کلیه فرآیندها جهت سرعت بخشی و اعمال نظارت دقیق بر سراسر تعاملات میان کارفرمایان و شعب سازمان تامین اجتماعی.

● تعداد نمایندگان کارفرمایان در هیات‌های تامین اجتماعی مانند گذشته ۵ نماینده باشد.

● هیات‌ها تخصصی شوند و نمایندگانی که در این جلسات حضور به عمل می‌رسانند از تشکلهای صنفی مرتبط باشند.

پیشنهاد می‌شود که در هیات‌های تجدیدنظر از هر صنفی نماینده مرتبط شرکت کند؛ به این معنا تجار و بازرگانان، پیمانکاران و اصناف نماینده خود را داشته باشند.



برای کسب و کارهای کوچک و متوسط که در مناطق دور از مراکز اصلی فعالیت دارند، بیشتر است.

قطعی اینترنت: قطع ناگهانی اینترنت هنگام ارسال لیست بیمه می‌تواند به فرایند آسیب بزند و ارسال لیست را ناقص کند.

۳. خطاهای انسانی و دقت در ورود اطلاعات

اشتباهات در ورود اطلاعات: از مشکلات رایج، ورود اطلاعات نادرست برای کارکنان است که شامل خطا در وارد کردن کد ملی، کد بیمه، حقوق و مزایا می‌شود. این اشتباهات منجر به عدم تایید لیست و نیاز به اصلاح می‌شود. تغییرات مداوم اطلاعات پرسنل: تغییراتی مانند تغییر سمت، افزایش حقوق، یا کد بیمه کارکنان که باید به‌طور منظم به‌روزرسانی شوند، می‌تواند در صورت عدم اعمال صحیح منجر به ارسال اطلاعات نادرست و مشکلات بعدی شود.

عدم آگاهی کافی از فرایند ارسال: بسیاری از کارفرمایان یا کارکنان مسئول ارسال لیست بیمه، با تمام فرایند و جزئیات آن آشنا نیستند و این منجر به بروز خطاهایی می‌شود که اصلاح آنها بر است.

۴. پیچیدگی قوانین و مقررات بیمه‌ای

تغییرات مکرر قوانین: قوانین بیمه و دستورالعمل‌های مرتبط به طور مکرر تغییر می‌کنند. کارفرمایان باید با آخرین تغییرات آشنا باشند و این می‌تواند کار را پیچیده و زمان‌بر کند. الزامات مختلف بیمه‌ای برای انواع کارکنان: به دلیل تفاوت‌های قانونی برای بیمه کارگران، کارکنان قراردادی و رسمی، کارفرمایان باید از این تفاوت‌ها آگاه باشند و برای هر نوع از کارکنان فرایند خاص خود را رعایت کنند، که می‌تواند پیچیدگی را افزایش دهد.

۵. عدم پاسخگویی و پشتیبانی فنی مناسب

پشتیبانی ناکافی در سیستم‌های آنلاین بیمه: در بسیاری از موارد، سیستم‌های آنلاین بیمه از پشتیبانی سریع و مناسبی برخوردار نیستند. به‌خصوص در مواقعی که کارفرمایان نیاز به راهنمایی یا رفع اشکال فوری دارند، این مسئله چالش بزرگی ایجاد می‌کند.

دسترسی محدود به مراکز پشتیبانی حضوری: برخی کارفرمایان در مناطق دور دست به مراکز پشتیبانی حضوری سازمان بیمه دسترسی ندارند و این مسئله در مواقع بحرانی باعث کندی کار و افزایش نارضایتی می‌شود.

نتیجه گیری

عدم رعایت اصل سه جانبه گرایی عامل اصلی عدم رعایت حقوق ذی نفعان و شرکای اجتماعی سازمان محسوب می شود. طبیعتاً در راستای پیروی از رویکرد سه جانبه گرایی باید انتظار داشت که شرکا در بزنگاه های مختلف از جمله تدوین بخشنامه ها و دستورالعمل ها مشارکت داشته باشند. ترکیب ناموزون اعضای هیات بدوی و تجدیدنظر در مواد (۴۲ تا ۴۵) قانون تأمین اجتماعی یکی از مصادیق دیگر عدم رعایت اصل سه جانبه گرایی است. البته نباید از نظر دور داشت که عوامل کلیدی دیگری نظیر عدم تحقق کامل نظام چندلایه تأمین اجتماعی در کشور، عدم اصلاح قوانین مربوط به بازنشستگی های زودرس، تحمیل تعهدات خارج از اصول بیمه ای بر سازمان نظیر همسان سازی حقوق بازنشستگان، عدم ایفای تعهدات یا تأدیه بدهی های دولت و ... که به تشدید کسری منابع سازمان منجر شده است بر سخت گیری سازمان در قبال کسب و کارهای اقتصادی در زمینه وصول حق بیمه مؤثر بوده اند. بنابراین علاوه بر تقویت و بهبود ساختارهای حقوقی، اداری و مالی سازمان، اعمال برخی اصلاحات ساختاری و پارامتریک در تأمین اجتماعی و ایفای به موقع تعهدات و تأدیه بدهی های دولت نیز در این زمینه مؤثر است. علیرغم وجود مشکلات استقرار سیستم های تلفیقی (وصول یکپارچه بیمه و مالیات)، ایجاد زیرساخت های فناوری برای بارگذاری اطلاعات قراردادهای پیمان قبل از انعقاد قرارداد نهایی با پیمانکار و دسترسی سازمان تأمین اجتماعی به برخی اطلاعات سازمان مالیاتی کشور در مورد قراردادهای پیمان نیز می تواند علاوه بر کاهش فرار بیمه ای به شفافیت در اطلاعات و رفع مشکلات سازمان در وصول حق بیمه کمک شایان توجهی کند.



براساس بررسی های صورت گرفته، فرآیندهای سازمان تأمین اجتماعی برای اخذ وصول حق بیمه از فعالان کسب و کار، کارفرمایان و پیمانکاران، دارای ضعف های جدی است و ادامه این وضعیت نه تنها فعالیت های اقتصادی و فضای کسب و کار را تهدید می کند، بلکه در میان مدت و بلندمدت بر منابع سازمان نیز تأثیر گذار است. این وضعیت هم فضای کسب و کار و هم سازمان تأمین اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که اولاً سازمان تأمین اجتماعی وظیفه مهمی در سهولت فعالیت های اقتصادی و تولیدی کشور دارد و ثانیاً موفقیت و کامیابی آن بیش از همه در گرو رعایت اصل سه جانبه گرایی است که از یک سو منابع سازمان و از سوی دیگر تعدیل مصارف آن، وابسته به رعایت این اصل است. دخیل شدن ذی نفعان در تصمیم گیری ها و ضوابط می تواند ساز و کارهای معیوب موجود را تا حدی بهبود بخشد. چالش های موجود در کشور نیازمند اصلاحات لازم در فرآیندها و ساختارهای حقوقی، اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی است تا به تسهیل فضای کسب و کار منتهی شود. در صورت عدم تسهیل فرآیندها و رفع تعارض های بین بخش خصوصی و سازمان تأمین اجتماعی می تواند تبدیل به بازی باخت- باخت برای هر دو بازیگر اصلی (دولت و مردم) شود.

البته باید توجه داشت که تأثیرات مشکلات اقتصادی بر منابع سازمان بسیار واضح است اما مجامع کارفرمایی نیز بر این موضوع تأکید دارند که برای عبور از بحران ها و جبران کمبودهای مالی لازم است تا فضای کسب و کار و تولید در حوزه فعالیت های این سازمان به نحوی مدیریت و تسهیل شود تا منافع حاصل از افزایش سرمایه گذاری و ارزش افزوده حاصل از فعالیت های سالم اقتصادی موجب رونق اقتصاد و منتفع شدن همه ذی نفعان و بازیگران این عرصه از جمله سازمان تأمین اجتماعی شود. مجامع کارفرمایی بر این عقیده اند که سازمان تأمین اجتماعی برای کاهش مسائل و کمبودهای مالی خود نباید به افزایش فشار بر کارفرمایانی متوسل شود که خود در معضلات اقتصادی گرفتارند و هر روز بر مشکلات و موانع آنان افزوده می شود. به تعبیر فرانسویس فوکویاما در کتاب نظم و زوال سیاسی، فشار بر فعالان کسب و کار، «کشتن مرغ تخم طلاست» و در این صورت همه زیان خواهند کرد، زیرا دیگر نه کارفرما و بیمه شده ای خواهد بود و نه شغل و کار و کسی که بتواند از او بیمه و مالیات گرفت. انجام اصلاحات ساختاری و نهادی در سازمان تأمین اجتماعی با شنیدن صدای ذی نفعان و مشارکت آنان می تواند راه حل مؤثرتر و سازنده تری باشد. اگرچه سازمان تأمین اجتماعی همواره تسهیل فضای کسب و کار و شنیدن صدای کارفرمایان را طی سال های اخیر از طریق برگزاری نشست های مشترک با اتاق بازرگانی ایران و سایر موسسه ها و نهادهای غیردولتی که از کارفرمایان و صاحبان کسب و کار نمایندگی می کنند، در دستور کار داشته است اما هنوز برخی مشکلات به قوت خود باقی است و صاحبان کسب و کار این مسائل را به عنوان موانع پیش روی خود درخصوص مسائل مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی در حوزه کسب و کار قلمداد می کنند.

سخنی با کارفرمایان

نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی با شرکت در بسیاری از جلسات برگزار شده در نهادهای بخش خصوصی و شنیدن صحبت ها و مسائل مطرح شده توسط کارفرمایان نکاتی را مطرح می کنند که اگر کارفرمایان در کنار انتظارات از سازمان به این نکات نیز توجه نمایند موضوع روابط کار را بهتر می توان مدیریت کرد:

مهم ترین توصیه رعایت دقیق قوانین و مقررات است. از جمله انعقاد قرارداد کتبی کار، انجام معاینه پزشکی اولیه و سالانه به نفع کارفرما است چرا که در صورت مخاطره جرائم در نظر گرفته شده بسیار بالا است.

بسیاری از کارفرمایان لیست ها را بر اساس حداقل حقوق تنظیم و ارائه می دهند، همچنین درصدی بالایی از بیمه شدگان که مشمول معافیت پرداخت هستند، حق بیمه پرداخت نمی کنند که این وضعیت منجر به کاهش توان سازمان تأمین اجتماعی برای ارائه خدمت می گردد. از دیگر نکات مطرح شده توسط نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی این است که بسیاری از دستمزدهای مندرج در لیست بیمه واقعی نیستند.

با تصویب شورای عالی حفاظت فنی عنوانین شغلی کارگر در طول دوره کار وی نیز بررسی می شود و این موضوع مورد توجه قرار گرفته است و کارفرمایان باید در به کارگیری عنوان شغلی کارگر ساده دقت لازم را داشته باشند. در مورد مشاغل سخت و زیان آور نکته اینکه اگر نتوان صفت سخت و زیان آوری را از بین برد شاید بتوان آن را مدیریت کرد، به این معنی که به عنوان مثال بر اساس قانون کارگری که ۸ ساعت در روز در معرض صدای ۸۵ دسیبل قرار گیرد عنوان شغلی او سخت و زیان آور محسوب می شود. اگر در این مورد نمی توان سختی را حذف کرد می توان آن را مدیریت نمود به این صورت که شیفت بندی کارگران را طوری تعریف نمود که روزانه ۴ ساعت در معرض صدا قرار داشته باشند و به این صورت عنوانین شغلی آنان سخت و زیان آور محسوب نمی شود. مورد دیگر اینکه کارفرمایان به صرف داشتن بیمه مسوولیت مدنی، علی رغم تقصیر کارگر اقدام به پرداخت جریمه نکنند. چرا که این موضوع به رویه ای نادرست در کارگاه تبدیل می شود.

منابع و مأخذ:

- صورت جلسات کمیته روابط کار و تأمین اجتماعی انجمن مدیران صنایع
- مصاحبه با کارفرمایان و وکلای کارفرمایان مرتبط در مسائل بیمه ای
- گزارش نشست صاحب نظران در پژوهشکده شهر حقوق
- گزارش مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی و مجلس شورای اسلامی
- گزارش نشست ها و سمینارهای برگزار شد در انجمن مدیران صنایع



پارادوکس اقتصاد ایران

با بالاگرفتن تنش در منطقه غرب آسیا در سال ۱۴۰۳ به دست گرفتن ابتکار عمل برای تامین امنیت ملی امری ضروری به نظر می‌رسد. سیاستنامه حاضر، نگاه به مسائل داخلی و خارجی از نقطه‌ای تازه را در کنار طیفی گسترده از اقدامات عملی شامل تقویت توان دفاعی، استحکام پایه‌های اقتصادی، ارتقای سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های گسترده دیپلماتیک پیشنهاد می‌کند. پایه نظری این توصیه سیاستی بر یک خوانش تاریخی از ایران در بیش از دو قرن گذشته و تحلیلی از تاریخ تهدیدهای بیرونی امنیت ایران در این بازه زمانی استوار است و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان موجودیت سیاسی مشروع برای مطالبه و تامین امنیت ایران صورت‌بندی و نظریه‌پردازی می‌کند.

تبیین منطق تاریخی کنش‌های جمهوری اسلامی ایران از ارائه تصویری غیرمنطقی و غیرعقلانی از راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری می‌کند. شفاف‌سازی منطق تاریخی راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات ایران، زمینه‌ای برای شناخت متقابل، ارائه تصویری معقول و واقعی از ایران و بستن راه بر امنیتی‌سازی ایران فراهم می‌کند که این همه در راستای امنیت و منافع ملی ایران است. جمهوری اسلامی ایران به‌دلایل گوناگون- از جمله ضعف در راهبردهای ارتباطی داخلی و فعالیت‌های رسانه‌ای گروه‌های خارج

جمهوری اسلامی از همان نخستین روزهای استقرار در ایران توانست توجه جهان را به خود جلب کند. نظام سیاسی برخاسته از انقلاب اسلامی با تکیه بر سرمایه اجتماعی بالا، داشتن منابع عظیم ثروت‌های طبیعی و درآمد حاصل از صادرات نفت خام آرمان‌های سیاسی خود را به جهان اعلام کرد. در همه ۴۶ سال سپری‌شده از عمر نظام جمهوری اسلامی تحولات منطقه‌ای و تحولات جهانی سایه سنگین این نظام را احساس کرده و جمهوری اسلامی توانسته است خود را یک قدرت منطقه‌ای سیاسی نیرومند نشان دهد. با این همه و به مرور زمان و شرایط سخت سیاست خارجی، اقتصاد ایران در یک روند کاهنده اهمیت خود را در بازار جهانی نفت و گاز از دست داد. در حال حاضر ایران دیگر سهم عمده‌ای از صادرات حتی اوپک را ندارد و نیز برای تامین گاز و برق با تنگنای ساختاری دست و پنجه نرم می‌کند. رشدهای پایین به‌ویژه همراه با نرخ تورم بالا در یک دهه گذشته موجی از نارضایتی در میان شهروندان برانگیخته است. کاهش سرمایه اجتماعی در نظام سیاسی موجود و کاهش قدرت اقتصادی نسبت به رقبای منطقه‌ای ایران را از قدرت سیاسی نیز دور می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری که زیرمجموعه معاونت راهبردی رئیس‌جمهور است، این پارادوکس را بررسی کرده که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.



از کشور - با چالش‌هایی در برقراری مفاهمه با بخش‌هایی از مردم مواجه شده است. جمهوری اسلامی ایران به مفاهمه با مردم برای روشن ساختن راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات خود نیاز دارد. این متن می‌کوشد تا روایتی اجماع‌ساز و همسو با واقعیت را در این خصوص به مردم منتقل کند. همزمان تامین امنیت ملی ایران نیازمند شکل‌گیری اجماع و درک مشترکی از راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات کشور در بین کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در سطوح و حوزه‌های مختلف است که امید می‌رود خوانش تاریخی حاضر به چنین اجماعی کمک کند.

ایران در نظام جهانی اقتصاد

برخلاف جایگاه ایران در نظام قدرت جهانی، روندهای زیر نشان‌دهنده تضعیف شدن در نظام جهانی اقتصاد هستند.

- تضعیف جایگاه نفت ایران در تامین انرژی جهان و بالاخص محدود شدن تعداد مشتریان
- تحریم‌های اقتصادی و کاهش دسترسی به ارزهای جهان روا
- کاهش دسترسی به فناوری
- کاهش امکان مشارکت با شرکت‌های خارجی و دسترسی به فناوری، دانش و ظرفیت‌های ناشی از همکاری
- جایگاه ضعیف در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
- دشواری‌های شدید ناشی از تحریم‌ها برای دسترسی به نظام بانکی، پولی و مالی جهانی

- توسعه کریدورهای مختلف در اطراف ایران بدون مشارکت طرف ایرانی و استفاده از ظرفیت‌های سرزمینی ایران
- تضعیف جایگاه ایران در شبکه‌های بین‌المللی بار و مسافر (بنادر، فرودگاه‌ها و خطوط انتقال کالا و انرژی)
- کاهش ضریب پیچیدگی کالای صادراتی ایران به کشورهای جهان و در نتیجه سهولت جایگزینی آنها
- جایگاه‌یابی ضعیف ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی

بایسته‌های نزدیک کردن دو جایگاه

ایران امروز برای تداوم دستاورد رسیدن به وضعیت دولت «قادر و مطمئن به تامین مستقل امنیت خود» و تبدیل و ترجمه کردن این دستاورد باید جایگاه خود در نظام جهانی اقتصاد را به جایگاهش در نظام جهانی دولت‌ها نزدیک کند. نزدیک کردن این دو جایگاه الزاماتی دارد که مهم‌ترین آنها در ادامه تشریح شده است.

توافق نخبگان در خصوص شیوه اداره کشور

ایران یکی از بالاترین توافقات سطوح فقدان و حتی مناقشه بین نخبگان - اعم از نخبگان جریان‌های سیاسی، رهبران رسانه‌ای، روشنفکران و نخبگان اقتصادی و اجتماعی - درباره شیوه اداره کشور را تجربه می‌کند.

برخی زبان‌های این عدم توافق و مناقشه عبارتند از:

- دشوار و شاید ناممکن شدن شکل‌گیری اجماع

درون نخبگانی بر سر بسیاری از راهبردی‌ترین مسائل کشور و تسری این اجماع به سطوح عموم مردم

- ایدئولوژیک شدن مفاهیم و راهبردهایی که در شرایط توافق میان نیروهای فوق، هریک می‌توانند ابزاری برای تامین منافع ملی باشند. این وضعیت منجر به شکل‌گیری دوگانه‌های نالازمی شده است که هریک از دو سوی این دوگانه‌ها در شرایط مختلف می‌توانند ابزارهای مناسبی برای استفاده باشند. به‌عنوان مثال، دوگانه‌های نالازم زیر قابل توجه هستند:

* دوگانه مذاکره / مقاومت

* دوگانه نگاه به شرق / مذاکره با غرب

* دوگانه دیپلماسی / قدرت نظامی

* دوگانه روسیه و چین / آمریکا و اروپا

- کشیده شدن مناقشه سیاسی نخبگانی به سطح جامعه و تشدید شکاف‌های اجتماعی

- دلسردی و گاهی طرد شدن نخبگان اجتماعی علمی اقتصادی و سایر حوزه‌ها و عدم بهره‌گیری از مشارکت آنها برای حل مشکلات کشور

- کشیده شدن مناقشات نخبگانی به سطح بوروکراتیک و ناممکن شدن اجماع‌سازی بر سر راهبردهای اداره کشور در سطح دستگاه دولت و حاکمیت.

انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ و گفت‌وفاق دولت چهاردهم گام مناسبی به سمت ایجاد اجماع نخبگان بود اما هنوز لازم است تا گام‌های دیگری برداشته شود. یکی از کارکردهای متصور برای سیاست‌نامه حاضر و الزامات ناشی از استدلال‌های مندرج در آن، رسیدن به همین توافق نخبگانی است که در ادبیات رایج امروز سیاست ایران «وفاق» خوانده می‌شود.

کاستن از التهاات فضای سیاسی

تفاوت جدی میان «شور سیاسی» و «التهااب» وجود دارد. شور سیاسی وضعیتی است که افراد - در جناح‌های سیاسی، نخبگان و مردم - انگیزه و انرژی مثبتی برای مشارکت در سیاست جهت تاثیرگذاری بر سرنوشت عمومی دارند. این اشتیاق محصول همبستگی اجتماعی، توافق بر سر اصول و در عین حال اختلاف سلیقه در جزئیات و اعتماد متقابل بین گروه‌های موثر درباره خیرخواهی همه طرف‌هاست.

اما التهااب سیاسی، وضعیتی کاملاً متفاوت است. التهااب نتیجه زخم‌خوردن گروه‌ها و افراد سیاسی، حاکم بودن جوئی از بی‌اعتمادی بین نخبگان سیاسی و اجتماعی، بدبینی افراد و گروه‌ها به یکدیگر در خصوص اهداف فعالیت سیاسی، عدم توافق در راهبردها و مناقشه بر

و محل سکونت قومیت‌ها). البته برخی معتقدند که ایران با وجود داشتن تمایزات و بافت چندقومی، در معرض التهاب قومی ناشی از مساله قومیت نیست بلکه شکاف مرکز - پیرامون که برآمده از الگوی توسعه اقتصادی کشور است، توسعه‌نیافتگی و به تبع آن نابرخورداری را بر پیرامون کشور تحمیل کرده و سبب تحریک شکاف‌های قومی شده است. به هر صورت شکاف قومی - خواه بر اثر نفس قومیت یا بر اثر توسعه‌نیافتگی پیرامون - یکی از مسائل مستعد التهاب در ایران امروز است.

- شکاف جنسیتی نیز برآمده از تحولات مطالبات زنان جامعه است. تایید وجود چنین شکافی به معنای انکار دستاوردهای ایران امروز در افزایش نرخ تحصیلات، مشارکت اجتماعی و اثرگذاری سیاسی زنان نیست اما واقعیت این است که زنان نیروی اثرگذار و متاثر از شکاف جنسیتی هستند.

ایران تحت‌تأثیر شکاف‌های مذکور، امروز به تفکرات و شیوه‌ای از اداره کشور نیازمند است.

بازسازی ظرفیت دولت

کشور برای تحقق پیشرفت، رسیدن به اهداف در نظر گرفته‌شده در برنامه‌ها و سند‌های راهبردی پیشرفت، پاسخ‌گویی به نیاز جمعیت حاضر و آینده و تعدیل مساله‌های مهمی که برخی از آنها اهمیت راهبردی پیدا کرده‌اند، به دولتی با ظرفیت نیاز دارد.

دولت نمی‌تواند در فضای مناقشه حداکثری بین گروه‌های سیاسی و نخبگان اجتماعی و اقتصادی شکل گیرد. مناقشات و منازعات سیاسی - اجتماعی شدید حتی مانع از آن می‌شود که نیروهای انسانی کارآمد در دولت به کار گرفته شوند. بازسازی ظرفیت دولت، مستلزم تغییر رویه‌های عمده در به کارگیری نیروی انسانی در دولت و گشودن درهای دولت به روی همه ایرانیان، مبتنی بر بیشترین شایستگی و کارآمدی است. البته بازسازی ظرفیت دولت فقط مستلزم بازنگری در سیاست‌های جذب و به کارگیری نیروی انسانی نیست و موارد بسیار بیشتری را شامل می‌شود. سازوکارهای تامین مالی دولت، ساماندهی ساختار سازمانی دولت، افزایش ظرفیت حل مساله توسط دولت و تنظیم روابط بین اجزای گوناگون دولت می‌تواند بخش مهمی از مسیر بازسازی ظرفیت دولت باشد. نکته مهم این است که بازسازی ظرفیت دولت فقط مقوله‌ای فنی و بوروکراتیک نیست و عمیقاً به کیفیت فرآیند سیاسی بر آمدن دولت در هرم قدرت نیز بستگی دارد. فرآیندهای مولد سرمایه اجتماعی و اعتماد نقش مهمی در امکان‌پذیر شدن اقدامات اصلاحی منتهی به بازسازی ظرفیت دولت دارند.

تمرکز بر ظرفیت حل مساله

ایران امروز با طیف گسترده‌ای از مساله‌ها در عرصه‌های مختلف مواجه است. مسائلی از عرصه اقتصاد (ناترازی‌های گوناگون، تورم بالا، رشد اقتصادی پایین، بیکاری بالا، بحران صندوق‌های بازنشستگی و...)، محیط‌زیست (مساله آب، فرسایش خاک، عواقب تغییر اقلیم، ناامنی در برابر زلزله، فرونشست زمین، بیابان‌زایی و غیره...)، جامعه (آسیب‌های اجتماعی، مهاجرت، تغییرات سریع الگوهای زندگی، پایین بودن نرخ زاد و ولد و...) و فرهنگ (ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش، ضعف شدید در اقتصاد فرهنگ و...) و البته عرصه‌های دیگر باعث نارضایتی اجتماعی مردم و اخلاق در روند پیشرفت شده‌اند. نکته مهم این است که توسعه‌یافتگی به مثابه ظرفیت حل مساله به شدت با مانع مواجه شده است. «هم‌بسته جامعه - حکومت» در ایران امروز، ظرفیت زیادی برای حل این مسائل از خود نشان نمی‌دهد و تبدیل شدن به «جامعه مسائل حل نشده»



سر راهکارها و جزئیات است. التهاب سیاسی، کار را به مناقشات شخصی و سوبیه‌هایی از بی‌اخلاقی سیاسی و استفاده از داغ‌کردن مناقشات برای یارگیری می‌رساند. جامعه ایران امروز برای بسیج کنش جمعی به منظور حل مسائلی که کاستن از التهاب سیاسی و در پیش گرفتن مسیرهایی نیازمند است که شور سیاسی را تقویت کند و از التهاب سیاسی بکاهد. برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ یک گام به سوی شور سیاسی و دوری از التهاب بود. نامزدهای اصلی رفتاری اخلاقی داشتند و روندهای طی شده بعد از برگزاری انتخابات نیز در مسیر کاستن از التهاب سیاسی پیش رفته است. این بدان معنا نیست که همه کنشگران سیاسی به الزامات این وضعیت تن داده‌اند اما تلاش آگاهانه برای کاستن از التهاب صورت گرفته است.

کاستن از التهاب شکاف‌های اجتماعی - فرهنگی

ایران دارای شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی است. نفس وجود شکاف اجتماعی و فرهنگی باعث بروز مساله نمی‌شود. شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی وقتی به نیروی حیات‌بخش تقابل‌ها و تخصص‌ها تبدیل می‌شوند، التهاب اجتماعی و سیاسی تولید می‌کنند. شکاف‌های ملت‌بند در کنار عدم توافق نخبگان و التهاب سیاسی، سبب تشدید مناقشه و منازعه اجتماعی شده و هرگونه ثبات ضروری برای حل مسائل بنیادین ایران را با تهدید مواجه می‌سازند. برخی شکاف‌های اجتماعی ملت‌بند شده عبارتند از:

- شکاف‌های ناشی از تظاهر و ریا در رفتارهای خصوصی و اجتماعی
- شکاف‌های ناشی از رانت‌خواری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
- شکاف‌های ناظر بر الگوهای سبک زندگی
- شکاف‌های ناظر بر الگوهای دینداری
- شکاف‌های قومی (عمدتاً ناشی از توسعه‌نیافتگی و ضعف در ارائه خدمات زیرساختی، امکان اشتغال و رفاه اقتصادی در استان‌های مرزی

سیاستگذاری اقتصادی در مرز ناممکن شدن

چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ که هنوز به دلیل تصویب‌نشدن بودجه مشخص نیست، سیاست‌های ارزی نیز برای سال بعد فاقد ثبات است، رکود تولید به دلیل فروش ناکافی تولیدات نیز در پی کاهش قدرت خرید شهروندان از دیدنی‌های اقتصاد در آخرین ماه سال سپری شده، است. در ادامه به برخی بازارها و بعضی بخش‌های اقتصاد و نیز به سیاستگذاری تعطیل‌شده نگاهی خواهیم داشت.

تولید

بخش تولیدی در اقتصاد شامل تولید صنعتی و معدنی به دلایل گوناگون در آخرین ماه سال ۱۴۰۳ به دست‌انداز رسیده است. ناترازی انرژی به شکل‌های گوناگون سیاستگذاری صنعتی که البته پیش از آن نیز وجود نداشت را بیش از پیش در برزخ قرار داده است. تولید فلزات اساسی در سال جاری با توقف روبه‌رو شده‌اند و صنعتی مثل سیمان هم که به برق و گاز نیاز دارد با کاهش تولید روبه‌رو شده است. تولید فولاد به‌مثابه مهم‌ترین صنعت در بخش صنایع بزرگ در وضعیت خوبی نیست و سیاستگذاری در این بخش تعطیل است. در صنعت اتومبیل‌سازی نیز در حال حاضر هیچ‌چیز روشنی دیده نمی‌شود. بزرگ‌ترین کارخانه خودروسازی ایران که به‌طور قانونی تفویض مالکیت را تجربه کرده است هنوز سامان ندارد و دیگر صنایع مثل صنعت لوازم خانگی و صنعت نساجی و کیف و کفش نیز درگیری‌های پیچیده‌ای دارند. به این ترتیب بخش مهم اقتصاد تولیدی با ابهام‌های پرشمار روبه‌رو شده است و سیاستگذاری در مرحله امتناع قرار دارد. در صورتی که بخش زراعت و صنعت دام و طیور را نیز به بخش تولید کلی اضافه کنیم آنها نیز حال و روز خوشی ندارند. وابستگی صنعت دام و طیور به واردات نهاده و نیز کوشش دولت برای قیمت‌گذاری دستوری در این بخش کار را سخت کرده است. تولید مسکن به‌مثابه یک بخش بزرگ و پیش‌برنده اقتصاد نیز با زخم‌های خودش دست به گریبان است. رکود فروش مسکن به دلیل دور شدن قیمت‌ها از توانایی میانگین درآمدی جامعه این بخش را نیز به زمین سفت رسانده است.

بازرگانی

دادوستد انواع کالاها و خدمات تولیدشده در داخل کشور نیز به دلیل کاهش قدرت خرید شهروندان و نیز نرخ‌های تورم فزاینده خوراکی‌ها به شرایط سخت رسیده است. این روزها از در و دیوار کشور ناگهان تابلوهای تبلیغاتی در بزرگ‌ترین اندازه سبز شده‌اند و شهروندان را به خرید قسطی تشویق می‌کنند. در بازار کالاها و خدمات حتی خدمات پزشکی نیز قسطی تبلیغ می‌شود. بنکداران با تولیدکنندگان درگیر شده و فروشندگان خرده‌پا با شرکت‌های پخش بازار مجادله دارند و چشم‌انداز سیاستگذاری در این بخش هم تعطیل است.

در بخش تجارت خارجی وضعیت ویژه‌ای قرار دارد. نبود سیاستگذاری ثابت برای نظام ارزی راه تجارت کارآمد را بسته است. ادامه وضعیت تحریمی و ادامه شرایط ایران در افای‌تی‌اف و از همه مهم‌تر روزگار سیاست خارجی تنش‌زا و احتمال کاهش صادرات نفت این بخش را نیز با اختلال جدی روبه‌رو کرده است. بازرگانی که کالا صادر می‌کنند،

روزنه‌های امید را تنگ و سطح امید اجتماعی افول کرده است. هم‌بسته جامعه - حکومت در ایران امروز باید بر ارتقای ظرفیت حل مساله متمرکز شود. نکته بسیار مهم این است که بدون سطح مناسبی از: توافق بین نخبگان، کاسته‌شدن از التهاب سیاسی، تبدیل نگرش تهدیدمحور به نگرش فرصت‌محور، جلوگیری از ملتهب‌شدن شکاف‌های اجتماعی، بازسازی ظرفیت دولت و تضمین امنیت بدون تمرکز بر ابزارهای امنیت (و در اصل بدون امنیت اجتماعی - اقتصادی) نمی‌توان بر ظرفیت حل مساله متمرکز شد.

تقویت «ایران جایی برای همه ایرانیان» در عمل

به اوج‌رسیدن شکاف در سیاست داخلی، نگاه تهدیدمحور به مردم کشور و اعمال سنگین‌ترین تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی علیه ایران و در نتیجه کاهش توان اقتصادی کشور، سبب برانگیختن موج‌هایی از ناامیدی، فقر، کاهش ظرفیت تولید کالای عمومی برای اقشار مختلف مردم و قوت گرفتن ایده‌ها درباره کاهش زیست‌پذیری کشور در ابعاد مختلف شده است.

مسائل محیط‌زیستی تشدیدشده، سبب تقویت ایده «کاهش ظرفیت زیست‌پذیری سرزمین» شده و بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیگر سبب شده‌اند باور اقشاری از مردم به توانایی زندگی مناسب برای همه مردم کاهش یابد. بروز مصادیق بزرگی از فساد، نگاه تهدیدمحور نسبت به گرایش‌های سیاسی و اجتماعی، اقدامات رسانه‌ای و کنش‌های کلامی برخی مقامات سیاسی که مسبب دفع حداکثری بوده‌اند و بسیاری عوامل دیگر سبب شده‌اند ایده بنیادین «ایران جایی برای همه ایرانیان» تضعیف شود. مجموعه اصلاحاتی که در ایران امروز باید صورت گیرد، در نهایت باید بتواند ایده «ایران جایی برای همه ایرانیان» را تقویت کرده و حرکت در مسیر تحقق این ایده را متجلی سازد. تحقق این هدف مستلزم باور به این است که «ایرانیان در داخل و خارج کشور فرصتی برای کشور هستند و نه تهدید»





سرمایه‌گذاران خارجی نیز تا روزی که چشم‌انداز روشنی برای انجام سرمایه‌گذاری در ایران نبینند به این سرزمین نمی‌آیند. راه استفاده از فاینانس و یوزانس و نیز ورود سرمایه از دیگر کشورها باز نیست. سرمایه‌گذاری نیز در امتناع سیاستگذاری به سر می‌برد.

اعتماد سوخته

مهم‌ترین عامل برای ادامه کار اقتصاد کلان در یک جامعه مثل ایران وجود اعتماد با درجه بالا به نظام حکمرانی اقتصادی است. نظام حکمرانی اقتصادی باید در پویش زمان آزمایش شده و شهروندان اطمینان پیدا کنند که مدیران اقتصادی و سیاسی درست‌گفتار و راست‌کردارند و می‌شود به قول و وعده آنها اعتماد کرد. شوربختانه دولت چهاردهم نتوانست اعتماد مردم را به خود جذب کند. به همین دلیل است که امتناع سیاستگذاری اقتصادی بیشتر از وجود آن است.

سیاست بازار کار

بازار کار ایران در آخرین ماه سال هنوز شکل و ماهیتی ناپیدا دارد. در صورتی که اگر سیاست مزد را کانون و محور سیاستگذاری بازار کار بدانیم این روزها شاهد اختلاف دیدگاه‌های شدیدی هستیم. در این بازار مزد همه درست می‌گویند اما آنکه تحت فشار است کارگرانی هستند که می‌دانند در پایان کار افزایش مزدشان بسیار دورتر از تغییرات قیمت کالاها و نرخ تورم است.

جمع‌بندی

سیاستگذاری اقتصادی برای سطح کلان کشور یکی از پیچیده‌ترین فعالیت‌های انسانی به حساب می‌آید. این مقوله در ایران به دلیل حجم بالای دخالت دولت و دیگر نهادهای سیاسی در هر بخش از فعالیت‌ها به گره کور تبدیل شده است. در این روزها شاهد هستیم میران اقتصادی سردرگم و آشفته چشم به نقاطی دوخته‌اند که دست‌شان به آنجا نمی‌رسد و امیدوارند سیاست خارجی ایران از روند مبهم و تنش‌زای فعلی دور شود تا بتوانند با آسودگی در اندازه‌ای که می‌شود سیاستگذاری کرد.

نمی‌دانند دلارهای خود را باید به قیمت بازار آزاد عرضه کنند یا باید به قیمت بازار توافقی که ۳۰ درصد زیر قیمت بازار آزاد است. در بخش واردات وضعیت بدتر است. تفاوت معنی‌دار دلار در بازار توافقی و بازار آزاد بسیاری را تشویق می‌کند در صف خرید دلار ارزان بایستند و بدون هیچ زحمتی نزدیک به ۲۵ درصد سود ببرند. سیاستگذاری در بخش تجارت خارجی نیز تعطیل است.

سیاست ارزی

بزرگ‌ترین معضل جمهوری اسلامی در شرایط حاضر تعادل بخشیدن به دخل و خرج ارزی است. بخش درآمدی ارزی برای جمهوری اسلامی با ریسک‌های پر شمار و فزاینده روبه‌رو است. در سمت تقاضا اما متقاضیان ارز به‌ویژه ارزهای ارزان قیمت ترجیحی یا توافقی سفت و استوار ایستاده و بنا به قول رئیس‌جمهور هر چه دارد به بازار ریخته می‌شود را می‌خرند. چشم‌انداز سیاستگذاری در بازار ارز با توجه به فشارهای سیاسی داخلی و خارجی به سوی عرضه ناکافی رقم خورده و به همین دلیل سیاستگذاری را سخت می‌کند. آیا قرار است تک‌نرخ شدن ارز کنار نهاده شود؟ آیا قرار است بازهم به چندنرخ فاسد برگردیم؟ یا همین دونرخ را ادامه می‌دهیم. اگر سیاستگذاری ارزی به نقطه امن نرسد و بی‌ثبات و سرگردان مثل حالا باشد سیاستگذاری در دیگر بخش‌های اقتصادی را سخت و مبهم می‌کند.

سرمایه‌گذاری

دولت نیک می‌داند بنگاه‌های اقتصادی-صنعتی به دلیل رکود فروش و نیز افزایش هزینه‌ای تولید به نقدینگی و سرمایه نیاز دارند. در اقتصادهای سالم بازار سرمایه سنجاق شده به بازار سهام راهی بزرگ برای تامین سرمایه بنگاه‌هاست اما بازار سهام ایران نیز فاقد چشم‌انداز روشن برای جذب سرمایه از شهروندان است. از سوی دیگر نرخ پایین سود در بخش تولید و دست‌اندا‌های قیمت‌گذاری در این بخش صاحبان سرمایه را از سرمایه‌گذاری تا اطلاع ثانوی دور کرده است.

جنگ منابع در پایان سال



است. باید بررسی کنیم چرا این اتفاق در کشور ما رخ می‌دهد؟ این روندی تاریخی است. از سال ۱۳۸۰ تاکنون، سهم مالیات‌ها از هزینه‌های جاری به حدود ۴۹ درصد رسیده و مابقی هزینه‌های جاری از طریق فروش نفت تامین شده است.

هزینه‌ها به‌ویژه از سال ۱۳۹۰ به بعد، با شیب تندتری رو به افزایش بوده است. فراموش نکنیم که از سال ۱۳۹۱ به علت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، فروش نفت به نصف کاهش یافت. در نتیجه، برای جبران این کسری که ناشی از افزایش هزینه‌های جاری و کاهش درآمدهای نفتی است، دولت ابتدا به فروش شرکت‌های دولتی روی آورد. در گام بعدی، از ذخایر صندوق توسعه ملی و حساب‌های ذخیره ارزی برداشت کرد و در نهایت به فروش اوراق پرداخت اما آنچه به حل ماجرا کمک می‌کند، پاسخ به این سوال است که اساساً چرا شیب افزایش هزینه‌ها تندتر شده و دولت به اقداماتی از قبیل آنچه شرح دادیم، مجبور شده است؟

یکی از مهم‌ترین نکاتی که غالباً مغفول می‌ماند این است که بودجه به صورت نقطه به نقطه تحلیل‌پذیر نیست و باید نگاه روندی به آن داشت. برای مثال، با انفجار جمعیتی که در دهه ۶۰ اتفاق افتاد، دولت ناچار شد ساخت بیمارستان‌ها و استخدام پزشکان و کادر درمان را در اولویت کاری خود قرار دهد. با گذشت زمان و بزرگ‌شدن کودکان متولد دهه ۶۰ به مدرسه‌سازی و جذب معلم رو آورد. حالاً امروز همه آن کودکان به سن بازنشستگی رسیده‌اند و چون خدمات بازنشستگی کشوری نمی‌تواند این حجم از نیاز را پوشش دهد، همه این بار مالی به بودجه اضافه می‌شود. پس در واقع این شیب انعکاس بحران‌هایی است که در کشور وجود دارد و بحران بازنشستگی یکی از آنهاست.

اگر به تعریف صندوق بین‌المللی پول از کسری بودجه کشورهای صادرکننده

به‌تازگی کتابی با عنوان «بودجه و فرابودجه در اقتصاد ایران» منتشر شده است. این کتاب دو نویسنده دارد؛ سیدحمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه و محمد قاسمی معاون او در همین سازمان. بخش‌های مهم‌تر نوشته محمد قاسمی را با عنوان «بودجه‌ریزی در ایران (با نگاهی به لایحه بودجه ۱۴۰۳)» برای آگاهی خوانندگان ارجمند به پیچ و خم‌ها و دشواری‌های بودجه‌ریزی در ایران گزینش کرده‌ایم.

دو مساله اساسی در بودجه‌ریزی

محمد قاسمی در بخشی از نوشته خود آورده است: در دیدگاه نظری می‌توان ردپای بحث بودجه را دید. تعریف مالی عمومی به بیان ساده این است که منابع عمومی جمع‌آوری می‌شود (که متعلق به مردم است) و سپس عده‌ای درباره چگونگی خرج کردن آن تصمیم می‌گیرند. در اینجا دو پرسش مهم مطرح می‌شود.

۱- رابطه بین کارگزار و کارفرما: از کجا می‌توان اطمینان حاصل کرد که کارگزاران (یعنی کسانی که منابع عمومی را مدیریت می‌کنند) تصمیم‌های خود را برای منافع عمومی و رای‌دهندگان اتخاذ می‌کنند؟

۲- تعیین سهم بهینه برای هر یک از نیازهای رقیب: منابع عمومی باید بین نیازهای گوناگون مثل آموزش، سلامت و امنیت و دیگر خدمات عمومی تقسیم شود. پرسش این است که چه مقدار از این منابع به هر یک از این نیازها تخصیص یابد تا تعادلی بهینه برقرار شود؟

سخت و پیچیده

چند سالی است فرآیند بودجه‌ریزی در ایران سخت‌تر و پیچیده‌تر شده

قیمت مسکن این مقدار افزایش می‌یافت؟ پاسخ واضح است مقامات در آن زمان به دنبال حل مشکل مسکن در خود بخش مسکن بودند، در حالی که راه حل مشکل مسکن در بخش حمل و نقل قرار داشت.

پس از آن دوران کشور با تحریم‌های بین‌المللی مواجه شد و اکنون بودجه‌ریزی به شیوه دولت‌های نفتی امکان‌پذیر نیست و متأسفانه همچنان ضرورت این تغییر درک نشده است. اینکه عرض از مبدا تورم به یک‌باره از ۲۰ درصد به ۴۰ درصد افزایش می‌یابد، حاصل همین تفکر است. در اقتصادهای سالم، بنگاه‌ها قلب اقتصادند و چهار جریان حیاتی را خلق می‌کنند؛ تمام آنچه ما به عنوان اقتصاد می‌شناسیم، در این چهار جریان خلاصه می‌شود: بنگاه‌ها حقوق و دستمزد ایجاد می‌کنند، به دولت مالیات می‌پردازند، با خلق اشتغال تأمین اجتماعی را زنده نگه می‌دارند و سود تولید می‌کنند و این سود صرف سرمایه‌گذاری می‌شود. متأسفانه از دهه ۵۰ این منطق را کنار گذاشته‌ایم و همه چیز را به دولت واگذار کرده‌ایم. دولت است که حقوق و دستمزد پرداخت کرده، سرمایه‌گذاری و به تأمین اجتماعی رسیدگی می‌کند؛ نه از طریق مالیات، بلکه از طریق درآمد حاصل از فروش نفت. اکنون با وجود تحریم‌ها این ساختار به‌طور کامل از هم پاشیده است. در نتیجه تحریم‌ها منطق حکمرانی ایران را هدف گرفته است و نه صرفاً فروش نفت و گاز را. این نکته‌ای است که باید توسط دولتمردان درک می‌شد تا به جای افزودن به فشارهای مالیاتی، تخلیه منابع بنگاه‌های دولتی، شبه‌دولتی و خصوصی یا به جای دست‌اندازی به منابع بانکی، به تغییر شیوه حکمرانی روی می‌آوردند.

جمع‌بندی

پس از ملی‌شدن صنعت نفت، درآمد نفتی ایران به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافت. از سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ با ورود پول نفت به بودجه، ساختار اقتصادی کشور دچار تغییر شد. پس از انقلاب و درآمدهای بودجه سال ۱۳۵۸ به صراحت بیان می‌شد که هدف تغییر مسیر قبلی در بودجه‌ریزی است اما با شروع جنگ تحمیلی اصلاحات ساختاری بودجه به فراموشی سپرده شد. اکنون با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های جاری، کاهش شدید اعتبارات عمرانی و درگیری با شرایط تحریم و کاهش درآمدهای نفتی، ضرورت تغییر فرآیند بودجه‌ریزی پررنگ‌تر از قبل شده است. در فرآیند تصویب بودجه سال ۱۴۰۳ راهکار ارائه دومرحله‌ای بودجه به مجلس جهت ایجاد هماهنگی در تصویب و تعیین محدوده اختیار قوه مقننه ناقص و پراشتباه انجام شده است. سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی به ۴۵/۴۵ درصد رسیده است و مالیات بر درآمدها به ۳۳/۳ درصد افزایش یافته است. علت این افزایش‌ها، افزایش در هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر دولت است. می‌توان گفت لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نشان‌دهنده جنگ منابع در ایران است. به نظر می‌رسد دولت مشکل کمبود منابع خود را با ایجاد فشار مالیاتی به بنگاه‌ها و خانوارها منتقل کرده است. این وضعیت نیازمند اصلاحات جدی و بازنگری اساسی در فرآیند بودجه‌ریزی است تا بودجه بتواند پاسخگوی شرایط فعلی اقتصادی کشور باشد و به تخصیص بهینه منابع و مدیریت موثر هزینه‌ها کمک کند. با درک دقیق شرایط اقتصادی کشور و بحران‌های پیش‌رو ضرورت دارد به رویکردهای جدید و نوآورانه در تدوین بودجه پرداخت تا بتوان از منابع موجود به بهترین نحو ممکن استفاده و تعادلی پایدار در اقتصاد کشور ایجاد کرد.

نفت و گاز بازگردیم، چهره واقعی کسری بودجه در کسری بودجه غیرنفتی دیده می‌شود و نه در کسری تراز عملیاتی. کسری واقعی بودجه در ایران حدود ۴۰ درصد در نوسان است. بخشی از این واقعی کسری بودجه در ایران با فروش نفت جبران می‌شود؛ اکنون که در فروش نفت با مشکل مواجه هستیم، این کسری به بحران تبدیل می‌شود؛ بحرانی که می‌توانیم به آن عنوان «تبرد منابع» بدهیم.

واقعیت این است تمام ارقامی که ذکر شد، نشان‌دهنده نوک کوه یخی کسری در اقیانوس بودجه است. چرا؟ چون ارقام زیر در بودجه عمومی کشور منعکس نشده است.

* ارقام طرح هدفمندی یارانه‌ها (جدول تبصره ۱۴)؛

* ارقامی که خارج از سقف بودجه در تبصره‌ها وجود دارد؛

* ارقام برداشت‌های خاص از صندوق توسعه ملی و ارقام مربوط به ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور؛

* بهبود بدهی‌های آشکار و ضمنی به نظام بانکی و پیمانکاران و سایر موارد. در برآوردهایی گفته شده که کسری بودجه واقعی کشور حداقل ۳ برابر مقداری است که در بودجه عمومی مشاهده می‌شود. این در حالی است که روسای سازمان برنامه و بودجه در کشور بیان می‌کنند ما با کسری بودجه مواجه نیستیم بلکه ادعان می‌کنند مشکل صرفاً عدم تحقق منابع است و می‌توانیم آن را مدیریت کنیم.

ادامه منطق حکمرانی نفتی در دوران تحریم‌ها

پس از ملی‌شدن صنعت نفت و امضای قرارداد کنسرسیوم جدید، درآمد نفتی ایران به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافت. تا سال ۱۳۵۰، تمامی درآمد نفت به بودجه دولت اختصاص نمی‌یافت. سازمانی به نام «سازمان برنامه» وجود داشت که وظیفه تدوین برنامه‌های عمرانی را برعهده داشت. یکی از منابع تأمین اعتبار این برنامه‌های عمرانی، درآمدهای حاصل از فروش نفت بود. بخشی از درآمد نفتی نیز به‌طور مستقیم وارد بودجه دولت می‌شد اما از سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ ایران با این مشکل مواجه شد که پول نفت به بودجه دولت وارد شد؛ این امر باعث تغییر در ساختار اقتصادی کشور شد. پس از انقلاب و درآمدهای بودجه سال ۱۳۵۸ به صراحت بیان می‌شد که هدف تغییر مسیر قبلی در بودجه‌ریزی است. اعلام می‌شد درآمدهای نفتی دیگر به حقوق اختصاص پیدا نخواهد کرد و این درآمدها صرف ساخت و افتتاح پروژه‌های عمرانی بیهوده نخواهد شد. این نشان می‌دهد که متولیان امور در آن زمان نبض مشکلات اقتصادی را درک کرده بودند اما پس از وقوع درگیری‌های داخلی و شروع جنگ تحمیلی اصلاحات ساختاری بودجه به فراموشی سپرده شد.

طبعاً بودجه‌ریزی در شرایط جنگ فرمول ساده خود را داشت: از کل درآمدهای ارزی، نیازهای جنگ کسر می‌شد و آنچه باقی می‌ماند صرف معیشت مردم می‌شد اما پس از پایان جنگ در دهه ۸۰ به نقطه اول بازگشتیم. با انفجاری که در قیمت نفت در دهه ۸۰ رخ داد و به دلیل عدم وجود تحریم‌ها، نفت به حجم گسترده‌ای صادر می‌شد. متأسفانه روند گذشته تکرار و تخصیص‌های غیربهینه دوباره مشاهده شد و بعدها این موضوع در جهش قیمت مسکن نمود یافت. در حالی که با تنها ۱۰ درصد از درآمد سرشار نفت در دهه ۸۰ می‌توانستیم تمامی مسیرهای اصلی و شاهراه‌های ارتباطی کشور را به‌طور سریع‌السر تجهیز کنیم، منابع را به سمت بخش مسکن سوق دادیم. آیا اگر منابع را به سمت طرح‌های زیرساختی هدایت می‌کردیم، در آن صورت

کبوتر اوج گرفته دلار

تجربه نشان می‌دهد همین که روند قیمت دلار صعودی و شیب افزایش قیمت تند می‌شود، قیمت کالاها در بازار روندی افزایشی را تجربه می‌کند. درحالی‌که قیمت دلار با شتاب بالا میرفت در بازار برنج نیز غوغا شد و گفته می‌شود قیمت‌ها در بازار برنج به ۲۰۰ هزار تومان برای هر کیلو رسید. قیمت انواع گوشت و حبوبات نیز در بازار سر به طغیان برداشتند. مساله این است که کارشناسان و اقتصاددانان می‌گویند پیامد افزایش قیمت دلار در بازار کالاها و نیز در بازار کار پس از چند ماه آشکار می‌شود. برخی فعالان بازار کار به ویژه نهادهای کارگری می‌گویند افزایش مزدها برای سال بعد در همین یکماه اخیر پیشخور شده است. به عبارت دیگر حتی اگر مزدها تا ۳۰ درصد افزایش یابد، قیمت دلار آن را بلعیده است.

چسبندگی قیمت‌ها در بالا

براساس تئوریهای اقتصادی و نیز تجربه اقتصاد ایران اگر قیمت دلار - یا مزد یا هر کالای دیگری - در یک دوره کوتاه مدت صعودی و به نقطه‌ای برسد که از دسترس خارج شود ممکن است برگشتی رخ دهد. به این معنا که با افزایش عرضه یا کاهش تقاضا برای آن کالاها، شاهد بازگشت قیمت‌ها هستیم اما قیمت‌ها هرگز به نقطه‌ای که از آنجا پرش را آغاز کرده‌اند برنمی‌گردند.

چسبندگی قیمت چیست؟

کارشناسان همکار با سایت سکه درباره چسبندگی قیمت‌ها توضیح داده‌اند. چسبندگی قیمت یا قیمت‌های چسبنده، مقاومت قیمت‌(های)

بازار برای تغییر سریع است. در واقع باوجود اینکه بازار نشان می‌دهد قیمت دیگری بهینه است، قیمت‌ها در برابر تغییر مقاومت نشان می‌دهند. «چسبنده» یک اصطلاح عمومی در اقتصاد است که می‌تواند برای هر متغیر مالی که در برابر تغییر، مقاوم باشد به کار رود. وقتی برای قیمت‌ها اعمال می‌شود، به این معنی است که فروشندگان (یا خریداران) کالاهای خاص، باوجود تغییر در هزینه‌های ورودی یا الگوی تقاضا، تمایلی به تغییر قیمت ندارند.

برای مثال، اگر قیمت گوشتی‌های هوشمندی که یکبار تقاضا دارند، در حد ۸۰۰ دلار باقی بماند، حتی زمانی که تقاضا به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد، چسبندگی قیمت رخ می‌دهد. چسبندگی قیمت را می‌توان به عنوان «سفتی اسمی» نیز نامید.

چسبندگی قیمت یا قیمت چسبنده به تمایل قیمت‌ها به ثابت ماندن یا تعدیل آهسته باوجود تغییر در هزینه تولید و فروش کالا یا خدمات اشاره دارد. این چسبندگی می‌تواند چندین پیامد مهم برای عملیات و کارایی اقتصاد داشته باشد.

به عنوان مثال، از منظر اقتصاد خرد، چسبندگی قیمت می‌تواند همان اثرات کاهش‌دهنده رفاه و زیانهای سنگینی را ایجاد کند که کنترل قیمت‌ها توسط دولت تحمیل کرده است. در یک زمینه اقتصاد کلان، ممکن است به این معنا باشد که تغییرات در عرضه پول بر اقتصاد واقعی تاثیر می‌گذارد و تغییراتی را در سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و مصرف ایجاد می‌کند، نه فقط سطح قیمت اسمی.





کرد، قیمت‌ها رو به پایین حالت چسبندگی داشته باشند. از همین رو سیستم قیمتی در بازارهای ایران قادر نخواهد بود تعادلهای پایدار را ایجاد کند. این سخن بدان معنا نیست که با وجود این اصطکاکها در بازار، میبایست از اقتصاد مبتنی بر آن دور شد و جای بیشتری برای دولت باز کرد، بلکه می‌توان عنوان داشت که خود دولت بخشی از این اصطکاکها در بازار است و حداقل کاری که می‌توان انجام داد، دور کردن این عوامل دولتی در به وجود آمدن چسبندگی‌های قیمتی است؛ چسبندگی‌هایی که به نظر می‌رسد بر خلاف آنچه در دیگر کشورها شاهدش هستیم، خصلت کوتاهمدت نداشته و موجب می‌شود حتی برخی بر این باور باشند که برای رسیدن به توسعه یافتگی نه بازاری با سیستم قیمتی ناقص و ناکارآمد که تنها دولتی می‌خواهیم با سیاستهای کارآمد.

دلار تا کجا پایین می‌آید

با توجه به نکات یادشده در گزارش‌های کارشناسی و با توجه به اینکه تجربه بازار ارز در ایران را به عنوان یک مثال زنده در کانون توجه داریم پرسش این است که آیا قیمت دلار که حالا در مرز ۹۰ هزار تومان مانده است تا چقدر پایین می‌آید و تا چه مدت در سطح قیمت پایین‌آمده می‌ماند. واقعیت این است که اگر اتفاق خاصی در دنیای سیاست داخلی و سیاست خارجی رخ ندهد قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد به سختی پایین آمده و مثلاً در کانال ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان می‌رسد. آنهایی که با بازار ارز ایران آشنا هستند نیک می‌دانند از سال ۱۳۹۲ تا امروز هر بار قیمت دلار پرش کرده هنگام آمدن به سطح قبلی در بالا چسبندگی نشان داده و به سطح اولیه برنگشته است. نکته تلخ این است که قیمت سایر کالاها نیز در بازار که خود را با دلار در اندازه بالا تطبیق داده‌اند نیز به سختی کاهش خواهد یافت. آیا مزدهای ۱۴۰۴ این واقعیت را در نظر خواهد گرفت.

زمانی که قیمت‌ها نمی‌توانند فوراً خود را با تغییرات شرایط اقتصادی یا عرضه پول تطبیق دهند، ناکارآمدی در بازار وجود دارد یعنی تا زمانی که قیمت‌ها تعدیل نشوند، یک عدم تعادل در بازار وجود دارد. وجود چسبندگی قیمت بخش مهمی از نظریه اقتصاد کلان نیوکینزی است زیرا می‌تواند توضیح دهد که چرا بازارها ممکن است در کوتاهمدت یا حتی احتمالاً در بلندمدت به تعادل نرسند.

اگر قیمت‌ها با مقاومت کمی به سمت بالا یا پایین حرکت کنند، چسبندگی قیمت می‌تواند فقط در یک جهت رخ دهد اما نه به راحتی در جهت مخالف. گفته می‌شود که یک قیمت ثابت است اگر بتواند به راحتی به سمت پایین حرکت کند اما فقط با تلاش مشخص بالا می‌رود. زمانی که قیمت تسویه بازار ناشی از شرایط جدید افزایش می‌یابد، قیمت بازار مشاهده شده به طور مصنوعی پایین‌تر از سطح تسویه بازار جدید باقی می‌ماند که منجر به تقاضای اضافی یا کمبود می‌شود.

در یک مقاله کارشناس منتشرشده آمده است: اصولاً هرچه کشورها پیشرفته‌تر باشند و دارای بازارهای باز و سیستم اطلاع‌رسانی قوی، چسبندگی قیمتی در آن کشورها کمتر رخ می‌دهد و هرچه بازارها ابتدایی، اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت اقتصاد ضعیف‌تر و شکاف میان داده‌های ذهنی مردم و آنچه در عمل در اقتصاد رخ می‌دهد بیشتر باشد، چسبندگی قیمتی بیشتر خواهد بود. از این رو می‌توان بیان داشت بازارهای اقتصاد ایران در مقایسه با اقتصادهای توسعه یافته دارای چسبندگی قیمتی بیشتری است. اما این مساله در ایران، به گونه دیگری دیده می‌شود. چسبندگی‌های قیمتی در اقتصاد ایران، به دلیل آن رخ می‌دهد که بازارها از توسعه‌یافتگی کافی برخوردار نیستند و به جای تحلیل اثرگذاری سیاستهای مالی و پولی باید در جهت قوام دادن بیشتر آنها کوشید تا سیستم قیمتی بتواند بازار را از حالت عدم تعادل خارج کند. تورم انتظاری شکل گرفته در دوران معاصر موجب شده حتی اگر در مقطعی بتوان آن را کنترل

بادنیا بسازیم

شهروندانمان برای تسهیل رفت و آمد خیلی کار کرده‌ایم، آمریکا بود و خوشبختانه بعد از شش ماه گفت و گو موفق شدیم بدون ویزا به آن کشور سفر کنیم» و توضیح داد: کار آفرین نباید دغدغه ویزا گرفتن داشته باشد و ما باید این مسیر را تسهیل کنیم تا آنها بتوانند ثروت تولید کنند. این تفکر یک وزیر است که حتما انعکاس یک حاکمیت است. با وزیر هوش مصنوعی امارات در کنفرانس صحبت کردم و از او هم همین سوال را پرسیدم. در پاسخ گفت: «ما می‌خواهیم تمام کارهایی را که شهروندان با دولت دارند، با گوشی همراهشان زیر ۵ دقیقه انجام دهند و این هدف ماست و باید کاری کنیم که شهروندان برای کارهای بوروکراتیک داخلی وقتشان را تلف نکنند.»

حمله آمریکا به اروپا

در اجلاس داووس امسال برای من که دو دهه است در این اجلاس شرکت می‌کنم چیزی که رشد کرده و خیلی جذاب بود این بوده که امسال آمریکایی‌ها مفصل به اروپایی‌ها حمله کردند و گفتند: «شماها آنقدر بوروکراسی برای بخش خصوصی دارید که سرمایه‌گذار اروپایی سرمایه‌اش را به آمریکا می‌آورد.» یک شرکت اروپایی بین ۲۰۷ تا ۲۷۷ گزارش باید در سال به دولت بدهد و در یک شرکت ۵۰ نفره تنها مسئول تهیه این گزارش هستند. آمریکایی‌ها می‌گفتند: «ما (کشور آمریکا) از زمانی که متولد شدیم سال ۱۷۷۶ گفتیم که دولت فقط تسهیل کننده است.» رئیس بانک مرکزی اتحادیه اروپا آقای ماریو دراگی گزارشی ۵۰۰ صفحه‌ای دارد که تمام ضعف‌های اتحادیه اروپا را در آن گفته است و اشاره دارد که اگر اتحادیه اروپا بخواهد به پای آمریکا برسد، ۷۷۱ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری نیاز دارد. در حال حاضر شبانه‌روزی در حال کار هستند تا بتوانند بازارهای مالی اتحادیه اروپا را با قوانین مشترک جلو ببرند و فضای باز تحت تاثیر بازارهای مالی آمریکا ایجاد کنند.

دکتر محمود سریع‌القلم، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی یکی از معدود استادان دانشگاه است که بیش از دو دهه است در اجلاس‌های سالانه داووس در سوییس شرکت می‌کند. او در نزد مدیران مجمع جهانی اقتصاد شناخته شده است و به صورت شخصیت علمی و نه دولتی از سوی این نهاد معتبر به اجلاس می‌رود. حضور در این نشست‌ها و نیز دیدار از کشورهای پر شمار و گفت و گوی علمی - کارشناسی با همتهای خود و شاید بازرگانان و سیاستمداران موجب شده است سریع‌القلم اطلاعات و نیز تحلیل‌های ویژه از دنیای امروز و ایران داشته و بتواند در مسیر توسعه ایران دیدگاه‌های خود را داشته باشد.

دکتر سریع‌القلم علاوه بر اینکه نزد علاقه‌مندان به سیاست هواداران جدی دارد در بخش خصوصی ایران نیز شناخته شده است. نهادهای کارفرمایی عموماً برای فهم تحولات جهانی و اینکه بدانند تغییرات در دنیای دانش سیاسی و نیز در تصمیم‌گیرهای سیاسی به کدام سو می‌رود از وی دعوت می‌کنند در نشست‌های آنها حاضر باشد. خانه معدن نیز با همین درک بوده است که از او خواسته‌اند نزد اعضای این نهاد کارفرمایی از تحولات روز دنیا و نیز از مسائل ایران بگویند. متنی که در زیر می‌خوانید و بخش‌هایی از آن تعدیل شده است را کانال هم اندیشی اقتصادی و مالی در گروه واتس‌اپی خود گذاشته و گویا چکیده‌ای از چیزی است که سریع‌القلم گفته است.

چند ماه قبل به وزیر خارجه امارات آقای شیخ عبدالله گفتم: «این روزها چه کار می‌کنی و عمده وقتت را صرف چه می‌کنی؟» گفت: «شهروندانمان بدون ویزا به ۱۷۶ کشور دنیا می‌توانند سفر کنند، ولی کشوری که ما و



هستند، دهه‌هاست که از ایران بیرون نرفته‌اند و نمی‌دانند چه خبر است. هر کسی که جهانی فکر کند، بیشتر رشد می‌کند. جهان در چهار سال آینده بسیار تغییر پیدا خواهد کرد و شناخت آمریکا بسیار کلیدی است. از نظر من باید روابط بسیار خوبی با چین و روسیه هم داشته باشیم. بدون روابط عادی با آمریکا هیچ کشوری نمی‌تواند پیشرفت کند. مائو و ویتنامی‌ها پس از سال‌ها دشمنی با آمریکا این را فهمیدند.

بیل گیتس و دانشگاه شریف

فقط مکزیک با آمریکا در سال ۵۰۰ میلیارد دلار تجارت دارد، حتی کمتر از چین و وقتی مکزیک تلفنی مشکلاتش را با ترامپ حل می‌کند، یعنی این را فهمیده است و ارقام و ارتباطات را می‌داند. چینی‌ها ۳۶۰ هزار چینی در آمریکا دارند. به سهم خودم، به‌عنوان دانشگاهی وظیفه‌ام را انجام می‌دهم و می‌گویم که ما نباید دنبال درست کردن روابط با فرانسه یا کره جنوبی باشیم؛ ما باید ثقل قضیه را حل کنیم. در زمان ناهار اجلاس داووس که به‌خاطر جلسات خصوصی خیلی اهمیت دارد، بیل گیتس می‌گفت: «آرزوی من این است که در دانشگاه شریف مرکز هوش مصنوعی بزنم ولی دست من بسته است:» «ایرانی‌ها غیرقابل مقایسه هستند با کسانی که در تشکیلات مایکروسافت کار می‌کنند. گره سیاست را باید باز کنیم.» اگر هرچه سریع‌تر این افکاری که در کشور وجود دارد و می‌گوید که ما با دنیا نباید کار کنیم، به تأخیر بیفتد، توسعه ایران دیگر تمام شده است، چون اختلاف زیادی بین ما و دنیا می‌افتد که غیرقابل جبران است. چون اگر فردا صبح هم شروع کنیم، ۱۰ سال آینده جایی هستیم که تازه همسایگان ما هستند.

هسته‌ای، مساله اول و دوم ایران با آمریکا نیست، مساله سوم است و دلیل عدم موفقیت برجام، حل نشدن مساله اصلی با آمریکاست. دنبال حل مساله مقطعی نباید باشیم. آدم‌ها بر سر مساله پول خیلی راحت باهم کنار می‌آیند تا سر قدرت اگر ما تا ابد بنشینیم مسائل سیاسی با آمریکا حل نمی‌شود، ولی اگر سر سهم بازار با آمریکا صحبت کنیم، کنار می‌آییم و فضاهای فکری را عوض می‌کنیم. پارادایم اختلاف با جهان را باید از سیاسی به اقتصادی تغییر دهیم. انگلیس و آمریکا نزدیک‌ترین کشورها به هم هستند که اختلاف سیاسی فاحشی دارند ولی مسائل مالی اینها را به هم قفل کرده است.

آمریکا به خودی خود با برنامه هسته‌ای ایران مشکلی ندارد، کما اینکه این موضوع از زمان شاه شروع شده است. پاکستان ۸۰ کلاهک هسته‌ای دارد. برنامه هسته‌ای ایران که ۲۳ سال در تاکتیک ایران است توانسته اختلاف را حفظ کرده و آمریکا را بیرون نگه دارد. ایران درخواست هسته‌ای شدن دارد و طرف خارجی که احتمال ایجاد تسلیحات نظامی را می‌دهد، از آن ممانعت می‌کند. از طرفی رئیس‌جمهور ایران نیز بیان کرده که تارگت تل‌آویو است و طرف اسرائیل نیز برنامه‌ریزی‌های خودش را بابت خنثی کردن این موضوع دارد.

دولت ترامپ یک میلیارد دلار از بودجه دولت آمریکا به عنوان کمک خارجی استفاده کرده و هزار بمب معمولی و ۶۰۰ کاترپیلار دی ۸ به اسرائیل داده، هدف پاکسازی شمال غزه برای شهرک‌سازی ارتودکس یهود است. یک یهودی آمریکایی بیان کرده که اگر دولت آمریکا شرایط را فراهم کند، بالای ۲۰۰ میلیارد دلار به آن امکان انتقال داده و سرمایه‌گذاری چشمگیری انجام می‌دهد. در حال حاضر معامله‌ای بین امارات و مصر بابت بخشی از سواحل مدیترانه در حال انجام است. اگر ایران وارد شکل‌گیری ادراکات دولت ترامپ نشود، مصالح و منافع ایران به خطر می‌افتد و ایران بازنده است. با اینکه آمریکا و ونزوئلا رابطه خوبی ندارند ولی باید بیان کرد که آمریکا نفت ونزوئلا را خریداری می‌کند.

سهم‌فزا آینده بخش خصوصی

یک‌سری روندهای جهانی است که اگر ۱۰ سال بخش خصوصی در دنیا ۷۰ درصد نقش داشت، الان ۹۵ درصد نقش دارد. به‌وضوح در دولت ترامپ می‌بینید که سروکارشان نه با نظامی‌هاست و نه با سیاستمداران بلکه بیشتر با بخش خصوصی است. رفت و آمد شرکت‌های بزرگ به‌شدت به کاخ سفید افزایش پیدا کرده است. ترامپ صدای آمریکا را نهاد بی‌خاصیت خوانده و هدف آنها این است که از ۲ میلیون نفری که در دولت فدرال کار می‌کنند، در چهار سال آینده باید به ۷۰۰ هزار نفر برسند ما هم با بخش خصوصی به کارآمدی می‌رسیم. ما در چهار سال آینده با شخصیتی روبه‌رو هستیم که با ارتباطات کار می‌کنند، نه با متن و عکس‌العمل‌های شدیدی که هم‌اکنون در خود آمریکا وجود دارد. او سازوکار دولتی را کنار گذاشته و با افراد کار می‌کند.

انرژی و ترامپ



ترامپ می‌گوید: کانون استراتژی اقتصادی من انرژی است و می‌خواهم قیمت نفت را به زیر ۶۰ دلار برسانم. اگر این کار را انجام دهیم، هزینه‌های تمام‌شده تولید در آمریکا به‌شدت کاهش پیدا می‌کند و حرف درستی هم هست که می‌گوید: «۲۰ سال تولید ما را چینی‌ها گرفتند، حالا می‌خواهیم با مشوق‌های مالیاتی رونقی به بخش تولیدمان بدهیم.» ترامپ می‌خواهد زمین‌های فدرال را به شرکت‌های نفت و گاز بدهد تا بتوانند تولید کنند و حرف اول را در انرژی بزنند.

شاید بهترین روشی که ایران می‌تواند انجام دهد این است که به ترامپ بگوید: «ما که قبلاً غنی‌سازی را کاهش دادیم و نظارت را هم که قبلاً پذیرفتیم، حتی دیجیتالی شدن نظارت بر صنعت هسته‌ای» اما چیزی که الان مبهم هست این است که در ازای کاری که از ما می‌خواهند، چه چیزی به ما خواهند داد. من فکر می‌کنم ما باید در صنعت انرژی و نفت و گاز به آمریکایی‌ها نزدیک شویم و می‌تواند یک شاخه‌ای از این هم معدن باشد. اگر کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی تشکیل شود که بخش اعظم آن آمریکایی باشد، ولی به دلایل سیاسی متشکل از چند شرکت اروپایی و آسیایی باشد، برای احیای صنعت نفت و گاز ایران که بالای ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه می‌خواهد، خود می‌تواند مشوقی باشد که آمریکا مجبور شود تحریم‌ها را بردارد و سوئیفت را آزاد کند.

اطلاعات محدود

در رده‌های بالای کشور ما خیلی مخالفت با این ایده نیست، فقط با فضای موجود باید راهی پیدا کرد تا این کار انجام شود. باید راه‌حل بدهیم که چگونه فکر می‌کنیم ما در کشور مشکل دانش داریم و اطلاعات فوق‌العاده و دایره معاشرتی مقامات ما خیلی محدود است. افرادی که تصمیم‌گیرنده

رشد کاهنده تا ۲۰۲۹

تورم



نرخ تورم در هر کشور، میزان افزایش قیمت شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی را نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی برای فعالان اقتصادی و خانوارها محسوب می‌شود. همچنین نقدینگی، حجم پول نقد در خارج از سیستم بانکی است که قابلیت تورم‌زایی دارد، بدین معنی که چنانچه حجم پول نقد بالا باشد، قدرت خرید بالا رفته و باعث گران شدن کالا یا خدمات بیشتر از ارزش موجودشان می‌شود. براساس گزارش مرکز آمار ایران در دی‌ماه ۱۴۰۳ شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۲۹۳/۴ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۲/۹ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳۱/۸ درصد افزایش و در دوازده‌ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۳۲/۰ درصد افزایش داشته است.

براساس داده‌های بانک مرکزی، از سال ۱۳۵۷ تا پایان دی ۱۴۰۳ یعنی طی ۴۷ سال، اقتصاد ایران فقط طی ۲۴ سال تورم کمتر از ۲۰ درصد را تجربه کرده است و در سال‌های اخیر نرخ تورمی بالای ۳۵ درصد شرایط ویژه‌ای برای اقتصاد پیش آمده است که در صورت عدم کنترل درست متغیرهای پولی، اقتصاد ایران می‌تواند به فاجعه ابرتورم دچار شود. متوسط ساده نرخ تورم طی ۴۶ سال مورد بررسی ۲۱/۵ درصد و بیشترین تواتر مربوط به نرخ تورم در بازه ۱۰ الی ۲۰ درصد طی ۲۰ سال بوده است. طی ۵ سال متوالی منتهی به دی ۱۴۰۳ (۱۳۹۹ الی ۱۴۰۳) نرخ تورم در اقتصاد ایران بالای ۳۵ درصد بوده و بیشترین مدت ماندگاری را در این دوره داشته است. بالاترین نرخ تورم ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ الی ۱۴۰۳ مربوط به سال ۱۳۷۴ و برابر با ۴۹/۴ درصد است که در سال ۱۳۷۵ به ۲۳/۲ درصد کاهش یافت.

بازار پول



براساس آخرین گزارش بانک مرکزی در آبان‌ماه ۱۴۰۳ پایه پولی کشور به ۱۲/۰۴۶ هزار میلیارد ریال رسیده است. ضریب فرآینده نقدینگی عدد ۷/۷۹۵ را نشان می‌دهد. نقدینگی نیز به عدد ۹۳/۹۲۲ هزار میلیارد ریال رسیده است.

اقتصاد سیاسی ایران نشان می‌دهد که شاخص‌ها و متغیرهای کلان اقتصاد و نیز بازارها در سردرگمی به سر می‌برند. در حالی که دولت احتمالاً با هدف تامین ریال موردنیاز دو ماه آخر سال فروش یک میلیون سکه را با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت بازار در دستور کار قرار داده است، بازار سهام از تعادل خارج شده و در شرایط گيجی به سر می‌برد. از سوی دیگر بودجه ایران شرایط مبهم دارد و سیاست خارجی ایران موفقیت جذب سرمایه را از اقتصاد ایران گرفته است.

بانک جهانی ایران اما در یک گزارش از اقتصاد ایران نشان داده است رشد اقتصادی ایران تا سال ۲۰۲۹ کمتر از عدد پیش‌بینی‌شده در قانون برنامه هفتم است و روندی کاهنده را سپری خواهد کرد. گزارش یادشده را در ادامه می‌خوانید.

چشم‌انداز اقتصاد ایران



دولت در سال جاری دستیابی به رشد ۷ درصدی اقتصادی را هدف‌گذاری کرده است. هرچند این هدف‌گذاری با استناد به رشد اقتصادی شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۲ صورت گرفته اما صندوق بین‌المللی پول در گزارشی رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۲۵ را کاهشی پیش‌بینی کرده است. کاهش سرعت رشد اقتصادی که از سال ۲۰۲۳ آغاز شده اما همچنان تا سال‌های آتی ادامه خواهد یافت. براساس پیش‌بینی IMF، رشد اقتصادی پیش‌بینی‌شده برای ایران در سال ۲۰۲۵ به ۳/۱ درصد می‌رسد و در جایگاه دوازدهم منطقه قرار خواهد گرفت.

اتاق بازرگانی ایران نیز در گزارشی اعلام کرده به دلیل ادامه تحریم‌ها، عدم سرمایه‌گذاری، کسری بودجه دولت و کاهش فروش نفت، ایران در سال آینده در رکود تورمی به سر می‌برد. سال ۱۴۰۲ با امیدواری‌هایی در عوامل سیاسی و اقتصادی از جمله افزایش صادرات نفت، آزادسازی منابع بلوکه‌شده ایران در عراق و کره، عضویت ایران در پیمان‌های شانگهای و بریکس و تنش‌زدایی با عربستان آغاز شد که این عوامل انتظارات تورمی را تا حدی کاهش می‌داد. براساس گزارشات داخلی منتشرشده، در سال ۱۴۰۲، رشد اقتصادی معادل ۱/۵ درصد بود و ۶/۲ واحد درصد از آن به بخش نفت برمی‌گشت. رشد مصرف بخش خصوصی در همان دوره ۵/۹ درصد و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۵/۴ درصد بود.

بازار سرمایه ایران



بازار سرمایه ایران از ۴ بازار بورس تهران، فرابورس ایران، بورس کالا و بورس انرژی تشکیل شده است. مجموع ارزش این ۴ بورس ارزش بازار سرمایه را مشخص می‌کند. ارزش بازار بورس و فرابورس همواره بیش از ۹۹ درصد ارزش بازار سرمایه را تشکیل می‌دهد.

بازار اولیه و ثانویه سهام

با توجه به نمودارهای رسم‌شده در ۱۰ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳، نسبت ارزش معاملات به حجم معاملات طی سه سال اخیر رشد ملموسی داشته است و این روند ضمن کاهش حجم معاملات، ارزش معاملات و تعداد معاملات بیانگر عدم رونق بازار تا به اینجای کار در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۳ است. همچنین بالا رفتن ارزش معاملات، تعداد معاملات و کاهش همزمان نسبت ارزش معاملات به تعداد معاملات را می‌توان مشابه دوران طلایی بازار سرمایه، دوره رونق بازار دانست.

بازار بورس و فرابورس



براساس آخرین گزارش آماری سازمان بورس و اوراق بهادار مجموع ارزش ۴ بازار بورس تهران، فرابورس ایران، بورس کالا و بورس انرژی در پایان دی‌ماه ۱۴۰۳ ۳۶۱، ۲۴۴، ۱۲۳ میلیارد ریال است.

ارزش بازار بورس تهران و فرابورس ایران به ۱۲۲/۰۹۱/۹۸۷ میلیارد ریال در پایان دی‌ماه ۱۴۰۳ رسیده است. از سال ۱۳۹۶ تا دی‌ماه ۱۴۰۳ همواره بیش از ۹۰ درصد ارزش بازار سرمایه را بازار سهام تشکیل می‌دهد. سهم بازار اوراق بدهی همواره کمتر از ۱۰ درصد بوده است.

نمودار روبه‌رو ارزش بازار بورس تهران و فرابورس ایران را به تفکیک سهام و اوراق بدهی نشان می‌دهد.

ارزش جذب و تجهیز منابع به تفکیک سرمایه‌ای و بدهی

بیشترین سهم در جذب سرمایه‌ای در ۱۰ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ مربوط به افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی به ترتیب افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی، جمعاً به مبلغ ۲۹/۶۷۸ میلیارد ریال، افزایش سرمایه از محل سود انباشته جمعاً به مبلغ ۶۵۴/۵۴۵ میلیارد ریال و افزایش سرمایه از محل آورده و مطالبات حال‌شده جمعاً به مبلغ ۵۳۰/۵۲۹ میلیارد ریال بوده است.

در این بین عرضه اولیه سهام شرکت‌ها (بورس و فرابورس) و تاسیس شرکت‌های سهامی عام، به ترتیب ۵۱/۵۱۸ و ۱۲/۴۰۰ میلیارد ریال از جذب منابع مالی در ۱۰ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳ را شامل می‌شود. با توجه به مقایسه ۱۰ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۲ و سال ۱۴۰۳ سهم روش بدهی از ارزش جذب و تجهیز منابع به صورت قابل توجهی افزایش یافته است.

ارزش اوراق بدهی



در سال ۱۴۰۳ تا انتهای دی‌ماه مبلغ ۴۹۶/۳ هزار میلیارد تومان مجموع اوراق منتشر شده بوده که در این میان سهم انتشار اوراق شرکتی ۵۱/۶ هزار میلیارد تومان در قالب ۱۲۶ اوراق بوده است. (میانگین مبلغ تامین مالی شرکتی ۴۱۰ میلیارد تومان) از نکات حائز اهمیت دیگر در سهم انتشار اوراق شرکتی می‌توان به رشد مبلغی ۲۱ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته و کاهش تعداد انتشار اوراق از ۱۵۹ به ۱۲۶ اوراق منتشره در سال ۱۴۰۳ اشاره کرد.

انتشار اوراق دولتی (۱۴۰۳-۱۳۹۷)

دولت طی هفت سال گذشته حجم تامین مالی خود از بازار سرمایه را از ۴۰ همت در سال ۱۳۹۷ به ۳۱۰ همت در پایان سال ۱۴۰۲ و ۴۳۳ همت تا انتهای دی‌ماه ۱۴۰۳ رسانده است. نرخ رشد متوسط سالانه تامین مالی دولت طی این سال‌ها ۵۱ درصد بوده است.



در روزهای تازه‌سپری‌شده و نیز در پی هفته‌ها تمرکز روی عبدالناصر همتی حالا منتقدان راه تازه‌ای برای شکاف در بالاترین سطح دولت را دستمایه کار قرار داده‌اند. یک خبرگزاری حکومتی که سخنگوی بخشی از نظامی‌های جمهوری اسلامی است پرچم رخنه در دولت را در دستور کار قرار داده است. این رسانه که در نوک پیکان مبارزه با دولت چهاردهم ایستاده و پرچم روزنه‌سازی برای پدیدار کردن شکاف بزرگ را در دست دارد سناریوی بزرگی را با دستمایه قراردادن نرخ ارز دنبال می‌کند. این سناریو در حال حاضر در دو مسیر نوشته می‌شود. مسیر شماره یک این است که از محل قدرت موجود در مجمع مصلحت نظام که برای خود یک مرکز نظارت برای بررسی بودجه و دیگر قانون‌های مصوب مجلس درست کرده است حذف دلار ۳۷۵۰۰ تومانی یا هر نرخ دیگر برای واردات نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی است. مسیر دیگر اما فعال شدن ستاد تنظیم بازار است که گویا محمدرضا عارف ریاست آن را در اختیار دارد.

پاسداری از دلار ۲۸۵۰۰ تومانی

در هنگام تدوین لایحه بودجه و نیز پس از اینکه لایحه بودجه ۱۴۰۴ به مجلس داده شد سخنگوی بودجه در پاسخ به پرسش‌ها درباره پاسداری از دلار ۲۸۰۰ تومانی برای واردات نهاده‌های دامی گفت که این دلار ترجیحی از این پس قیمت تثبیت شده نخواهد داشت. او توضیح داد قرار است برای واردات نهاده‌های دامی مزیت ارزی داده شود اما نه به صورت دلار تثبیت شده. اما به نظر می‌رسد این بخش از لایحه و قانون حالا از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام حذف شده است. خبرگزاری تسنیم که رهبری رسانه‌ای ایجاد شکاف در دولت بر سر مساله ارز را در دست دارد دیروز نوشته است با وجود تاکید دولت روی افزایش ۴۰ درصدی نرخ ارز واردات کالای اساسی، بعد از شوک ارزی دی‌ماه امسال و هشدارهای رسانه‌ای و پیگیری هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، تخصیص دلار ۲۸۵۰۰ تومانی برای سال بعد تثبیت شد. به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، در جلسه اخیر ستاد تنظیم بازار، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، اعلام کرد که نرخ ارز کالاهای اساسی برای سال آینده با همان نرخ مصوب ۲۸۵۰۰ تومان تامین خواهد شد و میزان ارز مورد نیاز برای تامین این کالاها تغییری نخواهد کرد. این تصمیم در حالی اتخاذ شده است که پیشتر در لایحه بودجه ۱۴۰۴ و مصوبه مجلس شورای اسلامی، نرخ ارز کالاهای اساسی ۳۸۵۰۰ تومان تعیین شده بود یعنی حدود ۴۰ درصد بالاتر از نرخ فعلی. این تغییر رویکرد نشان‌دهنده عقب‌نشینی دولت و مجلس از سیاست‌های تورم‌زایی است که پیشتر در لایحه بودجه دیده می‌شد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی تشدید نوسانات و التهاب‌های ارزی در ماه‌های اخیر، سیگنال‌های نگران‌کننده‌ای بود که از لایحه بودجه ۱۴۰۴ به فعالان اقتصادی مخابره شد. افزایش نرخ ارز کالاهای اساسی به ۳۸۵۰۰ تومان می‌توانست تأثیرات تورمی قابل توجهی بر اقتصاد داشته باشد و فشار بیشتری بر دوش مصرف‌کنندگان وارد کند.





عارف عامل شکاف؟

بررسی‌های حتی از سر اشاره درباره گزارش‌های مرتبط با ستاد تنظیم بازار که ریاست آن را محمدرضا عارف در دست دارد نشان می‌دهد معاون اول رئیس دولت بیشتر از رئیس خود علاقه دارد قیمت‌ها را سرکوب کند و حتی تهدید می‌کند که از قدرت سازمان حمایت از مصرف و تولید و نیز ستاد تعزیرات برای این کار کمک می‌گیرد و برخوردهای شدید در راه است. محمدرضا عارف اما حالا از سوی خبرگزاری تسنیم فردی معرفی می‌شود که می‌خواهد سیاست‌های ارزی را به سمت و سوی خاصی برگرداند. با وجود تاکید دولت بر افزایش نرخ ۴۰ درصدی کالاهای اساسی در لایحه بودجه ۱۴۰۴، بعد از اعتراض معاون اول رئیس‌جمهور به زمان‌بندی غلط حذف ارز نیمایی، حالا شاهد جهت‌گیری تازه عارف در خصوص تثبیت ارز ۲۸۵۰۰ تومانی هستیم. به گزارش تسنیم، اخیراً رئیس‌جمهور در جریان بازدید از وزارت امور اقتصادی و دارایی تصریح کرد: همان‌گونه که در مجلس گفتیم، الان هم دوباره می‌گویم که تمام سیاست‌های پولی و بانکی و ارزی در جلسه سران قوا با حضور تیم اقتصادی دولت و روسای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس و کارشناسان تصمیم‌گیری شده است.

در واقع طبق اظهارات رئیس‌جمهور، سیاست‌های ارزی که با روی کار آمدن دولت چهاردهم در دستور کار قرار گرفت، ذیل تفکرات وزیر اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه توسط بانک مرکزی اجرا شده است، تصمیماتی که مشخصاً در این شش‌ماه منجر به التهابات سنگین در بازار ارز و طلا و به تبع آن بازار کالا شده است، این افزایش نرخ‌ها کم‌کم خود را در شاخص تورم بهمن‌ماه نشان دادند به‌طوری‌که طبق گزارش مرکز آمار ایران شاخص قیمت مصرف‌کننده به عدد ۳۰۵/۵ رسید و نسبت به ماه قبل ۴/۱ درصد افزایش یافت که بیشترین افزایش از اسفند ۱۴۰۱ است. با توجه به التهابات سنگین این روزها و بعد از شکست ایده مدیران ارشد اقتصادی دولت در خصوص آزادسازی نرخ ارز، حالا به‌نظر می‌رسد چرخشی در ریل سیاست‌گذاری‌های ارزی آن‌هم با میدان معاون اول رئیس‌جمهور صورت گرفته است.

لازم به ذکر است، تصمیم‌گیری در خصوص افزایش نرخ رسمی ارز در ستاد اقتصادی یا همان شورای اقتصاد گرفته شده بود. با توجه به اینکه معاون اول رئیس‌جمهور عضو این ستاد اقتصادی نیست، به‌نظر می‌رسد

اذعان عارف به زمان‌بندی اشتباه اجرای این سیاست حاکی از بی‌اطلاعی وی از اتخاذ سیاست ارزی جدید بوده است اما اخیراً در جلسه اخیر ستاد تنظیم بازار، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور اعلام کرد که نرخ ارز کالاهای اساسی برای سال آینده با همان نرخ مصوب ۲۸۵۰۰ تومان تامین خواهد شد و میزان ارز مورد نیاز برای تامین این کالاهای تغییر نمی‌کند. این تصمیم در حالی اتخاذ شده است که پیشتر در لایحه بودجه ۱۴۰۴ و مصوبه مجلس شورای اسلامی، نرخ ارز کالاهای اساسی ۳۸۵۰۰ تومان تعیین شده بود یعنی حدود ۴۰ درصد بالاتر از نرخ فعلی.

این تغییر رویکرد نشان‌دهنده عقب‌نشینی دولت و مجلس از سیاست‌های تورم‌زایی است که پیشتر در لایحه بودجه دیده می‌شد. به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی تشدید نوسانات و التهاب‌های ارزی در ماه‌های اخیر، سیگنال‌های نگران‌کننده‌ای بود که از لایحه بودجه ۱۴۰۴ به فعالان اقتصادی مخابره شد. افزایش نرخ ارز کالاهای اساسی به ۳۸۵۰۰ تومان می‌توانست تأثیرات تورمی قابل توجهی بر اقتصاد داشته باشد و فشار بیشتری بر دوش مصرف‌کنندگان وارد کند.

پیامدهای خطر ساز

واقعیت این است که سازهای ناکوک ارزی که این روزها از سوی رسانه‌های منتقد و مخالف دولت بر سر زبان‌ها افتاده و یکی از درخواست‌های یعنی نگهداری دلار ۲۸۵۰۰ تومانی از سوی مجمع تشخیص مصلحت ممکن شده است برای بودجه ۱۴۰۴ خطر ساز خواهد شد و منابع پیش‌بینی شده درآمدی دولت را به هم می‌زنند. در صورتی که دولت چهاردهم مجبور شود ۱۲ میلیارد دلار برای واردات نهاده‌های اساسی و نهاده‌های دامی دلار ۲۸۵۰۰ تومانی به‌جای دلار ۳۷۰۰ تومانی تخصیص دهد رقمی معادل ۱۰۸ هزار میلیارد تومان از درآمدهای دولت از دست می‌رود. دولت در این وضعیت سخت از کدام محل می‌تواند این عدد را جایگزین کند؟ علاوه بر این به‌نظر می‌رسد منتقدان می‌خواهند نرخ دلار برای تعرفه وارداتی را نیز کاهش دهند که باز هم آسیب جدی به بودجه خواهد زد. در صورتی که محمدرضا عارف هرچه زودتر در این باره حرف نزنند می‌توان تصور کرد ابعاد شکاف رئیس دولت و بخش فرماندهی اقتصاد با معاون اول روند فزاینده را تجربه می‌کند که وفای درون دولت را به هم می‌زند.



تورم طوفانی بازگشت

چهارم تورم در بهمن ماه امسال، افزایش شدید قیمت خوراکی‌ها بوده است؛ گروه سبزیجات با ثبت تورم ماهانه ۱۶/۹ درصدی در بهمن بالاترین تورم را ثبت کرده است. افزایش قیمت سیب زمینی و سایر محصولات کشاورزی در ماه گذشته را می‌توان دلیل تورم بالای این گروه دانست. میوه و خشکبار با ۳/۷ درصد و نان و غلات با ۷/۴ درصد نیز پس از گروه سبزیجات بالاترین تورم ماهانه بهمن را تجربه کردند. در نقطه مقابل آموزش با ۰/۸ درصد، گوشت قرمز با ۱/۷ درصد و استفاده از وسایل شخصی با ۲ درصد کمترین افزایش قیمت را در بهمن ماه امسال ثبت کردند.

چهارم تورم نقطه به نقطه با بالای ۳۵ درصد

گزارش مرکز آمار حاکی از این است که تورم نقطه به نقطه در بهمن ماه امسال با افزایش ۳/۶ واحد درصدی نسبت به دی، به ۳۵/۳ درصد رسیده است. هرچند تورم نقطه به نقطه بهمن بالاترین رقم طی یک سال گذشته محسوب می‌شود اما نکته مهم‌تر صعود دوباره تورم به بالای سطح ۳۵ درصدی است. چهارم تورم نقطه به نقطه به بالای سطح ۳۵ درصد در حالی اتفاق افتاد که طی یک سال گذشته بانک مرکزی با تمام ابزارهای سیاستی همانند افزایش نرخ بهره و محدود کردن وام‌دهی نظام بانکی سعی در کنترل و کاهش تورم به سطح ۳۰ درصدی را داشت. هدفی که نه تنها با افزایش رکود اقتصادی محقق نشد بلکه حالا دوباره شاهد اوج‌گیری تورم به سطوح بالاتر هستیم. شرایطی که با توجه به روند متغیرهای اقتصادی و سیاسی به نظر ادامه‌دار خواهد بود و در صورت عدم سیاست‌گذاری درست،

در حالی که طی ماه‌های گذشته سهم تورم کالاهای غیرخوراکی در تورم ماهانه حدود ۱/۸ درصد بود، این رقم در بهمن به ۲ درصد افزایش یافته است. این روند نشان می‌دهد که حتی در صورت تثبیت قیمت مواد غذایی، فشار تورمی ناشی از سایر کالاها همچنان ادامه دارد. تحلیل دهک‌های درآمدی حاکی از آن است که خانوارهای کم‌درآمد بیشترین آسیب را از این افزایش قیمت‌ها متحمل شده‌اند. تورم ماهانه دهک اول جامعه (ضعیف‌ترین قشر درآمدی) به ۴/۸۹ درصد رسیده که بالاترین رقم در میان تمام دهک‌هاست. در مقابل، دهک دهم تنها ۳/۸۲ درصد تورم را تجربه کرده است. این شکاف تورمی، فشار معیشتی بیشتری را بر دوش اقشار ضعیف جامعه قرار داده و نشان‌دهنده روند نگران‌کننده‌ای در توزیع اثرات تورم است.

روند فعلی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران وارد یک دوره جدید از افزایش قیمت‌ها شده و در صورت ادامه این شرایط، بازگشت تورم به محدوده بالای ۴۰ درصد در سال آینده دور از انتظار نخواهد بود.

تورم ماهانه رکورد ۲۳ ماهه را شکست

براساس گزارش جدید مرکز آمار، تورم ماهانه در بهمن امسال به ۴/۱ درصد رسید که نسبت به دی، افزایش ۱/۲ واحد درصدی را نشان می‌دهد. این رقم بالاترین تورم ماهانه ثبت‌شده از اسفندماه سال ۱۴۰۱ محسوب می‌شود تا رکورد تورم در ۲۳ ماه گذشته شکسته شود.

بررسی داده‌های منتشرشده حاکی از این است که عامل اصلی



کشاورزی را می‌توان مهم‌ترین عوامل این جهش تورم دانست. افزایش قیمتی که ناشی از سوءمدیریت وزارت جهادکشاورزی در کنترل بازار محصولات کشاورزی بوده است. نکته قابل توجه این است که کالاهای خوراکی و به‌ویژه گروه کالایی سبزیجات سهم به‌شدت بالایی در سفره دهک‌های پایین درآمدی دارد و قربانیان اصلی تورم بهمن را می‌توان این گروه از خانوار دانست. گزارش مرکز آمار نیز نشان می‌دهد تورم ماهانه دهک اول (ضعیف‌ترین خانوارهای کشور) در بهمن با $4/89$ درصد، بالاترین تورم میان دهک‌های مختلف بوده است. به بیان دیگر، ضعیف‌ترین خانوارهای کشور بیشترین افزایش هزینه را در بهمن‌ماه متحمل شدند. در نقطه مقابل دهک دهم با $3/82$ درصد کمترین تورم ماهانه را در میان خانوارها تجربه کردند.

چشم‌انداز نگران‌کننده تورم

موضوع نگران‌کننده در خصوص گزارش مرکز آمار این است که هرچند جهش تورم بهمن ناشی از افزایش قیمت کالاهای خوراکی بوده اما تورم ناشی از افزایش قیمت کالاهای غیرخوراکی همچنان ادامه دارد. برآوردهای «کارآفرین» حاکی از این است که افزایش قیمت کالاهای غیرخوراکی در ۱۰ ماه ابتدایی سال، به‌طور میانگین منجر به تورم ماهانه $1/8$ درصدی شده بود. به بیان دیگر، حتی اگر قیمت کالاهای خوراکی در ماه صفر باشد، کف تورم ماهانه اقتصاد ایران در ۱۰ ماه ابتدایی سال به‌طور میانگین برابر با $1/8$ درصد بود. حالا این رقم در بهمن به 2 درصد افزایش یافته است. به بیان دیگر، موتور افزایش قیمت ناشی از این گروه کالایی نه‌تنها روشن مانده بلکه تشدید نیز شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که در صورت ادامه‌دار بودن شرایط کنونی در بازار کالاهای اساسی، اقتصاد ایران وارد یک جهش دوباره تورمی شده است.

احتمالا سال آینده شاهد بازگشت تورم به محدوده بالای 40 درصد خواهیم بود.

در میان کالاهای و خدمات مختلف، گروه سبزیجات با 106 درصد، بالاترین تورم نقطه به نقطه را در بهمن ثبت کردند که نسبت به دی افزایش بیش از 40 واحد درصدی را نشان می‌دهد. این میزان تورم از خرداد ماه سال 1398 برای گروه کالایی سبزیجات بی‌سابقه بوده است. حمل‌ونقل عمومی با $55/3$ درصد و میوه و خشکبار با 40 درصد در رتبه‌های بعدی بالاترین تورم نقطه‌به‌نقطه بهمن قرار دارند. در نقطه مقابل گوشت قرمز و مرغ کمترین تورم نقطه‌به‌نقطه بهمن را ثبت کرده‌است. قیمت این گروه کالایی در مقایسه با بهمن‌ماه سال گذشته به‌طور میانگین $15/2$ درصد افزایش یافته‌است. روغن و چربی‌ها با $21/7$ و ارتباطات با 22 درصد پس از گوشت قرمز و مرغ کمترین تورم نقطه‌به‌نقطه را تجربه کردند.

مقصر افزایش تورم

برآوردهای «کارآفرین» از آمارهای منتشرشده حاکی از این است که افزایش قابل توجه قیمت خوراکی‌ها مهم‌ترین دلیل افزایش تورم در بهمن‌ماه امسال بوده است. به‌گونه‌ای که سهم حدود 50 درصدی در تورم ماهانه بهمن را داشته است. به بیان دیگر، حدود 2 درصد از تورم 4 درصدی بهمن‌ماه ناشی از افزایش قیمت خوراکی‌ها بوده است. این در حالی است که در ۱۰ ماه ابتدایی امسال وزن افزایش قیمت خوراکی‌ها در تورم ماهانه به‌طور میانگین کمتر از 30 درصد بوده و کالاهای غیرخوراکی عامل اصلی تورم محسوب می‌شدند.

قربانی اصلی تورم بهمن

شاید افزایش عجیب قیمت سیب‌زمینی و البته سایر محصولات

تعطیلی سیاست ارزی عادی

سمت تقاضا و رقابت نسبی

در سمت تقاضای ارزی که به بازار عرضه می‌شود هزاران واردکننده که کار اصلی‌شان تجارت است منتظرند و نیز صدها بنگاه بزرگ که برای واردات مواد اولیه خود باید ارز بخرند. در این سال‌ها که شهروندان ایرانی اعتماد خود را به مدیران ارزی از دست داده‌اند نیز به صف متقاضیان ارز پیوسته‌اند تا بتوانند ریال‌های خود را در برابر تورم صیانت کنند. رقابت در سمت تقاضای ارز البته با پیوستن برخی واردکنندگان بزرگ نهادهای دامی و ورود نهادهای خاص با درجه پایین‌تری روبه‌رو است.

نقش دولت‌های جمهوری اسلامی

همانطور که در سطرهای بالا نگاشته شد دولت‌های ایرانی در سمت عرضه ارز نقش انحصاری دارند و به همین دلیل رفتار و تصمیم‌ها و سیاستگذاری ارزی در نرخ ارز بسیار اهمیت دارد. دولت در ایران برای اینکه بتواند کشور را اداره کند باید ریال داشته باشد. در ایران که درآمدهای مالیاتی هنوز در گام‌های نخست برای پر کردن همه چاه‌های هزینه بودجه‌ها است دولت دلارهای به دست آمده از بازار نفت را به بانک مرکزی می‌فروشد. بانک مرکزی در برابر دریافت دلارهای دولت ریال به این نهاد می‌دهد و به این ترتیب بخشی از درآمد ارزی در خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی قرار گرفته و بخش دیگری از آن به متقاضیان ارز فروخته می‌شود. از همین نقطه است که مناسبات سیاست‌های ارزی و پولی شروع می‌شود. بانک مرکزی برای تامین ریال مورد نظر دولت یا قیمت ارزی باید ارز خود را در بازار بفروشد و اگر برای ریال مورد نیاز ارز بیشتری به بازار عرضه کند قیمت ارزها کاهش می‌یابد و برعکس. اما بانک مرکزی اگر دارایی‌های ارزی خود را عرضه نکند ارزش دارایی‌های خارجی‌اش افزایش می‌یابد و نقدینگی رشد می‌کند و بر نرخ تورم اثر می‌گذارد.

رسیدیم به اصل ماجرا

با توجه به آنچه در بالا نوشته شد حالا می‌شود فهمید چرا قیمت ارزهای معتبر در بازار آزاد ارز افزایش شدید را تجربه کرده است. اصل ماجرا این است که به دلیل کاهش صادرات نفت و درآمد ارز سقوط کرده دولت از نفت، بانک مرکزی دلار کافی دریافت نمی‌کند که به بازار عرضه کند اما در سمت دیگر این داستان یعنی سمت تقاضا نمی‌توان به دلیل چسبندگی قیمت کالاهای وارداتی به سفره مردم و نیز به بخش تولید ناگهان تقاضا را کاهش داد به همین دلیل است که قیمت ارز در بازار افزایش می‌یابد. دولت‌های روحانی و رئیسی شاید ناآگاهانه و شاید هم آگاهانه ترجیح داده‌اند با توجه به تقاضای پرفشار از سوی نهادهای دیگر اجازه دهند قیمت ارز به قیمت حراج شدن سفره مردم افزایش یابد.

رو به آینده

بازار ارز در ایران به دلیل فقدان استقلال بانک مرکزی از دولت هرگز سامان نمی‌گیرد. در سال‌های تازه‌سپری شده و به‌ویژه در این چند ماه فعالیت دولت پزشکیان تصمیم گرفته شد سیاست ارزی به‌گونه‌ای باشد که نرخ‌های ارز چندگانه برچیده و سیاست ارزی از رانت و فساد دور شود و بازارها نیز شفاف شوند. اما تخصیص ناشفاف ارز در کشور و نیز بدتر شدن مناسبات خارجی ایران موجب شده است دولت سیاست ارزی را ناتمام رها کند. برخی ذی‌نفعان دارای نفوذ برای ترس از اینکه شهروندان از گرانی‌ها به خشم آیند سیاست ارزی را در کما نگه داشته و به سوی باتلاق روانه کرده‌اند. بازار ارز در کوتاه‌مدت راهی جز اینکه شاهد افزایش نرخ ارزهای معتبر به ریال ایران باشد را ندارد. در بلندمدت اما باید دید سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار است دست‌کم در بخش‌هایی از مناسبات خود سازش کند یا نه. در کوتاه‌مدت سطح نرخ ارز، نوسان‌های ارزی و شتاب نرخ ارز همچنان به سوی باتلاق شدن می‌روند مگر اینکه از بیرون کسی به کمک بیاید.



برآیند رفتار پزشک‌های و نیز گفتار رئیس بانک مرکزی و برخی هشدارهای مقام ارشد نظامی جمهوری اسلامی درباره اینکه برای زدن آمریکا لازم نیست به آمریکا موشک بزنیم و هدف‌های ارزان‌تری از آمریکایی‌ها در پیرامون هست در بازار آزاد ارز قیمت دلار به‌عنوان ارز شاخص افزایش را تجربه کرد. این رفتارها و گفتارها و نیز سرسختی مجلس نشان می‌دهد اقتصاد سیاسی ایران به‌شدت به‌سوی بی‌ثباتی بازارها می‌رود و بی‌ثباتی در بازار ارز همچنان روندی فزاینده دارد. کارشناسان و فعالان اقتصادی باور دارند بازار ارز جمهوری اسلامی در باتلاق افتاده و دست و پا زدن‌های مدیران اصلی اقتصادی و سیاستگذار پولی و ارزی را هرچه بیشتر به عمق خود می‌کشاند. باتلاق این ویژگی را دارد که در باتلاق افتاده باید به‌جای دست و پا زدن و خطرناک‌تر شدن وضعیتش منتظر باشد از بیرون کسی و نیرویی به کمک او بیاید و او را به بیرون باتلاق هدایت کند. داستان تلخ سیاستگذاری ارزی در ایران به دلیل به هم خوردن عرضه و تقاضای ارز در باتلاق است و مدیران ارزی با سیاستگذاری‌های از سر اجبار و تحمیل آن را بیش از پیش غرق می‌کنند. برآیند این سیاستگذاری‌های نادرست با توجه به متغیرهای بیرونی این بوده است که قیمت هر دلار آمریکا در ۱۲ سال تازه‌سپری شده هر دلار هزار تومان به هر دلار ۹۳ هزار تومان رسیده است.

بازار انحصاری از سوی عرضه

بازار ارز ایران از سمت عرضه یک بازار انحصاری به حساب می‌آید. نهاد دولت براساس عرف و قانون مالک درآمدهای به دست آمده از صادرات نفت است که در گذشته‌های نه‌چندان دور تا ۸۰ درصد درآمد ارزی کشور را به خود اختصاص می‌داده است. پس از تحریم نفتی ایران از سال ۱۳۹۷ و با وجودی که درآمد حاصل از صادرات نفت روندی کاهنده در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ را تجربه کرد اما با آمدن جو بایدن و آسان‌گیری دولت وی بازمی‌تواند صادرات نفت البته به‌طور قاجاق افزایش یافت و سهم دولت از دارایی ارزی باز هم افزایش را در کل درآمد ارزی تجربه کرد. اگرچه آمارهای در دسترس نشان می‌دهد که ارزش صادرات شرکت‌های پتروشیمی و فلزات اساسی در سال‌های تازه‌سپری شده افزایش قابل‌اعتنایی داشته است ولی یادمان باشد که این شرکت‌ها در اختیار مالکان خصوصی نیستند. این وضعیت بازمی‌برد درجه انحصار در سمت عرضه نفت را افزایش می‌دهد.



خروج صنعت از رکود؟

گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از وضعیت شاخص مدیران خرید (PMI) از باقی‌ماندن این شاخص پیش‌نگر در محدوده رکود و انقباض حکایت دارد؛ گرچه اوضاع در بخش صنعت بهتر شده و شامخ این بخش به بالای ۵۰ رسیده است. شاخص مدیران خرید کل اقتصاد در دی ۱۴۰۳ بعد از تعدیل فصلی ۴۷ برآورد شده و برای دومین ماه متوالی هشدار تعمیق رکود در اقتصاد را صادر کرده است. شیب کاهش این شاخص گرچه نسبت به آذرماه کمتر شده است اما همچنان از وضعیت نامساعد کسب و کارها حکایت دارد. اطلاعات منتشرشده از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نشان می‌دهد، در دی‌ماه شاخص «میزان تولید محصول یا ارائه خدمت» کل اقتصاد برای دومین ماه متوالی کاهشی بوده و شاخص «میزان سفارشات جدید مشتریان» کل اقتصاد برای نهمین ماه متوالی کاهش پیدا کرده است. بررسی‌ها حاکی از این است که شاخص «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده» برای یازدهمین ماه متوالی کاهشی است؛ درحالی‌که شاخص «قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده» همچنان در سطوح بالا به ثبت رسیده است. در دی‌ماه، شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» دومین رکورد پایین در دوره ۵۸ ماهه شامخ را به ثبت رسانده و شاخص «موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل» نیز برای پنجمین بار از ابتدای سال کمتر از محدوده

اگرچه در دی‌ماه سال جاری اغلب صنایع تحت تأثیر ناترازی برق و گاز قرار داشت اما آنگونه که نتایج شاخص مدیران بخش صنعت نشان می‌دهد، در ماه مورد اشاره، مصرف انرژی به‌طور کلی در صنایع افزایش معناداری داشته و از عدد ۴۲ به ۵۴ جهش کرده است. این جهش در کنار رشد قیمت‌های مواد اولیه و در نتیجه رشد قیمت محصولات نهایی منجر به تحول در بخش صنعت شده به گونه‌ای که فعالیت‌های تولیدی را از زیر مرز رونق و رکود (عدد ۵۰) به بالای این عدد هدایت کرده و به عبارت دقیق‌تر، این دسته از فعالیت‌ها افزایش یافته است. نوسان‌های ارزی اما منجر به کاهش معنادار موجودی مواد اولیه شده است و به نوعی می‌توان گفت، ذخایر صنایع در حال اتمام است و مدیران نتوانسته‌اند متناسب با فروش محصولات نهایی، (به‌علت جهش قیمت‌ها) مواد اولیه مورد نیاز خود را خریداری کنند. افزون بر این، میزان استخدام نیروی کار نیز در دی‌ماه کاهش یافته که نشانه‌ای تازه از بی‌میلی نیروی کار به فعالیت با دستمزدهای کنونی است؛ دستمزدهایی که اثر قابل توجهی در تأمین معیشت آنها ندارد. از این رو، اگرچه مدیران خرید، پیش‌بینی کرده‌اند که فعالیت‌های صنعتی در بهمن‌ماه با رشد بیشتری همراه شود و از عدد ۵۳ دی‌ماه به ۵۹ برسد اما به نظر می‌رسد با توجه به جهش‌های ارزی شدید روزهای اخیر، این پیش‌بینی خوشبینانه باشد و ماندگاری بخش صنعت در محدوده رونق تداوم نیابد.



۵۰ قرار گرفته است. البته با وجود روایت نامساعد شامخ از کلیت اقتصاد، اوضاع این شاخص در بخش صنعت بهبود قابل توجهی نسبت به آذرماه داشته و از ۴۷ به ۵۳ رسیده است. به نظر می‌رسد محرک بهبود شامخ بخش صنعت، نزدیک شدن به پایان سال و انتظارات تورمی مشتریان باشد.

مشکلات عمده

«افزایش شدید قیمت مواد اولیه در همه صنایع به علت افزایش نرخ ارز» یکی از مشکلات اصلی از دید برخی فعالان اقتصادی در دی ۱۴۰۳ است. قطعی برق و گاز در دی‌ماه منجر به کاهش فعالیت در برخی از شرکت‌های تولیدی شده است.

به باور فعالان اقتصادی، حذف ارز نیمایی و نوسانات نرخ ارز منجر به افزایش قیمت مواد اولیه و محدودیت تولیدکنندگان در تامین مواد اولیه شده است که این امر افزایش در قیمت فروش محصولات را طی ماه‌های آتی را به همراه خواهد داشت. همزمان مشکلات قطعی برق، افزایش قیمت‌ها، کاهش نقدینگی و کاهش تقاضای خرید، رکود در سرمایه‌گذاری را به همراه داشته و با توجه به نزدیک شدن به پایان سال و افزایش انتظارات خوش‌بینانه برای فعالیت‌ها، شرکت‌ها بهبود در شرایط تولید و فروش را مانند بهمن‌ماه سال گذشته ارزیابی نمی‌کنند. از این رو، رکود و بی‌ثباتی قیمتی بازار و حذف ارز نیمایی باعث کمبود منابع مالی شرکت‌ها برای تامین نهاده‌ها شده است.

کاهش دوباره فعالیت‌های اقتصادی

براساس آخرین نظرسنجی انجام شده درخصوص شاخص مدیران خرید (PMI) در اقتصاد ایران، این شاخص در دی‌ماه سال جاری به ۴۴/۹ رسیده که نشان می‌دهد که رشد فعالیت‌های اقتصادی در این ماه برای دومین ماه متوالی کاهشی بوده و نرخ کاهش اندکی کمتر از ماه قبل است. این شاخص پس از تعدیل فصلی معادل ۴۷ برآورد شده که حاکی از آن است که میزان فعالیت‌های اقتصادی در این ماه نیز برای دومین ماه متوالی کاهشی بوده است. البته با نرخ کمتری نسبت به ماه قبل (۴۵/۷) کاهش داشته است. باین حال از ابتدای سال برای هفتمین بار، رکود و قرار گرفتن در محدوده کمتر از ۵۰ را ثبت کرده است.

آنگونه که اتاق ایران آنلاین گزارش کرده، شاخص «میزان تولید محصول یا ارائه خدمت» در دی‌ماه بعد از تعدیل فصلی، معادل ۴۷/۴ محاسبه شده و برای دومین ماه متوالی کاهشی است. با تداوم بی‌ثباتی قیمتی و نوسانات افزایشی شدید نرخ ارز و قطعی‌های برق، روند فعالیت در بسیاری از کسب‌وکارها کاهشی شده و برای هشتمین بار از ابتدای سال کمتر از محدوده ۵۰ قرار گرفته است. در همین حال، افزایش شدید نرخ ارز و به تبع آن افزایش تورم قیمت نهاده‌ها و کاهش توان مالی، تقاضای ضعیف مشتریان (در بخش خدمات و کشاورزی و ساختمان) را به همراه داشته است، به طوری که شاخص «میزان سفارشات جدید مشتریان» کل اقتصاد در دی‌ماه، پس از حذف اثر فصلی، معادل ۴۶/۷ برآورد شده است و برای نهمین بار از ابتدای سال تاکنون کاهشی و کمتر از محدوده ۵۰ قرار گرفته است.

احتیاط در خرید، تعویق در سفارشات

بی‌ثباتی اقتصادی، نوسانات ارزی و عدم اطمینان به آینده، بسیاری از مشتریان را در تصمیم‌گیری برای خرید محتاط کرده و سفارشات خود را به تعویق انداخته‌اند. تداوم کاهش صادرات و مشکلات ناشی از قوانین مخل موجب افت تقاضای خارجی نیز شده است. به طوری که شاخص «میزان صادرات کالا یا خدمت» پس از حذف اثر فصلی عدد ۴۷/۰ را به ثبت رسانده و همچنان مانند دوره‌های گذشته تداوم روند کاهشی خود را حفظ کرده است.

شاخص «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» در دی‌ماه پس از حذف اثر فصلی، ۴۶/۹ محاسبه شده است و برای یازدهمین ماه متوالی در سری تعدیل شده کاهشی است. نوسانات افزایشی نرخ ارز طی ماه‌های اخیر و حذف ارز نیمایی در شرایطی که بسیاری از شرکت‌ها با کمبود نقدینگی و مشکلات مالی روبه‌رو هستند، کسب‌وکارها را با مشکلات تامین مواد اولیه مواجه کرده است. بر همین اساس شاخص «قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» با مقدار ۸۲/۰ همچنان در سطوح بالای خود به ثبت رسیده است. نوسانات ارزی و افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی نیز هزینه‌های تولید را بالا برده و تولیدکنندگان را با مشکلات تامین مواد اولیه مواجه کرده است. این وضعیت نشان‌دهنده تداوم فشارهای قیمتی، نوسانات ارزی، مشکلات تامین مواد اولیه و محدودیت‌های تجاری است که بر هزینه‌های تولید تاثیرگذار بوده است. با افزایش فشار هزینه‌های تامین نهاده‌ها بر شرکت‌ها، شاخص «قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه‌شده» با عدد ۵۸/۲ افزایشی است اگرچه به دلیل تقاضای ضعیف مشتریان، افزایش قیمت‌های فروش، هنوز به شدت افزایش قیمت نهاده‌ها نبوده و پیش‌بینی می‌شود با وقفه زمانی در زنجیره تولید صنایع و خدمات کسب‌وکارها طی ماه‌های آتی بسیاری از محصولات و خدمات با افزایش بیشتری در قیمت‌های فروش روبه‌رو باشند.

کمترین استخدام طی ۵۸ ماه

شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» در دی‌ماه پس از حذف اثر فصلی مقدار ۴۳/۲ محاسبه شده است و دومین کمترین مقدار خود را در سری تعدیل شده کل اقتصاد و کمترین مقدار طی ۵۸ ماه اخیر از اسفندماه ۹۸ به ثبت رسانده است. بی‌ثباتی اقتصادی و نوسانات ارزی باعث تشدید رکود در کسب‌وکارها شده تا بسیاری از بنگاه‌ها به‌خصوص در بخش خدمات و کشاورزی به دلیل افت درآمد و سودآوری، برای کاهش هزینه‌های خود در استخدام نیروی انسانی جدید محتاط باشند. از طرفی

باین حال به دلیل افزایش نرخ ارز، از نظر اکثر تولیدکنندگان شرایط مشابه ماه قبل ارزیابی شده اما شاخص مذکور پس از تعدیل فصلی، برای ماه دی معادل ۵۳ برآورد شده است که با توجه به کاهش شدیدی که در بخش تولید در ماه قبل در اکثر صنایع وجود داشته، اندکی بهبود در وضعیت قطعی برق و سفارشات باعث شده تا شاخص در مقایسه با ماه قبل بهتر باشد.

شاخص «مقدار تولید محصولات» در دی ماه پس از تعدیل فصلی، ۵۲/۷ محاسبه شده است و نسبت به ماه قبل (۴۴/۷) افزایش داشته است. اگرچه در شاخص تعدیل نشده اکثر شرکتها شرایط را مانند ماه قبل ارزیابی کرده اند اما به دلیل نیمه تعطیل بودن کارخانه ها، کاهش شدیدی که طی ماه گذشته در بخش تولید وجود داشت، اندکی بهبود در شرایط، شاخص تعدیل شده را در محدوده بالاتر از ۵۰ قرار داده است اما همچنان بسیاری از شرکتها با قطعی برق روبه رو هستند و درعین حال افزایش شدید نرخ ارز بر هزینه های تامین نهاده های تولید، تاثیر منفی گذاشته است.

شاخص «میزان سفارشات جدید» در دی ماه پس از تعدیل فصلی، ۵۶/۴ ثبت شده است، این شاخص با توجه به نزدیک شدن به پایان سال و انتظارات تورمی مشتریان، در مقایسه با ماه قبل (۴۷/۴) افزایش داشته است. شاخص «موجودی مواد اولیه» در دی ماه، پس از تعدیل فصلی، معادل ۴۶/۶ برآورد شده است. این شاخص برای یازدهمین ماه متوالی از اسفند سال گذشته با کاهش همراه بوده است. افزایش شدید نرخ ارز، افزایش هزینه های تامین مواد اولیه را به همراه داشته است و همزمان با حذف ارز نیمایی بسیاری از شرکتها با مشکل تامین ارز مورد نیاز مواد اولیه روبه رو هستند.

تداوم تورم با جهش نرخ ارز

براساس این گزارش، افزایش نرخ ارز منجر به تداوم تورم قیمت مواد اولیه شده است، به طوری که شاخص «قیمت خرید مواد اولیه» در دی ماه با ثبت مقدار ۸۹/۵ افزایش قابل توجهی داشته است و طی بیست و سه ماه گذشته از اسفند ۱۴۰۱ بیشترین مقدار خود را ثبت کرده است.

در همین حال به دنبال افزایش شدید هزینه های تامین مواد اولیه برای صنایع «شاخص قیمت محصولات تولید شده» نیز با عدد ۶۸/۴ بیشترین مقدار سی و سه ماهه خود را از اردیبهشت ۱۴۰۱ ثبت کرده است.

شاخص «میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی» در دی ماه، پس از تعدیل فصلی ۵۰/۶ به دست آمده که تقریباً مشابه ماه قبل ارزیابی شده است؛ هرچند در دی ماه بیشتر صنایع با کاهش در میزان استخدام روبه رو بوده اند. همزمان با کاهش تولید و افزایش نرخ ارز و بالا رفتن قیمت مواد اولیه و همچنین تحمیل هزینه های ناشی از قطعی های برق، فشار هزینه های تولید افزایشی شده است و برخی شرکتها برای جبران فشار هزینه های خود ناچار به کاهش نیروی انسانی طی ماه های اخیر شده اند. از طرفی نیروی کار نیز به دلیل عدم تناسب هزینه زندگی و درآمدها تمایل چندانی به اشتغال در کارخانه ها ندارند. از تابستان سال جاری در گزارش پایش ملی محیط کسب و کار، پنجمین مانع کسب و کار از نظر فعالان اقتصادی در حوزه صنعت، «کمبود نیروی کار ماهر» گزارش شده است که باید مورد توجه قرار گیرد.

شاخص «موجودی محصول نهایی در انبار» در دی ماه، پس از تعدیل فصلی، معادل ۴۵/۸ برآورد شده است که برای نهمین ماه متوالی از ابتدای سال کاهش یافته است. طی ماه های اخیر به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه و کمبود آن و همچنین کمبود برق و نیمه تعطیلی شرکتها، امکان تولید در قیمت های قبلی وجود نداشته و کارخانه ها برای تامین تقاضای مشتریان، از موجودی انبار به میزان بیشتری استفاده کرده اند. نوسانات ارزی و محدودیت های وارداتی و تامین مواد اولیه و کمبود انرژی و افزایش هزینه های آن نیز منجر به تولید در ظرفیت های پایین شده است.



به دلیل عدم تناسب حقوق دستمزد با فشار افزایش هزینه های زندگی، نیروی انسانی تمایلی به اشتغال در سطوح پایین درآمدی ندارد. شاخص «موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل» ۴۶/۸ محاسبه شده است. و برای پنجمین بار از ابتدای سال کمتر از محدوده ۵۰ قرار گرفته است. افزایش نرخ ارز باعث بالا رفتن هزینه واردات مواد اولیه و تجهیزات تولید شده و تولیدکنندگان را در تامین مواد اولیه با مشکل مواجه کرده است، از طرفی کمبود انرژی نیز که باعث کاهش فعالیت شرکتها در سطوح پایین ظرفیت تولید شده بود کاهش تولید طی ماه گذشته را به همراه داشته که باعث کاهش سطح موجودی محصول شده است و در نهایت شرکتها برای تحویل سفارشات از موجودی انبار به میزان بیشتری استفاده کرده اند. شاخص «میزان فروش کالاها یا خدمات» در دی ماه پس از حذف اثر فصلی، ۴۹/۲ ثبت شده است که برای دومین ماه متوالی کاهش یافته است. اگرچه نرخ کاهش نسبت به ماه قبل کمتر است اما در مقایسه با ماه مشابه یعنی دی ماه سال گذشته (۵۱/۲)، شاخص مقدار کمتری را به ثبت رسانده است. مقدار شاخص «انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده» پس از حذف اثر فصلی ۵۲/۷ محاسبه شده است. این شاخص اگرچه در مقایسه با ماه قبل بهتر شده است اما به عقیده فعالان اقتصادی به دلیل ریسکها و نااطمینانی نسبت به شرایط بی ثبات قیمتی و نرخ ارز، انتظارات خوش بینانه برای پایان سال، در مقایسه با سال قبل کمتر است.

شاخص مدیران خرید صنعت

براساس داده های به دست آمده از بنگاه های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید بخش صنعت در دی ۱۴۰۳، معادل ۵۰/۶ برآورد شده است که شاخص نسبت به ماه قبل بهتر شده است. این شاخص که در ماه قبل (۴۴/۸) به دلیل قطعی های گسترده برق به کمترین مقدار پنج ماهه خود رسیده بود، در دی ماه با اندکی بهبود در سفارشات و تولید در ناحیه مرزی ۵۰ قرار گرفته است،



تورم تولید صنعتی

«افزایش شدید قیمت مواد اولیه در همه صنایع به علت افزایش نرخ ارز» یکی از مشکلات اصلی از دید برخی فعالان اقتصادی در دی ۱۴۰۳ است. قطعی برق و گاز در دی ماه منجر به کاهش فعالیت در برخی از شرکت‌های تولیدی شده است. به باور فعالان اقتصادی، حذف ارز نیمایی و نوسانات نرخ ارز منجر به افزایش قیمت مواد اولیه و محدودیت تولیدکنندگان در تامین مواد اولیه شده است که این امر افزایش در قیمت فروش محصولات را طی ماه‌های آتی به همراه خواهد داشت. همزمان مشکلات قطعی برق، افزایش قیمت‌ها، کاهش نقدینگی و کاهش تقاضای خرید، رکود در سرمایه‌گذاری را به همراه داشته و با توجه به نزدیک شدن به پایان سال و افزایش انتظارات خوشبینانه برای فعالیت‌ها، شرکت‌ها بهبود در شرایط تولید و فروش را مانند بهمن ماه سال گذشته ارزیابی نمی‌کنند. از این رو، رکود و بی‌ثباتی قیمتی بازار و حذف ارز نیمایی باعث کمبود منابع مالی شرکت‌ها برای تامین نهاده‌ها شده است.

تورم نقطه‌ای ۳۶ درصد شد

در دی‌ماه ۱۴۰۳، درصد تورم تولیدکننده بخش صنعت در ۱۲ ماه منتهی به ماه جاری ۲۴/۵ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل ۱/۴ واحد درصد افزایش داشته است.

مرکز آمار ایران اعلام کرد: در دی‌ماه ۱۴۰۳، شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت ۱۴۶۳/۹ است که نسبت به ماه قبل (تورم ماهانه) ۵۳/۳ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه‌به‌نقطه) ۳۶/۹ درصد

براساس نتایج به دست آمده از شامخ مدیران خرید نیز در دی‌ماه سال جاری، حجم فعالیت‌های تولیدی مقدار اندکی افزایش یافت. اگرچه در دی‌ماه سال جاری اغلب صنایع تحت‌تاثیر ناترازی برق و گاز قرار داشت اما آنگونه که نتایج شاخص مدیران بخش صنعت نشان می‌دهد، در ماه مورد اشاره، مصرف انرژی به‌طور کلی در صنایع افزایش معناداری داشته و از عدد ۴۲ به ۵۴ جهش کرده است.

این جهش در کنار رشد قیمت‌های مواد اولیه و در نتیجه رشد قیمت محصولات نهایی منجر به تحول در بخش صنعت شده به گونه‌ای که فعالیت‌های تولیدی را از زیر مرز رونق و رکود (عدد ۵۰) به بالای این عدد هدایت کرده و به عبارت دقیق‌تر، این دسته از فعالیت‌ها افزایش یافته است. نوسان‌های ارزی اما منجر به کاهش معنادار موجودی مواد اولیه شده است و به نوعی می‌توان گفت، ذخایر صنایع در حال اتمام است و مدیران نتوانسته‌اند متناسب با فروش محصولات نهایی، (به علت جهش قیمت‌ها) مواد اولیه مورد نیاز خود را خریداری کنند. افزون بر این، میزان استخدام نیروی کار نیز در دی‌ماه کاهش یافته که نشانه‌ای تازه از بی‌میلی نیروی کار به فعالیت با دستمزدهای کنونی است؛ دستمزدهایی که اثر قابل توجهی در تامین معیشت آنها ندارد. از این رو، اگرچه مدیران خرید، پیش‌بینی کرده‌اند که فعالیت‌های صنعتی در بهمن ماه با رشد بیشتری همراه شود و از عدد ۵۳ دی‌ماه به ۵۹ برسد اما به نظر می‌رسد با توجه به جهش‌های ارزی شدید در بهمن ماه سال جاری، این پیش‌بینی خوشبینانه باشد و ماندگاری بخش صنعت در محدوده رونق تداوم نیابد.

وضعیت تورم معدن

طبق جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، در دی ماه ۱۴۰۳ درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش معدن در ۱۲ ماه منتهی به دی ماه ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه در سال قبل، ۲۵/۷ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۲۵/۰ درصد)، ۰/۷ واحد درصد افزایش داشته است. بر این اساس، در دی ماه ۱۴۰۳، شاخص قیمت تولیدکننده بخش معدن نسبت به ماه قبل (تورم ماهانه) ۱/۸ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۳۳/۰ درصد افزایش و در ۱۲ ماه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل (تورم سالانه)، ۲۵/۷ درصد افزایش داشته است. درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش معدن در دی ماه امسال نسبت به ماه قبل (تورم ماهانه) ۱/۸ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۱/۶ درصد)، ۰/۲ واحد درصد افزایش داشته است. همچنین میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات معدنی به ازای تولید محصولاتشان در داخل کشور، در دی ماه امسال نسبت به ماه قبل، ۱/۸ درصد افزایش داشته است. در این ماه بیشترین تورم ماهانه با ۲/۹ درصد مربوط به گروه های «سایر معادن» و «زغال سنگ» و کمترین تورم ماهانه با ۱/۶ درصد مربوط به گروه «کانه های فلزی» است. براساس این گزارش، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش معدن در دی ماه امسال، نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۰/۳۳ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۳۱/۹ درصد)، ۱/۱ واحد درصد افزایش داشته است.

از این رو، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات معدنی به ازای تولید محصولاتشان در داخل کشور، در دی ماه ۱۴۰۳ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۰/۳۳ درصد افزایش دارد. در این ماه بیشترین تورم نقطه به نقطه با ۳۵/۷ درصد مربوط به گروه «سایر معادن» و کمترین تورم نقطه به نقطه با ۳۲/۶ درصد مربوط به گروه «کانه های فلزی» است. در دی ماه ۱۴۰۳، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش معدن در ۱۲ ماه منتهی به دی ماه امسال نسبت به مدت مشابه در سال قبل، ۲۵/۷ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۰/۲۵ درصد)، ۰/۷ واحد درصد افزایش داشته است. میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات معدنی به ازای تولید محصولاتشان در داخل کشور، در ۱۲ ماه منتهی به دی ماه امسال نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۲۵/۷ درصد افزایش دارد. در این ماه بیشترین تورم سالانه با ۳۵/۶ درصد مربوط به گروه «سایر معادن» و کمترین تورم سالانه با ۲۲/۹ درصد مربوط به گروه «زغال سنگ» است.

افزایش و در ۱۲ ماه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل (تورم سالانه) ۲۴/۵ درصد افزایش داشته است.

براساس گزارش مرکز آمار، در دی ماه ۱۴۰۳، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت نسبت به ماه قبل (تورم ماهانه) ۵/۳ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۵/۰ درصد)، ۰/۳ واحد درصد افزایش داشته است.

به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات صنعتی به ازای تولید کالاهای خود در داخل کشور، در دی ماه ۱۴۰۳ نسبت به ماه قبل، ۵/۳ درصد افزایش دارد.

در این ماه بیشترین تورم ماهانه با ۱۱/۷ درصد مربوط به گروه ساخت مواد شیمیایی و فرآورده های شیمیایی و کمترین تورم ماهانه با ۱/۳ درصد افزایش مربوط به گروه ساخت سایر مصنوعات است.

این گزارش همچنین حاکی است، در دی ماه ۱۴۰۳، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۳۶/۹ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۳۱/۴ درصد)، ۵/۵ واحد درصد افزایش داشته است.

به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات صنعتی به ازای تولید کالاهای خود در داخل کشور، در دی ماه ۱۴۰۳ نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳۶/۹ درصد افزایش دارد.

در این ماه بیشترین تورم نقطه به نقطه با ۵۰/۷ درصد مربوط به گروه ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل و کمترین تورم نقطه به نقطه با ۲۰/۹ درصد مربوط به گروه ساخت فرآورده های توتون و تنباکو است

افزایش تورم سالانه

گزارش مرکز آمار همچنین حاکی است، در دی ماه ۱۴۰۳، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت در ۱۲ ماه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه در سال قبل، ۲۴/۵ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل (۲۳/۱ درصد)، ۱/۴ واحد درصد افزایش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات صنعتی به ازای تولید کالاهای خود در داخل کشور، در ۱۲ ماه منتهی به دی ماه ۱۴۰۳ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۲۴/۵ درصد افزایش دارد. در این ماه بیشترین تورم سالانه با ۳۶/۲ درصد مربوط به گروه ساخت انواع آشامیدنی ها و کمترین تورم سالانه با ۱۴/۰ درصد مربوط به گروه ساخت کاغذ و محصولات کاغذی است.





فولاد در تله ناترازی

رقم خورده است. این ناترازی منجر به کاهش حدود ۱/۵ میلیون تنی فولاد به ارزش بیش از ۶۵۰ میلیون دلار شده است؛ این نکته از آنجا اهمیت دارد که فولادی‌ها در کنار پتروشیمی‌ها از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان ارز کشور به‌شمار می‌روند. براساس آمارهای منتشر شده از سوی انجمن تولیدکنندگان فولاد کشور، نرخ افت تولید فولاد ایران در ۹ ماهه امسال ۴/۸ درصد بود که این رقم در پایان دی‌ماه به ۵/۵ درصد رسیده است. امسال حدود ۲۵ میلیون و ۲۳۰ هزار تن فولاد میانی تولید شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته یک میلیون و ۲۶۰ هزار تن کمتر تولید شده است؛ بنابراین محدودیت‌های انرژی در واحدهای کوچک و متوسط بخش خصوصی در ۱۰ ماه گذشته در محصولات و زنجیره فولاد خود را در آمارها نشان داده است. کاهش ۴/۲ درصدی در کل مقاطع طولی فولادی از جمله تیرآهن، میلگرد، نبشی، ناودانی و سایر مقاطع نیز از دیگر پیامدهای ناشی از ناترازی انرژی است. تولید میلگرد با هشت میلیون و ۲۴۵ هزار تن در همین مدت با کاهش ۵/۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته روبه‌رو بوده است. همچنین تولید گندله سنگ‌آهن با ۵۲ میلیون و ۵۴ هزار تن در ۱۰ ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳/۴ درصد کاهش داشته در حالی که تولید همین محصول در ۱۰ ماهه سال گذشته به میزان ۵۳ میلیون و ۸۷۹ هزار تن بوده است.

به باور کارشناسان در سال‌های اخیر وضعیت تولید و اشتغال در عرصه معدن به دلیل ناترازی انرژی به‌شدت تحت‌تاثیر قرار گرفته است. موضوعی که باعث شده فعالان اقتصادی تولیدشان را کاهش داده، روبه ورشکستی رفته و در بالاترین مطلق دست‌وپا بزنند. متأسفانه امسال تولیدکنندگان صنعت فولاد با خاموشی‌های پی‌درپی

صنعت برق در سال‌های نه‌چندان دور نه‌تنها می‌توانست نیاز داخل را به طور کامل تامین کند بلکه در حوزه صادرات نیز فعال بوده است اما چند سالی است که با ناترازی‌های جدی روبه‌رو هستیم که به دلایلی از جمله رشد تقاضا، زیرساخت‌های ضعیف، کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌ها، فرسودگی، عدم تعمیرات و نگهداری تجهیزات ایجاد شده است. چنین وضعیتی گویای آن است که بدون سیاستگذاری مدیرانه نمی‌توان مشکل را حل کرد و تنها شاهد آن خواهیم بود که شرایط بحرانی‌تر می‌شود. مساله مهم این است که مشکل صنعت برق باید در کشور مورد توجه جدی‌تری قرار گیرد و تا زمانی که این معضل حل نشود، قطعاً در همه حوزه‌ها با مشکلات جدی مواجه خواهیم شد. در این زمینه ضروری است که سیاستگذاران و مدیران مربوطه به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند تا در فصول سرد سال و شرایط بحرانی، فشار کمتری بر بخش صنعت و معدن وارد شود. مساله‌ای که نیازمند مدیریت دقیق توزیع انرژی و همکاری میان وزارتخانه‌های مختلف از جمله صنعت، نیرو و نفت است. کارشناسان تاکید می‌کنند که نباید شاهد بی‌عدالتی در قطعی منابع بین صنایع فولادی کشور باشیم چراکه عدم توازن در میزان قطعی برق و گاز این صنایع را دچار اختلال جدی در فرآیند تولید و فعالیت‌های اقتصادی کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران را متزلزل می‌سازد.

اما تشدید ناترازی انرژی از چند سال گذشته منجر به کاهش تولید فولاد و محصولات زنجیره آهن و فولاد شده به طوری که براساس آخرین آمار انجمن تولیدکنندگان فولاد، افت ۵/۵ درصدی تولید فولاد ایران ثبت شده است. کاهش تولید فولاد میانی کشور در ۱۰ ماهه امسال به دلیل محدودیت‌ها در تامین برق و گاز صنایع



هفت درصد برق کشور را مصرف می‌کند این در حالی است که بیش از ۵۰ درصد محدودیت‌های انرژی بر فولادی‌ها اعمال می‌شود. دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران ادامه داد: ناترازی انرژی نه تنها منجر به کاهش تولید در فولاد و زنجیره آن می‌شود، بلکه کاهش صادرات و ارزآوری را به دنبال دارد. وی با اشاره به اینکه ناترازی انرژی روزبه‌روز در کشور تشدید می‌شود و نیاز به چاره‌جویی اساسی دارد، گفت: این امر به سیاست‌های غلط در گذشته برمی‌گردد در حالی که باید برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای رفع ناترازی انرژی و سرمایه‌گذاری در این عرصه صورت بگیرد. خلیفه‌سلطانی عنوان کرد: نباید به خاطر ناترازی انرژی، بخش مولد صنعت متوقف شود زیرا این کار بر افت تولید، صادرات و اشتغال اثرگذار است.

وی با بیان صنعت فولاد مکلف به ساخت نیروگاه شده است، گفت: برای ساخت نیروگاه ۱۰ هزار مگاوات برقی باید حداقل ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گیرد ضمن اینکه فولادی‌ها تخصصی در حوزه ساخت نیروگاه ندارند.

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران بیان داشت: فولادی‌ها می‌توانند این هزینه را صرف تولید کنند اما به صورت داوطلبانه برای عبور از بحران ناترازی انرژی اقدام به راه‌اندازی نیروگاه کرده‌اند. خلیفه‌سلطانی با اشاره به اینکه دولت قرار بود بسته حمایت از تولید را تهیه کند، گفت: وزارت صنعت، معدن و تجارت در بحث ناترازی انرژی برای صنعتگران بسته‌ای تهیه کرد که باید این بسته به مرحله اجرا برسد. دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران ابراز کرد: همانگونه که دولت انتظار ساخت نیروگاه و تامین انرژی از صنعتگران و تولیدکنندگان دارد باید دولت نیز در حوزه تنفس تسهیلات، مالیات، بیمه و سایر موارد از صنعتگران حمایت کند. وی خاطر نشان کرد: ما نیز از از وزارت نیرو، نفت، اقتصاد و وزارت صمت می‌خواهیم تا از صنعتگران حمایت کنند و به بحران ناترازی انرژی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

روبه‌رو بوده‌اند. مساله این است که گناه یک تولیدکننده چیست که باید علاوه بر تامین تسهیلات و ارز مورد نیاز مشکل ناترازی انرژی را هم تحمل کند؟! مسوولان چطور انتظار دارند که تولیدکنندگان صنایع مختلف که به دلیل محدودیت‌های انرژی نتوانسته‌اند به درستی تولید و کسب درآمد کنند، مالیات، بیمه، اقساط بانکی و قبوض برق و گاز را به موقع پرداخت کنند؟! این موضوع در حالی مطرح است که کارشناسان گلایه دارند که برخی از مسوولان سال‌هاست که به فکر منافع شخصی خود بوده‌اند، فرزندان خود را در خارج از کشور تربیت کرده و از سفره دولت بهره برده‌اند و بدون دغدغه‌مندی برای تامین نیازهای اولیه فعالان اقتصادی گذران عمر کرده‌اند! ناترازی واژه‌ای است که به باور فعالان اقتصادی به نوعی لاپوشانی سوءمدیریت‌ها و بی‌کفایتی‌ها برمی‌گردد و پیشنهاد می‌شود به جای ناترازی از ترک فعل دولت‌های قبلی سخن بگوییم. موضوعی که ما را به شرایط فعلی رسانده و باعث ایجاد مشکلاتی برای فعالان بخش خصوصی و کل جامعه شده است اما درخصوص بی‌کفایتی مدیران می‌توان به آمارها نگاه کرد. به طور مثال مصرف برق در ایران ۵۸ درصد رشد داشته است در حالی که ظرفیت تولید تنها ۱۷ درصد افزایش یافته، موضوعی که منجر به کمبود شدید برق شده است.

بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان ارزش تولید در فولاد از دست رفته است

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران با بیان اینکه به دلیل ناترازی در بخش انرژی مورد نیاز صنعت فولاد بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان ارزش تولید در فولاد از دست رفته است، اظهار داشت: ناترازی انرژی و قطع گاز و برق منجر به کاهش تولید در ۱۰ ماه امسال شده است که باید برای آن تدابیری اندیشیده شود. سیدرسول خلیفه‌سلطانی افزود: صنعت فولاد تنها پنج درصد گاز و



زیان برق گرفتگی اقتصاد ایران

ادارات، مراکز دولتی، دستگاه‌های ستادی و کارمندی دولت نزدیک به ۷ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان زیان به اقتصاد ملی تحمیل می‌کند. همین برآورد از خسارت تعطیلی‌ها، مبنای تذکر مجتبی ذوالنوری، نماینده اصولگرای قم خطاب به مسعود پزشکیان شد که در صحن علنی مجلس از رئیس دولت چهاردهم پرسید: «آقای پزشکیان! همکار دیروز و رئیس امروز آیا مطلع هستید که هر روز تعطیلی در کشور هفت هزار میلیارد تومان به پولی که مردم برای دریافت خدمات به دولت دادند ضربه می‌زند؟» این نماینده عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، در بخش دیگری از تذکر شفاهی به رئیس‌جمهوری، ادامه داد: «آیا اطلاع دارید تعطیلی ادارات و قطعی برق باعث ۲۵ هزار میلیارد خسارت به بخش خصوصی شده است؟» آشکار است، تعطیلی‌هایی که با نام مدیریت مصرف انرژی به اقتصاد ایران تحمیل می‌شوند به ادارات دولتی محدود نیستند، کلیت اقتصاد ایران از قطعی برق و کمبود گاز رنج می‌برد. میثم لطیفی، رئیس سازمان امور اداری و استخدامی در دولت سیزدهم، در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱، اعلام کرده بود: «هر روز تعطیلی در کشور ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه برای دولت در بردارد و با توجه به اینکه ۴۰ درصد کارمندان در آموزش و پرورش هستند سهم این وزارتخانه از تعطیلی مدارس حدود هزار میلیارد تومان است.»

اقتصاد ایران سال‌هاست به تعطیلات برنامه‌ریزی نشده و ناگهانی خورده است، تعطیلاتی که این روزها هزینه‌های ناشی از آن بر شانه‌های نحیف اقتصاد ایران بیش از پیش سنگینی می‌کند.

دوگانه خاموشی یا تعطیلی، دوگانه کشنده دولت چهاردهم در هفته‌های اخیر بوده، دوگانه‌ای که در نهایت به نفع تن دادن به تعطیلی‌ها پیش رفت تا اعتراض به خاموشی برق یا قطعی گاز، تبعات سیاسی و اجتماعی برای حاکمیت به دنبال نداشته باشد، هر چند گزینه انتخاب شده از سوی دولت یعنی تعطیلی نیز تبعاتی گسترده در پی دارد که تنها به تعویق انداختن پیامدهای آن، می‌تواند گذر از این روزها را قابل تحمل کند.

شاید اگر عادت به جا مانده از تعطیلی‌های بحران کرونا یا تاب‌زدایی از تعطیلی به دلیل آلودگی هوا در سال‌های گذشته نبود، شوک تعطیلی بابت ناترازی انرژی به همین راحتی‌ها پذیرفته نمی‌شد، اقتصاد ایران سال‌هاست به تعطیلات برنامه‌ریزی نشده و ناگهانی خورده است، تعطیلاتی که حالا کم‌کم هزینه‌های ناشی از آنها بر شانه‌های نحیف اقتصاد ایران سنگینی می‌کند.

آیا از زیان ۷۶ هزار میلیارد تومانی خبر دارید؟ سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بدون در نظر گرفتن صنایع دولتی، ۱۱ درصد برآورد می‌شود و بر این اساس هر روز تعطیلی

برآوردهایی حتی زیان بارتر

تمام این برآوردها، فقط تخمین هایی از میزان خسارت های احتمالی ناشی از تعطیلات اجباری و بدون برنامه ریزی با هدف مدیریت مصرف انرژی است و اگر خسارات و پیامدهای ناشی از خاموشی های ساعتی بنگاه های اقتصادی یا اعمال محدودیت یا قطع گاز آنها را بخواهیم محاسبه کنیم، اعداد و ارقام ناشی از این خسارات سر به فلک می زند. بر اساس گزارشی که به تازگی مرکز بهبود کسب و کار اتاق بازرگانی ایران منتشر کرده، در سال جاری بیش از ۸۲ درصد از محدودیت های تامین برق بر بخش تولیدی شامل صنعت و کشاورزی اعمال شده که تبعات آن بر شاخص های تولیدی صنایع محسوس بوده است.

بر اساس یافته های یک گزارش از سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی، عدم النفع صنایع مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی، ناشی از قطعی برق در سال جاری تا ۴۴.۷ هزار میلیارد تومان ارزیابی شد. محاسبات انجمن فولادسازان نیز نشان می دهد که ناترازی انرژی در ۹ ماه سال ۱۴۰۳ بیشتر از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان فقط به صنعت فولاد زیان وارد کرده است که به معنای میانگین زیان روزانه ای به میزان ۳۷۰ میلیارد تومان است. برآورد دیگر از میزان خسارت ناترازی برق به صنایع ایران که در این گزارش به آن اشاره شده، تخمین کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران است، در این برآورد، خسارت روزانه ناشی از قطعی برق به بخش صنعت در سال ۱۴۰۳، بین ۸ تا ۹.۲ هزار میلیارد تومان اعلام شد. نکته اینجاست که وضعیت محدودیت ها سال به سال بدتر هم شده است، بر اساس یافته های موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی وابسته به وزارت صمت، با توجه به میانگین ۱۳۰۸ ساعت اعمال محدودیت در سال ۱۴۰۳، در واقع حدود ۲۲ درصد از کل زمان مصرفی صنایع از بین رفته است، حال آنکه این مقدار در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴ درصد بود.

بر این اساس در سال جاری میزان برق تحویلی به صنایع نسبت به پارسال نزدیک به ۴۰ درصد کمتر بوده است.

اگر همان عدد اعلام شده از سوی رئیس پیشین سازمان امور اداری و استخدامی برای هزینه هر روز تعطیلی را با نرخ رسمی تورم به روز کنیم به رقم ۴ هزار و ۴۲۰ هزار میلیارد تومان می رسیم که فقط بیانگر هزینه های دولت از رهگذر یک روز تعطیلی است.

روزی ۲۸۳ میلیون دلار خسارت

مرکز توسعه بین الملل دانشگاه هاروارد با همکاری مدرسه بازرگانی آدولفو آیپانز شیلی مطالعه ای را بر روی ۲۰۰ کشور جهان در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ میلادی انجام داده که نشان می دهد یک روز تعطیلات عمومی بیشتر، ۲۰ درصد از تولید ناخالص روزانه را از بین می برد. طبیعی است این یک روز تعطیلی بیشتر تأثیرات متفاوتی بر بخش های مختلف اقتصادی بر جای می گذارد، ضمن آن که این میزان افت تولید ناخالص داخلی روزانه، برای تعطیلات ناگهانی و پیش بینی نشده نظیر آنچه در ایران اتفاق می افتد، حتی می تواند اثری بزرگتر از ۲۰ درصد به همراه داشته باشد، چرا که تعطیلات عمومی قابل برنامه ریزی و از پیش اعلام شده بخش هایی از اقتصاد همچون بخش های مربوط به عرضه خدمات گردشگری، هتل و رستوران و حمل و نقل را حتی فعال تر از روزهای عادی می کند و اثر منفی تعطیلات در دیگر بخش ها، تا اندازه ای تعدیل می شود.

بانک جهانی ارزش تولید ناخالص داخلی ایران را در سال ۲۰۲۳ میلادی بالغ بر ۴۰۴.۶۳ میلیارد دلار برآورد کرده است. با احتساب ۵۲ روز جمعه و ۲۷ روز تعطیلات رسمی، روزهای کاری در تقویم ایران به ۲۸۶ روز در سال می رسد. بانک جهانی ارزش تولید ناخالص داخلی ایران را در سال ۲۰۲۳ میلادی بالغ بر ۴۰۴.۶۳ میلیارد دلار برآورد کرده است. با احتساب ۵۲ روز جمعه و ۲۷ روز تعطیلات رسمی، روزهای کاری در تقویم ایران به ۲۸۶ روز در سال می رسد. با این حساب و کتاب ارزش روزانه تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۳ میلادی بیش از ۱.۴ میلیارد دلار است و اگر میزان خسارت هر روز تعطیلی بیشتر را همان ۲۰ درصد در نظر بگیریم این خسارت روزانه نزدیک به ۲۸۳ میلیون دلار است. این میزان خسارت بر حسب قیمت دلار بازار آزاد ۹۰ هزار تومانی، ۲۵.۵ هزار میلیارد تومان برآورد می شود.





فولاد زیر تیغ تیز قیمت گذاری

تا تولیدکننده! در واقع دخالت دولت در این زنجیره باعث شده که زمینه حضور واسطه‌ها تا جایی فراهم شود که خود به عاملی تعیین‌کننده تبدیل شوند. این در حالی است که اگر روال قیمت‌گذاری براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شد، بدون شک حضور واسطه‌ها در بازار بسیار کمرنگ‌تر از امروز بود. با توجه به اینکه دلالتان بعد از نقش‌آفرینی بورس کالا نیز همچنان در بازار نفوذ دارند و باعث نوسان قیمت‌ها می‌شوند، این موضوع مطرح می‌شود که اینها دلالت‌های خرده‌پا نیستند، بلکه بیشتر دلالتان بزرگی هستند که در همه جا نفوذ دارند. در ادامه کارشناسان تاکید دارند که برای حل این چالش‌ها، ضروری است که سیاست‌های قیمت‌گذاری بازنگری شوند. در ادامه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و هم‌راستایی با تحولات فناوری جهانی می‌تواند به ارتقای رقابت‌پذیری و تقویت این صنعت کمک کند. همچنین کارشناسان درباره راهکارهای جلوگیری از خسارات ناشی از اختلاف قیمت فولاد ایران و قیمت‌های جهانی، بر لزوم آزادسازی تدریجی قیمت‌ها تاکید کرده و باور دارند که نخستین اقدام، آزادسازی تدریجی قیمت‌هاست تا قیمت‌های داخلی با مکانیسم عرضه و تقاضا هماهنگ شوند و مداخلات دستوری کاهش یابد. اقدامی که نه تنها به اصلاح بازار کمک خواهد کرد، بلکه زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری بیشتر در صنعت فراهم می‌سازد.

تاثیرات گسترده قیمت‌گذاری دستوری بر صنعت فولاد

در این رابطه علی‌اکبر رضایی، نایب‌رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی خانه صمت ایران و دبیر انجمن تخصصی فولاد ذوب و ریخته‌گری خانه صمت یزد بیان داشت: قیمت‌گذاری دستوری در صنعت فولاد ایران، به عنوان سیاستی که در آن دولت یا نهادهای تنظیم‌گر قیمت‌ها را به صورت اداری و خارج از مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌کنند، تاثیرات گسترده و پیچیده‌ای بر این صنعت و

قیمت‌گذاری دستوری در صنعت فولاد یکی از مسائل چالش‌برانگیز اقتصاد ایران شناخته می‌شود که سال‌هاست فعالان فولادی را با مشکل روبه‌رو ساخته است. امروز زنجیره آهن و فولاد از این مساله به شدت تاثیرپذیر هستند و بهای زیادی را تحمل می‌کنند. این در حالی است که به جای دستوری بودن قیمت‌ها کارشناسان انتظار دارند رویکرد بخش دولتی بیشتر در قالب مکانیسم بازار و روند طبیعی عرضه و تقاضا باشد.

تاکید می‌شود که بخش معدن و فولادسازی در کشور باید طوری سیاست‌گذاری شود که در نتیجه آن تولیدکننده بتواند با خیالی راحت به ایفای نقش خود بپردازد اما دخالت در زنجیره به‌ویژه مساله قیمت‌گذاری دستوری نکته‌ای است که باعث بروز اختلالاتی در تولید می‌شود که در نهایت به صلاح اقتصاد نیست. پیامدهای این سیاست، موارد متعددی را دربر می‌گیرد که شامل کاهش سودآوری تولیدکنندگان، فقدان سرمایه‌گذاری جدید، افت کیفیت محصولات، شکل‌گیری بازار سیاه، افزایش انگیزه برای صادرات غیررسمی، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری، توزیع نامتعادل فولاد بین صنایع مختلف، کاهش رقابت‌پذیری جهانی، افزایش وابستگی به حمایت‌های دولتی، کمبود عرضه در بازار داخلی و... می‌شود. براساس آمارها سرکوب قیمت‌ها در زنجیره فولاد (از جمله تعیین قیمت کنسانتره آهن ۱۳ درصد پایین‌تر از نرخ جهانی) باعث کاهش ۸۴ درصدی سرمایه‌گذاری در بخش معدن بین سال‌های ۹۵ تا ۹۷ شده است! مساله‌ای که تامین مواد اولیه برای تولید فولاد را با بحران مواجه کرده است. در ادامه دولت مجبور شده با پرداخت یارانه‌های غیرمستقیم بخشی از زیان تولیدکنندگان را جبران کند اما این حمایت‌ها اغلب به صورت ناکارآمد توزیع شده و به رانت و فساد منجر می‌شود.

به باور کارشناسان قیمت‌گذاری دستوری بیشتر به سود دلالتان تمام می‌شود

اضافه کرد: این مساله باعث عدم انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌ها می‌شود؛ به طوری که قیمت‌گذاری دستوری، صنعت را در برابر نوسانات جهانی قیمت مواد اولیه (مانند سنگ‌آهن و انرژی) یا تحریم‌های بی‌توان می‌سازد. وی ادامه داد: فساد و رانت‌جویی هم یکی دیگر از چالش‌های ساختاری ناشی از قیمت‌گذاری دستوری است چرا که کنترل قیمت‌ها ممکن است به ایجاد رانت‌های اقتصادی و فساد در تخصیص سهمیه‌های فولاد منجر شود.

راهکار چیست؟

رضایی در پاسخ به این سوال که چه راهکاری را برای عبور از این مشکلات پیشنهاد می‌دهد، گفت: قیمت‌گذاری دستوری در کوتاه‌مدت ممکن است به کنترل تورم یا حمایت از مصرف‌کنندگان بی‌انجامد، اما در بلندمدت اثرات منفی آن بر پویایی صنعت فولاد غالب است.

وی اضافه کرد: بنابراین برای اصلاح این روند، راهکارهایی مانند آزادسازی تدریجی قیمت‌ها همراه با حمایت هدفمند از مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر، تقویت رقابت‌پذیری از طریق بهبود فناوری و کاهش هزینه‌های تولید، شفاف‌سازی نظام تخصیص و مبارزه با فساد در زنجیره تامین فولاد، هماهنگی با قیمت‌های جهانی به‌ویژه برای صادرات، به منظور جذب ارزآوری بیشتر را می‌توان مورد نظر قرار داد. این اصلاحات می‌تواند به تعادل پایدارتر بین منافع تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و اقتصاد کلان کمک کند.

کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین صنعت فولاد

نایب‌رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی خانه صمت ایران در پاسخ به این سوال که اختلاف قیمت فولاد ایران با قیمت‌های جهانی ناشی از قیمت‌گذاری دستوری و عدم حمایت یارانه‌ای هدفمند از تولیدکنندگان چه پیامدهای اقتصادی و ساختاری ایجاد کرده است، گفت: اختلاف قیمتی ناشی از سیاست‌های دستوری، فشار بر زنجیره تامین و ناکارآمدی بازار، مقایسه با قیمت‌های جهانی و رقابت‌ناپذیری، تأثیرات کلان اقتصادی از جمله پیامدهای این سیاست است.

رضایی در توضیح بیشتر نتایج اختلاف قیمتی ناشی از سیاست‌های دستوری اضافه کرد: قیمت‌گذاری دستوری فولاد در ایران اغلب پایین‌تر از هزینه‌های واقعی تولید (شامل انرژی، مواد اولیه، و نیروی کار) تعیین می‌شود. برای مثال، در سال ۲۰۲۴ اختلاف قیمت شمش فولادی در ایران با قیمت جهانی به ۸ تا ۱۰ درصد رسید، در حالی که این رقم در برخی کشورها تا ۲۴ و ۲۶ درصد بود. این شکاف قیمتی، سودآوری تولیدکنندگان را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین را از بین می‌برد.

وی با اشاره به نتایج این تصمیمات بر صادرات صنایع فولادی ادامه داد: قیمت‌های دستوری داخلی باعث شده صادرات شمش فولاد ایرانی به کشورهای همسایه (مانند عراق و افغانستان) با قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی انجام شود. این امر ایران را به یک صادرکننده ارزان قیمت تبدیل کرده، در حالی که تولیدکنندگان داخلی با کمبود شمش مواجه هستند و تنها با ۳۰ درصد ظرفیت اسمی فعالیت می‌کنند. دبیر انجمن تخصصی فولاد ذوب و ریخته‌گری خانه صمت یزد با اشاره به اینکه قیمت‌گذاری دستوری منجر به فشار بر زنجیره تامین و ناکارآمدی بازار می‌شود، تأکید کرد: قیمت‌گذاری دستوری از وسط زنجیره (مثلاً تعیین قیمت شمش براساس نرخ‌های غیرواقعی) باعث شده هزینه‌های تولید برای نوردکاران (تولیدکنندگان محصولات نهایی مانند میلگرد) افزایش یابد. رضایی افزود: به عنوان مثال، اختلاف قیمت شمش و میلگرد در ایران ۴ درصد است، در حالی که هزینه‌های تولید این اختلاف را به ۱۲ درصد زیان برای نوردکاران تبدیل می‌کند. این ناهماهنگی، زنجیره تولید را مختل کرده و به کاهش کیفیت محصولات منجر شده است. وی با اشاره به ایجاد بازار سیاه در نتیجه این مشکلات گفت: اختلاف قیمت داخلی و جهانی، انگیزه فروش در بازارهای غیررسمی را افزایش می‌دهد. گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۴ حدود ۱/۵ میلیون تن فولاد تولیدی ایران به صورت غیررسمی از چرخه رسمی خارج شده است.

اقتصاد کلان کشور گذاشته است. وی به برخی از مهم‌ترین تأثیرات این سیاست اشاره کرد و گفت: یکی از آثار این تصمیم، کاهش سودآوری و سرمایه‌گذاری در صنعت فولاد است؛ به طوری که قیمت‌های دستوری معمولاً پایین‌تر از هزینه‌های تمام شده با قیمت‌های جهانی تعیین می‌شوند. این موضوع سودآوری شرکت‌های فولادی را کاهش داده و توان مالی آنها برای توسعه زیرساخت‌ها، نوآوری و حفظ کیفیت تولید را محدود می‌کند.

به گفته رضایی یکی دیگر از این آثار سوءکاهش جذابیت سرمایه‌گذاری است؛ به طوری که با کاهش بازدهی اقتصادی، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تمایل کمتری به ورود به این صنعت نشان می‌دهند. این مساله به‌ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی تشدید می‌شود.

دبیر انجمن تخصصی فولاد ذوب و ریخته‌گری خانه صمت یزد با اشاره به ایجاد بازار سیاه و انحراف منابع به عنوان یکی دیگر از نتایج قیمت‌گذاری دستوری ادامه داد: همین مساله پیامدهایی دارد اینکه انگیزه برای صادرات غیرقانونی است که با اختلاف قیمت بین قیمت‌های دستوری داخلی و قیمت‌های جهانی فولاد، انگیزه قوی برای صادرات غیررسمی ایجاد می‌کند. این موضوع باعث کاهش عرضه فولاد در بازار داخلی و تشدید کمبودها می‌شود. وی با اشاره به تخصیص ناکارآمد منابع به عنوان پیامد منفی دیگر این تصمیم اضافه کرد: قیمت‌گذاری دستوری ممکن است موجب توزیع نامتعادل فولاد بین صنایع مختلف شود؛ برای مثال می‌توان به اولویت‌دهی به برخی بخش‌ها مانند مسکن در مقابل سایر بخش‌های حیاتی مثل خودروسازی یا صنایع کوچک که با کمبود مواجه می‌شوند اشاره کرد.

کاهش کیفیت و رقابت‌پذیری صنعت فولاد ایران

نایب‌رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی خانه صمت ایران با اشاره به اینکه قیمت‌گذاری دستوری منجر به کاهش کیفیت و رقابت‌پذیری جهانی می‌شود، تأکید کرد: این مساله دو پیامد کاهش انگیزه برای ارتقای کیفیت و وابستگی به سیاست‌های حمایتی را به دنبال دارد که در بخش نخست با تعیین قیمت‌های ثابت، شرکت‌ها انگیزه‌های خود را برای بهبود فناوری یا رقابت براساس کیفیت از دست می‌دهند و این مساله در بلندمدت رقابت‌پذیری صنعت فولاد ایران در بازارهای جهانی را تضعیف می‌کند.

وی اضافه کرد: در بحث افزایش وابستگی به سیاست‌های حمایتی نیز تکیه بر قیمت‌گذاری دستوری، صنعت را به جای رقابت واقعی به حمایت‌های دولتی وابسته می‌کند.

رضایی با اشاره به اینکه عواقب قیمت‌گذاری دستوری به همین موارد فوق محدود نمی‌شود و منجر به افزایش فشار بر مصرف‌کنندگان و صنایع پایین‌دستی خواهد شد، ادامه داد: کمبود عرضه در بازار داخلی از نتایج این تصمیم است؛ به طوری که قیمت‌های پایین دستوری ممکن است تقاضای کاذب ایجاد کند و عرضه را کاهش دهد. این کمبود به‌ویژه در دوره‌های رونق ساخت‌وساز یا رشد صنعتی محسوس‌تر می‌شود.

وی با اشاره به تأثیر قیمت‌گذاری دستوری بر صنایع وابسته نیز افزود: صنایعی مانند خودروسازی، ساختمان و ماشین‌آلات که به فولاد به عنوان ماده اولیه وابسته‌اند، ممکن است به دلیل نوسانات عرضه و کیفیت، با اختلال در تولید مواجه شوند.

تأثیر قیمت‌گذاری دستوری بر تراز تجاری کشور در بخش فولاد رضایی با اشاره به اینکه افزایش بار مالی بر دولت به عنوان پنجمین آثار سوءقیمت‌گذاری دستوری در این صنعت شناخته می‌شود، بیان داشت: در بسیاری از موارد، دولت مجبور است با پرداخت یارانه یا معافیت‌های مالیاتی، زیان شرکت‌های فولادی را جبران کند. این موضوع فشار اضافی بر بودجه عمومی وارد می‌کند. همچنین اگر قیمت‌های دستوری موجب افزایش تقاضای داخلی و کاهش صادرات رسمی شود، تراز تجاری کشور در بخش فولاد (که یکی از محصولات صادراتی مهم ایران است) تحت تأثیر قرار می‌گیرد. دبیر انجمن تخصصی فولاد ذوب و ریخته‌گری خانه صمت یزد با اشاره به تشدید چالش‌های ساختاری به عنوان ششمین پیامد قیمت‌گذاری دستوری

چرخه تولید ایران در طول قرن‌های گذشته
چه مسیری را پیموده است؟

مسیر پر چالش توسعه صنعتی ایران

انقلاب‌های صنعتی و تحولات ناشی از آنها در ایران و تأثیراتی که بر توسعه صنایع کشور داشته قابل ارزیابی است. انقلاب صنعتی اول متقارن با فروپاشی صفویان به عنوان یکی از باثبات‌ترین دوره‌های حکومت پس از ورود اسلام به ایران بوده است. پس از آن، تحولات گسترده و تغییرات عظیمی در صحنه سیاست داخلی کشور اتفاق می‌افتد و اولین انقلاب صنعتی مقارن با دوره‌های افشاریان و زندیان و اوایل دوره قاجاریان است. در دوره افشاریان و زندیان به دلیل جنگ‌های داخلی و کشمکش با همسایگان در مرزها، هزینه‌های زیادی صرف کشورگشایی و تأمین ملزومات سپاه شده و احیای بنیه اقتصادی و توجه به بخش صنعت مورد غفلت قرار می‌گیرد، بنابراین فرصت همراهی با تحولات انقلاب صنعتی اول از بین می‌رود و حتی صنعت نساجی که در دوره صفویه گام‌های بلندی برای توسعه آن برداشته شده بود، در دوره افشاریه و زندیه پیشرفت خاصی را تجربه نمی‌کند. بسیاری از حاکمان این دوره حتی از تحولات صنعتی و فناوریانه که در بریتانیا و دیگر کشورهای غرب اروپا در جریان بود آگاهی نداشتند. در ابتدای دوره قاجار نیز آقامحمدخان به دلیل جنگ‌های داخلی، فرصتی برای تأثیرگذاری بر صنعت ایران پیدا نمی‌کند و جایگزین وی، فتحعلی‌شاه نیز در دو جنگ با روسیه شکست می‌خورد و غرامت‌های سنگینی نیز به دلیل شکست در این نبردها متحمل می‌شود که توان سرمایه‌گذاری و توجه به توسعه صنعتی را از ایران سلب می‌کند. طبق گزارشی که در این خصوص موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی منتشر کرده، تنها نقطه مثبت این دوره و شکست‌های متعدد ایران از روسیه آن بود که افرادی نظیر عباس میرزا متوجه شدند تحولات عظیمی در غرب در حال وقوع است و کوشیدند تا ایران را در مسیر توسعه صنعتی قرار دهند. اگرچه عباس میرزا و همفکران وی نیز عمدتاً بر صنایع نظامی و کسب آنها از اروپا تأکید می‌ورزیدند.

ایران و انقلاب صنعتی دوم

با شروع انقلاب صنعتی دوم که در ایران همزمان با حکومت ناصرالدین شاه است کشور از ثبات مناسبی برخوردار بوده و در مقاطعی توسعه صنعتی با جدیت از سوی افرادی نظیر میرزا تقی‌خان امیرکبیر دنبال می‌شود. در این دوره اهل فن به روسیه اعزام می‌شوند تا صنایع غربی را بیاموزند، از صنعت ملی حمایت می‌شود، استخراج معادن توسعه می‌یابد، دارالفنون تأسیس می‌شود و به دلیل سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا و علاقه وی به مظاهر تمدن، برخی صنایع نوین نظیر تلفن، نساجی، چای‌سازی و چاپخانه وارد ایران می‌شود اما این اقدامات، مقطعی و فاقد انسجام و برنامه راهبردی بوده، بنابراین برای صنعتی شدن کشور کافی نبودند. از سوی دیگر در این دوره با گسترش استعمار انگلیس و روسیه به کشورهای منطقه و ایران و به خصوص با اکتشاف نفت، تحولات صنعتی از اولویت حاکمان وقت خارج شد. از سوی دیگر وقوع جنگ جهانی اول به شدت بر ایران تأثیر منفی گذاشت و ایران مکانی برای رقابت طرفین درگیر در این منازعه شد، به گونه‌ای که مناطق وسیعی دچار قحطی شدند و نه‌تنها فرصت توسعه صنعتی از بین رفت، بلکه کشور توان خرید تجهیزات و دستگاه‌های پیشرفته را هم نداشت.



زیان تولیدکنندگان فولاد و افزایش بار مالی دولت

رضایی در ادامه تأثیر اختلاف قیمت فولاد ایران با قیمت‌های جهانی به رقابت‌پذیری پایین در بازارهای بین‌المللی و وابستگی به بازارهای پریسک اشاره کرد و گفت: قیمت جهانی فولاد در سال ۲۰۲۵ تحت تأثیر کاهش تقاضا در اروپا و رقابت شدید چین (با تولید ۵۵ درصد فولاد جهان) قرار دارد. وی افزود: در حالی که قیمت شمش فولاد چینی به ۲۰ دلار کاهش یافته، تولیدکنندگان ایرانی به دلیل تحریم‌ها و هزینه‌های بالای انرژی (مانند قطعی گاز و برق) نمی‌توانند با این قیمت‌ها رقابت کنند. همچنین صادرات فولاد ایران به کشورهایی مانند سوریه و غزه که درگیر بازسازی هستند، به دلیل نوسانات ژئوپلیتیک با عدم اطمینان همراه است.

بیکر ضعیف صنعت فولاد ایران

نایب‌رئیس کمیسیون معدن و صنایع معدنی خانه صمت ایران با اشاره به تأثیر کلان اختلاف قیمت فولاد در بازار داخلی و خارجی اضافه کرد: سرکوب قیمتی در زنجیره فولاد (مانند تعیین قیمت کنسانتره آهن ۱۳ درصد پایین‌تر از نرخ جهانی) باعث کاهش ۸۴ درصدی سرمایه‌گذاری در بخش معدن بین سال‌های ۹۵ تا ۹۷ شده است. این امر تأمین مواد اولیه برای تولید فولاد را با بحران مواجه کرده است. وی با اشاره به افزایش بار مالی دولت ادامه داد: دولت مجبور است با پرداخت یارانه‌های غیرمستقیم بخشی از زیان تولیدکنندگان را جبران کند اما این حمایت‌ها اغلب به صورت ناکارآمد توزیع شده و به رانت و فساد منجر می‌شود. رضایی در پاسخ به سوالی در خصوص راهکارهای جلوگیری از خسارات ناشی از اختلاف قیمت فولاد ایران و قیمت‌های جهانی بر لزوم آزادسازی تدریجی قیمت‌ها تأکید کرد و گفت: نخستین اقدام، آزادسازی تدریجی قیمت‌هاست تا قیمت‌های داخلی با مکانیسم عرضه و تقاضا هماهنگ شوند و مداخلات دستوری کاهش یابد. این اقدام نه‌تنها به اصلاح بازار کمک خواهد کرد، بلکه زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری بیشتر در صنعت فراهم می‌سازد. وی افزود: حمایت هدفمند از زنجیره تولید نیز باید در اولویت قرار گیرد. تخصیص یارانه‌ها به بخش‌های خاص مانند فناوری‌های سبز، می‌تواند رقابت‌پذیری صنعت فولاد را در سطح جهانی افزایش دهد. رضایی همچنین بر ضرورت «شفاف‌سازی نظام توزیع» تأکید کرد و گفت: برای مبارزه با قاچاق و کاهش فساد در تخصیص منابع، باید شفافیت در فرایند توزیع فولاد برقرار شود تا از بروز انحرافات در این حوزه جلوگیری شود.

وضعیت ایران در انقلاب صنعتی سوم و چهارم

انقلاب صنعتی سوم همزمان با دوره حکومت پهلوی بوده و در ادامه جمهوری اسلامی به وقوع می‌پیوندد. با افزایش درآمدهای نفتی در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی، فرصت سرمایه‌گذاری روی صنایع کشور ایجاد می‌شود و با خرید تجهیزات و فناوری‌ها و خطوط تولید، صنایع کشور در مقاطعی رشد قابل توجهی را تجربه می‌کنند. در این دوره سهم صنعت در اشتغال کشور به ۳۰ درصد و سهم آن از تولید ناخالص داخلی به ۱۸ درصد رسید. با این وجود به دلیل ساختار مصرفی و وابسته صنایع و تولید کمتر از ظرفیت، رشد صنعتی پایداری شکل نمی‌گیرد، بنابراین صنایع کشور فرصتی برای جذب و داخلی‌سازی فناوری‌های خریداری شده را به دست نمی‌آورند. با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و پس از آن تحریم ایران از سوی بسیاری از کشورهای پیشرو در صنعت و فناوری، فرصت توسعه صنعتی و همراهی با تحولات انقلاب صنعتی سوم نیز تا حدود زیادی از بین می‌رود. اگرچه در سال‌های گذشته توسعه برخی فناوری‌های نوظهور نظیر نانو فناوری و زیست فناوری در اولویت‌های کلان کشور قرار گرفتند و دستاوردهای ارزشمندی نیز در این حوزه‌ها حاصل شد اما به دلیل عدم تکمیل زنجیره تولید و توسعه محدود صنایع وابسته و پایین‌دست، این تحولات نیز منجر به پایداری در فرآیند صنعتی شدن کشور نشد. در همین راستا با بررسی هر یک از دوره‌های انقلاب صنعتی و تقارن آن با تحولات داخلی، می‌توان دید که در دوره‌هایی به دلیل عدم ثبات در شرایط سیاسی کشور و درگیری‌های داخلی و در برخی مقاطع به دلیل تحولات منطقه‌ای و جهانی، فرصت صنعتی شدن از بین رفته است.

در سال‌های اخیر که شرایط کشور از نظر نیروی توانمند انسانی و دسترسی به منابع مالی بهبود یافت، به دلیل تحریم‌های گسترده، شانس همپایی با تحولات انقلاب صنعتی چهارم کمرنگ شده است. نکته قابل توجه آن است که تحولات انقلاب‌های صنعتی اول و دوم در بازه طولانی‌تری به وقوع پیوست و پیچیدگی‌های کمتری داشت، بنابراین امکان همپایی و تقلید این فناوری‌ها وجود داشت اما انقلاب صنعتی چهارم مبتنی بر ترکیب و یکپارچه‌سازی فناوری‌های مختلف است و پیاده‌سازی آن مستلزم تغییرات گسترده نرم در

سازمان‌ها و صنایع و همکاری فناورانه بین شرکت‌ها و کشورهای دارای فناوری است. بنابراین در شرایطی که روش‌های انتقال فناوری، یادگیری و همکاری مشترک محدود باشد، امکان همراهی با سرعت زیاد تحولات بسیار دشوار خواهد بود. همانطور که توسعه دیرنگام زیرساخت‌هایی نظیر شبکه حمل و نقل و صنایع سنگین باعث تاخیر در فرآیند صنعتی شدن کشور در سالیان گذشته شد، عدم توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای انقلاب صنعتی چهارم نظیر شبکه اینترنت نسل چهارم و پنجم، تولید انعطاف‌پذیر، هوش مصنوعی و نیروی انسانی توانمند موجب عقب‌ماندگی از تحولات انقلاب صنعتی چهارم خواهد شد. در همین رابطه مطالعات و گزارش‌های بین‌المللی، ۲۵ کشور را به عنوان پیشروهای انقلاب صنعتی چهارم شناسایی کرده‌اند که برخی از این کشورها پرچمدار یکی از حوزه‌های نوین انقلاب صنعتی چهارم هستند. به عنوان مثال کشور چین و شرکت هواوی در توسعه اینترنت نسل پنجم، آلمان در زمینه اتوماسیون صنعتی و کارخانه‌های هوشمند و ایالات متحده در حوزه هوش مصنوعی و کلان‌داده‌ها به عنوان پیشرو شناخته می‌شوند. در عین حال به واسطه قراردادهای همکاری مشترک علمی، صنعتی و تجاری امکان تبادل یافته‌ها و تجربیات بین کشورهای مختلف وجود دارد. این داد و ستد معمولاً بین کشورهای صاحب فناوری و توسعه یافته انجام می‌شود که باعث هم‌افزایی دانش و فناوری می‌گردد و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از این مزیت محروم هستند. علاوه بر این، ایران به واسطه تحریم‌ها محدودیت‌های بیشتری را تجربه می‌کند و تقریباً تمامی کانال‌های انتقال و یادگیری فناوری (شامل اقتباس به واسطه مشاهده صنایع نسل چهارم غربی، واردات تجهیزات و دانش فنی، ارتباطات علمی و فناورانه با کشورهای پیشرو) مسدود شده‌اند. از این رو پیشنهاد می‌شود که مرکزی برای رصد تحولات انقلاب صنعتی چهارم در وزارت صنعت، معدن و تجارت شکل بگیرد تا ضمن بررسی مهم‌ترین تحولات، زیرساخت‌ها و پیش‌نیازهای مورد نیاز برای صنایع کشور برای پیاده‌سازی تحولات انقلاب صنعتی چهارم تقویت شود. با همکاری کشورهای نظیر چین، کره جنوبی و ژاپن که از سویی در این حوزه پیشرو هستند و از سوی دیگر روابط سیاسی و اقتصادی بهتری با ایران دارند، می‌توان اینترنت نسل پنجم و سایر زیرساخت‌های انقلاب صنعتی چهارم را توسعه داد.





در هم تنیدگی مزد و تولید صنعتی

که باید معیشت کارگران را در نظر بگیرند تا شرایط آنها بهبود بیشتری پیدا کند. ناصر بیکی در گفت‌وگو با اتاق ایران آنلاین افزود: گرچه کارفرمایان هم در فشار هستند اما وضعیت تورم به حدی خراب بوده که فکر نمی‌کنم اگر مانند سال گذشته دستمزد کمتر از نرخ تورم افزایش پیدا کند، کفاف زندگی کارگران را بدهد. بیکی با تاکید بر اینکه تورم اصلی‌ترین عامل اثرگذار بر دستمزد و معیشت کارگران است، اظهار کرد: نظر دولت در مورد میزان افزایش دستمزد سال ۱۴۰۴ کارگران مشخص نیست اما حداقل باید ۳۰ تا ۳۵ درصدی به دستمزد اضافه شود تا فقط قادر باشد هزینه تحمیل‌شده از ناحیه تورم را جبران کند. رئیس اتاق اراک گفت: تصور من این است که با افزایش زیر ۳۰ درصد دستمزد هیچ انگیزه‌ای برای کارگران باقی نمی‌ماند چراکه اصل زندگی، تامین معیشت کارگر است و ما بخواهیم یا نه این موضوع در گرو تورم و گرانی‌هاست. بیکی افزود: زندگی کارگران با تورم گره خورده است و بدون محاسبه دقیق مباحث اثرگذار بر معیشت کارگران نمی‌توان دستمزد تعیین کرد. بهبود رفاه اجتماعی، فرهنگی و زندگی روزمره کارگران باعث افزایش انگیزه بیشتر می‌شود و این موضوع بر فعالیت کاری آنها نیز اثرگذار خواهد بود.

این فعال اقتصادی با اشاره به حساسیت‌های تعیین دستمزد برای بنگاه‌های کوچک گفت: در این مورد، بزرگ‌ترین مانع ترمیم و افزایش دستمزدها، قیمت‌های دستوری است که باعث می‌شود بنگاه کوچک نتواند کالا و خدمات خود را به قیمت واقعی و رقابتی تولید کند و بفروشد؛ از این رو، وقتی هزینه فایده کالا و خدمات تولیدی این بنگاه‌ها با قیمت‌های دستوری درگیر است، نمی‌تواند با افزایش دستمزدها، حاشیه سود معقول خود را تنظیم کند.

بیکی تاکید کرد: بهترین راه این است که دولت دست از قیمت‌گذاری دستوری در بازار بردارد و اجازه دهد تولیدکنندگان در رقابت آزاد و در رابطه تولید و عرضه و تقاضا فعالیت کنند؛ در این وضعیت، هزینه‌های کارگری به قیمت تمام‌شده اضافه می‌شود و قیمت‌ها براساس همه توابع بازار تنظیم خواهد شد.

«درحالی که در گوشه و کنار محافل کارشناسی و رسانه‌ای بحث تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال آینده بر سر زبان‌ها افتاده است، ارزش حداقل دستمزد سال جاری در این روزها به کمتر از ۸۵ دلار افت کرده است؛ رکوردی که رتبه ایران را به ۵ کشور انتهایی فهرست دستمزد در جهان تنزل می‌دهد. اگر از این رتبه بگذریم و علمی‌تر به این بحث نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که قدرت خرید دلاری دستمزد در ایران از سال ۱۳۸۹ و از اوج ۲۸۶ دلار به ۸۵ دلار سقوط کرده است. اگر همچنان از این مقایسه هم چشم‌پوشی کنیم، بی‌تردید هم‌اینک، قدرت خرید حداقل دستمزد کفاف هزینه‌های یک زندگی معمولی را نمی‌دهد و اختلاف فاحشی با وضعیت مطلوب پیدا کرده است. از منظر صنعت، این وضعیت به معنی اضمحلال یکی از ارکان اصلی تولید به‌شمار می‌رود؛ به این معنی که کارگر با این دستمزدها نمی‌تواند زندگی خود را اداره کند و در نتیجه کار کردن برای او به‌صرفه نیست و ترجیح می‌دهد به‌جای «شاغل فقیر»، «بیکار فقیر» باشد تا دست‌کم از موهبت زمان‌های آزاد بهره‌برد و این زمان را به زندگی شخصی و خانوادگی خود اختصاص دهد. در چنین شرایطی است که صاحبان حرف و مشاغل، تولیدکنندگان و صنعتگران، درحالی که وضعیت اقتصاد آنان نیز بغرنج شده است، بر افزایش قدرت خرید نیروی کار تاکید دارند. چه آنکه نبود نیروی کار، از دو مسیر به آنان آسیب می‌رساند، از سویی، یکی از ارکان اصلی تولید را از دست می‌دهند و از سوی، تقاضایی برای کالاهای تولیدی آنها وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، نیروی کار از سویی ضامن تداوم تولید و از سوی دیگر، متقاضی بالقوه تولیدات داخل کشور به‌شمار می‌رود.

لزوم تامین معیشت کارگران

در همین چارچوب، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اراک گفت: با این وضعیت تورم و گرانی، کارگران شرایط خوبی ندارند و معیشت آنها به‌خصوص در سال جاری و سال گذشته نامساعد بوده است؛ از این رو طبیعی است

لزوم حفظ قدرت خرید کارگران

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی شهرکرد نیز در این رابطه اظهار کرد: تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ باید براساس هزینه‌های معیشت، نرخ تورم، وضعیت اقتصادی، سطح بیکاری، عدالت اجتماعی و تجربه‌های جهانی باشد.

شهرام زارع افزود: با توجه به تغییرات نرخ تورم، دستمزدها باید به‌طور منظم اصلاح شوند تا قدرت خرید کارگران حفظ شود چراکه ماندگاری نیروی انسانی در بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی نیز به این مساله بستگی دارد.

او با اشاره به اینکه دستمزد نیروی کار بخشی از هزینه‌های تولید محسوب می‌شود، تصریح کرد: با توجه به شرایط اقتصادی، تورم و بالا بودن سایر هزینه‌های تولید، هزینه دستمزد نیروی کار در قیمت تمام‌شده محصول، چشمگیر نیست. زارع با تاکید بر لزوم توجه به برخی ملاحظات در تعیین دستمزد، ادامه داد: توانایی شرکت‌های کوچک در پرداخت دستمزد باید مدنظر قرار گیرد. در شرایط اقتصادی بحرانی یا رکود، عدم افزایش متناسب دستمزد می‌تواند بر اشتغال تأثیر منفی بگذارد. رئیس اتاق شهرکرد گفت: امروز دستمزد کارگر فنی، ساده و نیروی اداری یکسان تعیین می‌شود و همین مساله باعث شده تا کارگران تمایلی به انجام کار یدی نداشته باشند و ترجیح بدهند در مشاغل اداری مشغول شوند؛ در حالی که اگر پایه حقوق کارگر ساده و فنی بیشتر از کارمند اداری باشد، نیروی کار به‌سمت کسب مهارت می‌رود و مشکل تأمین نیروی انسانی در واحدهای تولیدی نیز کمتر خواهد شد.

زارع ادامه داد: همواره عنوان می‌شود دستمزد نیروی کار باید براساس تورم افزایش پیدا کند اما با توجه به تورم بالای کشور این مساله تحقق پیدا نمی‌کند و در نهایت نیروی کار نیز انگیزه برای کار ندارد و به‌سمت مشاغل مانند تاکسی‌های اینترنتی، مشاغل کاذب و ... می‌روند. نتیجه این چرخه این است که واحدهای تولید با چالش تأمین نیرو مواجه می‌شوند.

او با بیان اینکه دولت یکی از شرکای اجتماعی است و نقش پر قدرتی در ماجرای تعیین دستمزد دارد، اظهار کرد: اگر دولت بتواند از طریق کاهش مالیات، هزینه‌های انرژی، هزینه‌های واردات مواد اولیه و ... کارفرما را در کاهش هزینه‌های تولید یاری کند، قطعاً کارفرما نیز توان پرداخت حداقل دستمزد بالاتری را خواهد داشت. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی شهرکرد تاکید کرد: تعادل میان همه عوامل دخیل در تعیین حداقل دستمزد موجب می‌شود تا هم از حقوق کارگران دفاع و هم از سلامت اقتصاد و بازار کار حمایت شود.

لزوم افزایش حداقل دستمزد

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نیز به‌تازگی ضمن بررسی تأثیر حداقل دستمزد اسمی و حقیقی بر اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی در ایران در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ به سیاستگذاران توصیه کرد حداقل دستمزد حقیقی را افزایش دهند.

نتایج بررسی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارش «تأثیر حداقل دستمزد اسمی و حقیقی بر اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی در ایران» حاکی از آن است که حداقل دستمزد اسمی و حقیقی تأثیر مثبت و معناداری بر اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی ایران در این دوره داشته‌اند. در پایان این گزارش پژوهشی پیشنهاد شده است سیاستگذار بازار کار کشور، ضمن در نظر گرفتن سایر متغیرهای اقتصادی، سیاست افزایش حداقل دستمزد حقیقی را اتخاذ کند و دغدغه کاهش اشتغال در اثر افزایش حداقل دستمزد اسمی و حقیقی را نداشته باشد تا از این طریق بهبود قدرت خرید نیروی کار ایرانی، افزایش اشتغال و مشارکت‌جویی نیروی کار محقق شود. در سال‌های اخیر سیاستگذاران بازار کار ایران، سیاست کاهش حداقل دستمزد حقیقی را در پیش گرفته‌اند. آنها به استناد نظریه متعارف و متقدم علم اقتصاد یکی از دلایل این تصمیم خود را جلوگیری از کاهش اشتغال ذکر کرده‌اند. پیامد این سیاست، کاهش قدرت خرید نیروی کار ایرانی، عدم افزایش قابل توجه میزان اشتغال و کاهش نرخ مشارکت اقتصادی بوده است.

افت ارزش دستمزد به ۸۵ دلار

به گزارش «کارآفرین»، ارزش دلاری حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۳ در روز تعیین آن، حدود ۱۲۰ دلار بوده است اما در این روزها که شاهد جهش‌های چندباره نرخ دلار هستیم و این شاخص در کانال ۸۴ هزار تومان قرار دارد، ارزش دلاری حداقل دستمزد به کمتر از ۸۵ دلار سقوط کرده است. بنابر برخی پیش‌بینی‌ها، نرخ هر دلار آمریکا تا پایان سال به ۹۵ هزار تومان نیز بالغ خواهد شد، در آن صورت، ارزش دلاری حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳ به حدود ۷۵ دلار - به کمترین میزان خود طی یک ربع قرن اخیر - خواهد رسید.

مطابق بررسی‌های آماری یک سایت اقتصادی «با در نظر گرفتن میانگین نرخ دلار در هر سال، ارزش دلاری حقوق پایه کارگران از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۸۹ افزایشی بوده و از ۵۴ دلار در سال ۱۳۶۱ به ۲۸۶ دلار در سال ۱۳۸۹ رسیده است. اما پس از آن به شدت کاهش یافت و در سال ۱۴۰۲ به ۸۷ دلار رسید که پس از سال ۱۳۹۹ پایین‌ترین سطح حداقل دستمزد دلاری در ۲۲ سال گذشته بوده است.» بر این اساس، می‌توان گفت که به احتمال بسیار زیاد، در پایان سال جاری، افت ارزش دلاری دستمزد، رکود تازه‌ای را ثبت خواهد کرد و به کمترین میزان خود طی ۲۶ سال اخیر خواهد رسید.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۸ ارزش دلاری حداقل دستمزد در حدود یا کمتر از ۵۰ دلار در ماه بوده است اما از سال ۱۳۷۸ طی یک دوره ۱۰ ساله به ۳۰۰ دلار در هر ماه افزایش می‌یابد. از آن پس اما روند نزولی در پیش می‌گیرد و صرفاً در سال‌های اجرای «برجام» و توقف موقت تحریم‌ها، ارزش دلاری دستمزد به حدود ۲۵۰ دلار در ماه بالغ می‌شود. از سال ۱۳۹۶ نیز بار دیگر روند نزولی این شاخص شروع می‌شود و همچنان ادامه دارد.

حداقل دستمزد کارگران در حالی برای سال جاری ۳۵ درصد افزایش یافته که به گفته مقام‌های بانک مرکزی، میزان تورم سال جاری تا مهرماه به ۳۸ درصد بالغ شده است. از این‌رو، به وضوح پیداست که افزایش قدرت خرید ۳۵ درصدی دستمزد اسمی حداقل‌بگیران، در نیمه اول سال به نقطه صفر رسیده و در مهرماه نیز منفی ۳ درصد رشد کرده است. البته میزان عقب‌ماندگی دستمزد کارگران از نرخ تورم محدود به همین ۳ درصد نیست و نخواهد ماند. بخشی از کاهش قدرت خرید دستمزد اسمی حداقل‌بگیران طی پنج‌ماهه آخر سال ۱۴۰۳ رخ داده و خواهد داد و البته بخش بزرگ‌تر و مهم‌تر آن در دهه‌های گذشته و به‌ویژه از ابتدای دهه ۹۰ صورت گرفته است.

کاهش بهره‌وری کارکنان

افت ارزش واقعی دستمزد صرفاً معیشت کارگران و کارمندان را تهدید نمی‌کند، بلکه مشکلات بزرگ‌تری را برای بنگاه‌های اقتصادی دولتی و غیردولتی و در نهایت برای کل جامعه ایجاد می‌کند. بی‌گمان، کاهش قدرت خرید کارگران و کارمندان از سویی سلامت جسمی آنان و خانواده‌هایشان را در معرض تهدید قرار می‌دهد و از همین‌رو، هزینه‌های درمانی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، منجر به کاهش تقاضا و خرید آنها شده و در نتیجه، از این منظر به تولید و صنعت کشور آسیب می‌رساند. از این‌رو، حفظ قدرت خرید کارگران و کارمندان همواره باید مورد توجه بنگاه‌ها و دولت‌ها قرار گیرد. اساساً جامعه‌ای که از نظر اقتصادی ناتوان است، محیط مناسبی برای رشد اقتصاد و رشد بنگاه‌های اقتصادی به‌شمار نمی‌رود. بررسی‌های بازوی پژوهشی مجلس نشان می‌دهد، استمرار سیاست اختلاف قابل توجه بین افزایش حقوق سنواری کارکنان و بازنشستگان و نرخ تورم، می‌تواند به کاهش بهره‌وری کارکنان و نظام اداری و عدم تعادل دستمزد در بخش عمومی و بخش خصوصی منجر شود. باین‌حال، با توجه به سهم ۴۴ درصدی حقوق و مزایای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر شاغل و بازنشسته از مجموع هزینه‌های عمومی دولت، افزایش بیشتر حقوق و مزایای کارکنان دولت آن‌هم بدون منابع پایدار و با وجود کسری بودجه ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومانی می‌تواند به تعمیق کسری بودجه و شعله‌ورتر شدن تورم بینجامد.



لباس تنگ ارز و انرژی برای پوشاک

اما با پیگیری‌های تشکلی‌های بخش خصوصی از جمله انجمن صنایع نساجی ایران و با رای هیات عمومی دیوانعالی لغو شد. در قبوض برق صادره انواع و اقسام هزینه‌های مازاد بر نرخ برق از جمله حق ترانزیت و سوخت نیروگاهی و ... درج می‌شود و نکته جالب اینجاست در حالی که مأموران اداره برق برای وصول مطالبات اینچنینی بسیار پیگیر و با برنامه عمل می‌کنند، در خصوص قطعی‌های مکرر برق و خسارات وارده و عدم‌النفع‌های آن و اجرای ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار منفعّل عمل می‌کنند. آنگونه که تسنیم گزارش کرده است، طبق ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، قطع برق و آب و گاز واحدهای تولیدی در اولویت آخر است و در صورت قطعی، دولت باید جبران خسارات ناشی از قطعی حامل‌های انرژی و نیز عدم‌النفع‌های ناشی از این قطعی را بکند. البته فراموش نکنیم که موضوع کسری ارز و سهمیه‌بندی آن که از سال گذشته با صدور دستورالعمل‌های ارزی در دستور کار وزارت صمت قرار گرفته بود، یکی از مشکلات واحدهای تولیدی در سال جاری است؛ دستورالعملی که برخلاف قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و آیین‌نامه‌های اجرایی ماده ۲۴ و ۳۰ به مشورت بخش خصوصی گذاشته نشده بود و عملاً اجرای آن توسط دستیار ویژه وزیر در طول دو سال اخیر ثبت سفارشات و تخصیص ارزهای واحدهای تولیدی و صنعتی را با چالش مواجه کرده بود. همزمانی این قطعی‌های مکرر حامل‌های انرژی و عدم امکان ثبت سفارشات و تخصیص و تامین ارزها و سیاست‌های انقباضی بانک‌ها در ارائه تسهیلات و تامین نقدینگی واحدها سبب شد تا تولید و صنعت نساجی حال خوبی نداشته باشد و روزهای خوبی را تجربه نکند.

بررسی روند صنعت نساجی و پوشاک طی سه دهه اخیر حاکی از روند نزولی این صنعت در ایران است. موانع تولید و فضای نامناسب کسب‌وکار به همراه واردات و قاچاق پوشاک به کشور منجر به تضعیف روزافزون این صنعت شده است. در عین حال، در سال جاری، صنعت نساجی مانند سایر صنایع از نظر ناترازی‌های انرژی دچار آسیب و خسارت شده است. همزمان شیوه تخصیص ارز به این صنعت و زیرمجموعه‌های آن مشکلات را برای فعالان آن دوچندان کرده است. در واقع، طی ۹ ماهه نخست سال جاری، از دو کانال ناترازی‌ها و شیوه تخصیص ارز، بیش از سایر عوامل، تحت فشار بوده و آسیب دیده است. همزمان با قطعی‌های مکرر حامل‌های انرژی و عدم امکان ثبت سفارشات، تخصیص و تامین ارزها و سیاست‌های انقباضی بانک‌ها در ارائه تسهیلات و تامین نقدینگی واحدها سبب شد تا تولید و صنعت نساجی حال خوبی نداشته باشد و روزهای خوبی را تجربه نکند.

قطعی‌های مکرر برق که از ابتدای سال جاری گریبانگیر صنایع و واحدهای تولیدی شده در اواخر پاییز و با سرد شدن هوا تشدید شده است، علاوه بر این قطعی گاز نیز به دلیل افت فشار و افزایش مصرف به آن اضافه شده و عملاً تولید و صنعت کشور را با چالش جدی مواجه کرده است؛ قطعی‌هایی که در برخی استان‌ها تا سه روز در هفته و بیشتر نیز ادامه داشت و عملاً واحدهای تولیدی را با مشکلات غیرقابل برنامه‌ریزی مواجه ساخت. این در حالی بود که از مهرماه وزارت نیرو قبوض اصلاحی برق واحدها را با تعرفه افزایشی و نرخ‌های جدید برق عطف به‌ماسبق و تحت عناوین مختلف اقدام به مطالبه و جوجه‌هنگفت از واحدها کرده است؛ موضوعی که در سال گذشته نیز عیناً تکرار شده بود

۱۰ درصد ارزش افزوده به راحتی در بازار وجود دارد و فقط تولید کنندگان رسمی و شفاف مورد مواخذه و تنبیه قرار می گیرند و فرار مالیاتی موجب عرضه جنس غیرقانونی و ارزان تر در بازار می شود که مورد مطالبه و پیگیری دولت نیز نیست، عملاً حمایتی از تولید صورت نگرفته است. به نظر می رسد دولت باید اقدام عاجل در مدیریت منابع ارزی و مبارزه با قاچاق و مدیریت کارشناسی واردات و تکنرخی کردن ارز داشته باشد تا در کنار اصلاح نظام تعرفه های گمرکی و نظارت بر مبادی وارداتی حمایت جدی تری از تولید داخل صورت گیرد.

نساجی در دهه گذشته

به گزارش «کارآفرین»، بررسی روند ۳۰ سال گذشته صنعت نساجی نشان می دهد، سهم این صنعت از کل صنعت کشور از ۱۴/۷ درصد به ۲/۵ درصد و سهم صنعت پوشاک از ۵/۶ درصد به ۰/۹ درصد کاهش یافته است. این آمار نشان دهنده روند نزولی و کوچک شدن این صنایع در اقتصاد کشور است. طبق اطلاعات منتشر شده از سند صنعت نساجی و پوشاک که به تازگی رونمایی شد، در صنعت پوشاک، ۸۰ درصد ارزش افزوده توسط بنگاه های خرد (زیر ۱۰ نفر) ایجاد می شود، در حالی که در صنعت نساجی، ۶۰ درصد ارزش افزوده متعلق به بنگاه های بالای ۱۰ نفر است. این تفاوت ساختاری نشان می دهد که صنعت نساجی نسبت به صنعت پوشاک سازمان یافته تر عمل کرده است اما همچنان با چالش هایی مواجه است. در این حال، سهم صنعت نساجی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور از ۰/۲ درصد به ۰/۰۵ درصد و سهم صنعت پوشاک از ۱/۲ درصد به ۰/۲ درصد کاهش یافته است. در مقایسه، در کشورهایی مانند بنگلادش، سهم پوشاک از صادرات بالای ۵۰ درصد (۵۷ درصد در سال های اخیر) و در ترکیه حدود ۱۵ درصد است. میانگین سرانه مصرف پوشاک در ایران نیز طی ۱۵ سال گذشته حدود ۱۰۰ دلار برآورد شده است، در حالی که این رقم برای متوسط جهانی در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۲۶ دلار بوده است. در بازارهایی مانند اروپا و اقیانوسیه، این رقم به بیش از ۵۰۰ دلار می رسد. سهم هزینه پوشاک در سبد خانوار ایرانی نیز از ۴ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۳/۲ درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است.

ساختار بازار و چالش های تولید

براساس سند صنعت نساجی و پوشاک، تحلیل دهک های درآمدی نشان می دهد: دهک های اول تا چهارم (فقرترین گروه ها) حدود ۲۰ درصد مصرف

و روزهای خوبی را تجربه نکنند. کمبود منابع ارزی و شرایط ویژه فعلی ناشی از تحریم ها و مشکلات نقل و انتقال پول عملاً کشور را در شرایط خاصی قرار داده است و نیازمند مدیریت بیش از پیش منابع ارزی هستیم. به همین دلیل انجمن صنایع نساجی ایران از دولت درخواست کرد که حداقل در زنجیره ارزش صنایع نساجی توجه ویژه ای به مدیریت منابع درآمد هزینه ارز داشته باشد و پیشنهادهایی را برای تسهیل در رفع تعهد ارزی و در نتیجه افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات این صنعت اعمال کند و در بخش هزینه های هم با اولویت بندی در زنجیره ارزش از حلقه های ابتدایی به سمت انتهای زنجیره منابع را مدیریت و اولویت ماشین آلات و مواد اولیه خام پایه از گرانول و الیاف به سمت محصول نهایی پوشاک و پارچه لحاظ کند و از ایجاد رانت و سوءاستفاده های بی مورد در تخصیص ارز نیما جلوگیری نماید اما متأسفانه دولت در این خصوص موفق نبوده است. بررسی آمار واردات و صادرات صنایع نساجی در ۹ ماهه اول امسال در مقایسه با دوره مشابه در سال قبل حاکی از این است که نه تنها مدیریتی بر منابع ارزی صورت نگرفته که حتی ۲۰ درصد بیشتر از سال گذشته ارز نیمای برای واردات پارچه تخصیص یافته است و از آنجا که پارچه جزو کالاهای واسطه ای انتهای زنجیره ارزش است، با دریافت سوپسید ناشی از اختلاف نرخ ارز نیمایی و آزاد عملاً به محل رانت برای یکسری از شرکت های غیرتولیدی و تجار غیرمولد تبدیل شده است. این در حالی است که قطعی های مکرر برق عملاً منجر به کاهش تولید داخل و افزایش قیمت تمام شده واحدها شده اند و رکود حاکم بر بازار نیز مزید بر علت شده تا حال تولید کنندگان چندان مساعد نباشد که البته مشکلات اقتصادی مردم و کوچک شدن سبد خانوار و کمبود نقدینگی و سیاست های انقباضی بانک ها و تغییرات دولت هم در آن بی تاثیر نبود و در این شرایط توقع بخش خصوصی و تولید کنندگان از دولت این بود که مدیریت کارشناسانه تری بر واردات داشته باشد. کاهش ۲۰ درصدی الیاف به عنوان مواد اولیه مورد نیاز صنعت و کاهش میزان ارز تخصیصی برای واردات ماشین آلات در مقابل، افزایش ۲۰ درصدی تخصیص ارز برای واردات پارچه، عملاً تولید کنندگان زنجیره را به چالش کشانده است. عدم جدیت دولت در برخورد با قاچاق منسوجات و پوشاک، عدم نظارت بر واردات بی رویه و غیرکنترلی از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، پیلهوری و بازارچه مرزی و ته لنجی از دیگر مواردی است که باید توسط دولت برنامه ریزی و مدیریت شود تا امکان تداوم تولید و فعالیت واحدهای تولید داخل فراهم شود. بدون تردید تا زمانی که کالای خارجی مشابه بدون فاکتور رسمی و بدون پرداخت



تولید کنندگانی مانند بنگلادش است که با نیروی کار ارزان رقابت می کنند. محصولات مد روز با تقاضای متغیر: تولید کنندگان این دسته به شبکه های لجستیک قوی و انعطاف پذیری بالا نیاز دارند.

محصولات لوکس با تقاضای پایدار: این بخش سهم کمتر از ۵ درصد بازار جهانی را دارد اما ارزش افزوده بالایی ایجاد می کند.

بازار پوشاک جهانی در سال ۲۰۲۳ ارزشی معادل ۷۴۰ میلیارد دلار داشته و پیش بینی می شود این رقم تا سال ۲۰۲۸ به ۲ هزار میلیارد دلار برسد. این رشد، معادل رشد سالانه حدود ۴ درصد است. سرانه مصرف پوشاک در دنیا نیز روندی افزایشی داشته و انتظار می رود تا سال ۲۰۲۸ به ۲۵۰ دلار برسد. حدود ۹۵ درصد از بازار جهانی پوشاک در حوزه محصولات غیر لوکس متمرکز است. پنج کشور اصلی آمریکا، چین، انگلستان، آلمان و فرانسه حدود ۵۰ درصد از کل بازار پوشاک دنیا را در اختیار دارند. از منظر جغرافیایی، سه بازار اصلی پوشاک شامل آمریکای شمالی، اروپا و آسیای شرقی هستند که بیشترین تمرکز تولید و مصرف در این مناطق صورت می گیرد. تعداد قطعات نساجی تولیدی در دنیا نیز از ۱۷۹ میلیارد قطعه در سال ۲۰۲۳ پیش بینی می شود به ۱۹۶ میلیارد قطعه در سال ۲۰۲۸ افزایش یابد. این افزایش همزمان با بالا رفتن متوسط هزینه تولید هر قطعه از ۸/۷ دلار به حدود ۱۸/۱۹ دلار خواهد بود.

تحولات زنجیره تامین جهانی

در این حال، یکی از تغییرات مهم در بازار جهانی، کوتاه شدن طول زنجیره های تامین و تمرکز بر تولید در کشورهای نزدیک تر به بازارهای مصرف است. این روند به ویژه در اروپا و آمریکا دیده می شود، جایی که کشورهای منطقه ای مانند ترکیه، لهستان و هند سهم بیشتری از بازار را به دست آورده اند. اصطلاحاتی نظیر تامین دوستانه (Friend-shoring) در آمریکا و «تجارت چند جانبه مطمئن» در اروپا برای توصیف این تغییرات به کار می روند. جنگ اوکراین و بحران کرونا نقش قابل توجهی در تسریع این روند داشته اند. در این میان، کشورهایی مانند بنگلادش، ترکیه و چین همچنان از بازیگران اصلی صنعت نساجی و پوشاک هستند. بنگلادش به دلیل مقیاس بالای تولید در بازار محصولات استاندارد و ترکیه به علت نزدیکی به اروپا و توانمندی در تولید محصولات خاص و لوکس، جایگاه خود را حفظ کرده اند.

بازار پوشاک را تشکیل می دهند. دهک های میانی حدود ۳۵ درصد مصرف را به خود اختصاص داده اند. دهک های نهم و دهم (ثروتمندترین گروه ها) ۴۵ درصد بازار را در اختیار دارند. این توزیع نابرابر نشان دهنده فشار اقتصادی بر دهک های پایین و تمایل به استفاده از پوشاک ارزان یا دست دوم است. ممنوعیت واردات پوشاک چالش اول است. این محدودیت ها باعث ایجاد بازار سیاه و افزایش قاچاق شده است؛ به طوری که حدود ۳۰ درصد بازار داخلی از طریق محصولات قاچاق تامین می شود. ارزش سالانه قاچاق پوشاک حدود ۲/۵ میلیارد دلار برآورد شده است. این وضعیت ضربه جدی به تولید کنندگان داخلی وارد کرده زیرا قاچاق پوشاک با قیمت های پایین تر از تولیدات داخلی عرضه می شود.

محصولات قاچاق عمدتاً از کشورهای چین، ترکیه و کشورهای همسایه وارد می شوند. این پوشاک اغلب بدون پرداخت حقوق گمرکی و مالیات وارد کشور شده و در بازارهای رسمی و غیررسمی به فروش می رسند. توزیع محصولات قاچاق از طریق شبکه های گسترده و با استفاده از کانال های آنلاین نیز افزایش یافته است. این موضوع نه تنها به تولید کنندگان داخلی آسیب می زند بلکه باعث کاهش اعتماد به برندهای داخلی و کاهش تمایل به سرمایه گذاری در این صنعت شده است.

چالش بعدی کمبود نیروی کار ماهر است. این مساله به کاهش کیفیت تولیدات داخلی انجامیده است.

فناوری فرسوده چالش سوم است. بسیاری از واحدهای نساجی به روز نشده اند و نیازمند سرمایه گذاری جدی در این زمینه هستند. مقیاس کوچک تولید معضل بعدی است؛ تولید کنندگان داخلی به دلیل حجم کم تولید نمی توانند با بخش تامین مواد اولیه ارتباط موثری برقرار کنند که این موضوع به افزایش هزینه ها منجر می شود.

کاهش ۸۰ درصدی صادرات

سند صنعت نساجی و پوشاک حاکی است، صادرات پوشاک ایران به حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار در سال های اخیر کاهش یافته است. ۹۰ درصد این صادرات به چهار کشور افغانستان، آذربایجان، امارات و ترکمنستان انجام می شود. این محدودیت جغرافیایی نشان دهنده عدم تنوع بازارهای صادراتی است. در سطح جهانی، سه نوع تامین کننده پوشاک وجود دارد. محصولات استاندارد با تقاضای قابل پیش بینی: این گروه شامل





«کارآفرین» براساس گزارش فایننشال تایمز بررسی می کند

۳۰ روز اول دولت ترامپ

دولت منکر این است که او مدیر این سازمان باشد اما اقدامات ایلان ماسک منجر به اخراج بیش از ۱۰ هزار کارمند فدرال شده است. برخی دیگر از دستورات اجرایی ترامپ نیز درگیر مراحل قضایی هستند، مانند چالش علیه حق شهروندی تولد که در قانون اساسی آمریکا تضمین شده است. دستوراتی هم وجود دارد که تاثیر ملموسی نداشته و به نظر می رسد بیشتر برای انتقال دیدگاه های ترامپ یا ارسال پیام به حامیان او صادر شده است، مانند دستوری درباره بازگرداندن آزادی بیان که در آن ترامپ دولت جو بایدن را به سانسور متهم کرده است.

تورم سرسخت

یکی از وعده های کلیدی ترامپ در کمپین انتخاباتی، کاهش هزینه های زندگی بود. اگرچه هنوز زود است که تاثیر تعرفه های جدید رئیس جمهوری آمریکا را تنها پس از یک ماه ارزیابی کنیم اما واضح است که تورم در آمریکا همچنان بالاست، به طوری که در ماه ژانویه، شاخص قیمت مصرف کننده ۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته که بسیار بالاتر از هدف ۲ درصدی فدرال رزرو است. تورم داخلی تا حدی به خاطر افزایش قیمت تخم مرغ به واسطه شیوع

گروه بین الملل - ۳۰ روز اول دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ در کاخ سفید، پر از دستورات اجرایی، دعاوی قضایی و جنجال های متعدد بوده، به طوری که از زمان تحلیف در ۲۰ ژانویه، ترامپ سیاست های متعددی را با سرعت بالا اجرا کرده است، از جمله اعمال تعرفه های جدید علیه چین و متحدان آمریکا، آغاز مذاکرات با رئیس جمهوری روسیه برای پایان دادن به جنگ اوکراین و درخواست پایان جنگ در غزه. تلاش های شگفت آوری نیز از سوی ترامپ برای کاهش بودجه فدرال و اخراج هزاران کارمند دولتی صورت گرفته است.

سیل دستورات اجرایی

ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود رکورددار صدور دستورات اجرایی بود و اکنون تنها پس از یک ماه انتخاب دوباره اش، از مجموع دستورات اجرایی روسای جمهور قبلی در دو دوره نیز پیشی گرفته است، به طوری که او در ۳۰ روز گذشته ۷۳ دستور اجرایی صادر کرده است. این دستورات طیف وسیعی از بخش ها و سیاست ها را پوشش می دهند. برخی از آنها تاثیرات عمیقی داشته اند، مانند تاسیس وزارت کارایی دولت (Doge) که به طور غیررسمی توسط ایلان ماسک اداره می شود. در این میان اگرچه

علیه دموکراسی

جایاتی گوش، اقتصاددان هندی و استاد دانشگاه ماساچوست اخیرا در مقاله‌ای که همزمان شده با سفر ناندرا مودی، نخست‌وزیر هند به ایالات متحده نوشته است: کنترل بر داده‌های رسمی در قلب پروژه‌های اقتدارگرایانه قرار دارد و باعث تغییرات اساسی در نحوه دسترسی و استفاده از اطلاعات عمومی می‌شود. این موضوع در هیچ جایی به اندازه هند مشهود نیست؛ جایی که دولت نخست‌وزیر ناندرا مودی به طور سیستماتیک نهادهای آماری را تضعیف و از آنها سوءاستفاده کرده است.

برای ما که در یک دهه گذشته شاهد سیاست‌های شوک‌آور و تهاجمی نخست‌وزیر هند، ناندرا مودی بوده‌ایم، رویدادهای اخیر در ایالات متحده، پس از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، احساس یک دژاوو را برمی‌انگیزد. ما در هند به‌سختی آموخته‌ایم که رهبران اقتدارگرا معمولا در دوره دوم خود بسیار خطرناک‌تر از دوره نخست هستند. دلیل این امر ساده است: در دوره دوم، این رهبران سیستم را کاملا درک کرده‌اند. آنها یاد گرفته‌اند که چگونه نهادها را مطابق میل خود تغییر دهند و هنگامی که این نهادها دیگر به نفعشان نباشند، آنها را از بین ببرند. این امر به آنها آزادی می‌دهد تا برنامه‌های خود را با شدت بیشتری دنبال کنند.

شباهت‌های مودی با ترامپ

سفر مودی به واشنگتن شباهت‌های قابل توجهی بین او و ترامپ را برجسته می‌کند. هر دو به تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی مشهورند، به گونه‌ای که مخالفان را در سردرگمی نگه می‌دارند و مانع از پیش‌بینی اقدامات بعدی می‌شوند. هر دو رهبر به تخریب نهادها، کنار گذاشتن هنجارهای دیرینه و تضعیف سازوکارهای دموکراتیک افتخار می‌کنند اما این کار را به صورت گزینشی انجام می‌دهند. در حالی که نهادهای نظارتی را تضعیف می‌کنند، همزمان از گروه‌های ذی‌نفع موردنظر خود محافظت کرده و به آنها پاداش می‌دهند. مهم‌تر از همه، سبک حکمرانی آنها بر سیاست تفرقه‌افکنی و عدم تحمل مخالفان استوار است. این سیاست برای تثبیت قدرت و تأمین منافع سرمایه‌داران الیگارش‌ی طراحی شده است - سرمایه‌دارانی که منافع و ثروتشان به طور جدایی‌ناپذیری به این رهبران گره خورده است - و این روند به قیمت زیان تقریباً همه افراد دیگر تمام می‌شود. هر دو به شدت به دستکاری افکار عمومی متکی هستند و با استفاده از رسانه‌های جمعی، روایت‌های مطلوب خود را ترویج داده و صدای مخالفان را سرکوب می‌کنند. این تاکتیک‌ها کتاب راهنمای خودکامگان در سراسر جهان را تشکیل می‌دهند. هرچند ممکن است این رهبران اقتدارگرا تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند اما آنها به دقت از یکدیگر می‌آموزند نه برای حکمرانی موثرتر بلکه برای تحکیم قدرت خود.

کنترل بر داده‌ها

کنترل بر داده‌ها در قلب این تلاش‌ها قرار دارد و باعث تغییرات اساسی در نحوه دسترسی و استفاده از اطلاعات عمومی شده است. در حالی که شهروندان سراسر جهان بیش از پیش مجبور می‌شوند داده‌های شخصی خود را در اختیار رهبران اقتدارگرا و متحدان آنها - مانند ایلان ماسک و پیروانش در «وزارت بهره‌وری دولتی» (DOGE) قرار دهند، همزمان از دسترسی به اطلاعاتی که برای پاسخگو نگه‌داشتن این رهبران ضروری است، محروم می‌شوند. این مساله در هیچ کجا به اندازه هند مشهود نیست؛ جایی که دولت مودی به طور سیستماتیک نهادهای آماری کشور را تضعیف و از آنها به عنوان ابزار سیاسی استفاده کرده است. نهادهایی که زمانی شاید معتبرترین در میان کشورهای

آنفلوآنزای مرگی بالا رفته، به طوری که براساس آمار اداره کار، شاخص قیمت تخم‌مرغ در ماه گذشته ۱۵/۲ درصد افزایش یافته که بزرگ‌ترین افزایش از ژوئن ۲۰۱۵ تاکنون است. در همین رابطه کارشناسان معتقدند که قیمت‌های بالا به محبوبیت ترامپ کمک نمی‌کند. در نظرسنجی فوریه SSRS و CNN، ۶۲ درصد از آمریکایی‌ها گفتند که رئیس‌جمهور برای کاهش قیمت کالاهای روزمره به اندازه کافی اقدام نکرده است. براساس نظرسنجی فوریه Ipsos و واشنگتن پست، ۵۳ درصد از آمریکایی‌ها از نحوه مدیریت اقتصاد توسط ترامپ ناراضی هستند که بالاترین سطح نارضایتی در تمام نظرسنجی‌های انجام‌شده در دوران اول و دوم ریاست‌جمهوری اوست.

واکنش کم به تعرفه‌ها

از زمان به قدرت رسیدن، ترامپ تعرفه‌های متعددی را علیه کشورها و کالاهای مختلف اعلام کرده است. هرچند بیشتر آنها هنوز اجرایی نشده‌اند اما اعلام تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات فولاد و آلومینیوم که قرار است از ۱۲ مارس اجرایی شود، باعث افزایش قیمت آلومینیوم شده و نگرانی‌هایی را برای کسب‌وکارهای آمریکایی، از تولیدکنندگان گرفته تا شرکت‌های حفاری نفت و گاز ایجاد کرده است. با این حال، بازارهای سهام به نظر می‌رسد که نسبت به این تعرفه‌ها فعلا واکنش خاصی نشان نداده‌اند.

محبوبیت کم

در چنین شرایطی، محبوبیت فعلی ترامپ ۴۹ درصد بوده که بالاتر از هر زمان دیگری در دوره اول ریاست‌جمهوری اوست اما همچنان از محبوبیت روسای جمهور قبلی، از جمله بایدن، کمتر است. براساس نظرسنجی‌های FiveThirtyEight، مردم آمریکا نیز در مورد عملکرد ترامپ تقسیم شده‌اند، به طوری که ۴۷ درصد از عملکرد او ناراضی هستند. با این حال، آنها از سیاست‌های مهاجرتی ترامپ حمایت می‌کنند. براساس نظرسنجی اخیر CNN، ۵۵ درصد از شرکت‌کنندگان یا از اخراج‌های رئیس‌جمهور راضی هستند یا می‌خواهند او اقدامات بیشتری انجام دهد. این نظرسنجی همچنین نشان داد که پیشنهاد ترامپ برای «اشغال غزه» بین آمریکایی‌ها محبوب نبوده است، به طوری که ۵۸ درصد آن را ایده بدی دانسته‌اند.

کاهش دستگیری‌های مهاجران

در هفته اول پس از تحلیف، اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) دستگیری‌های گسترده‌ای از مهاجران غیرقانونی به عنوان بخشی از فرمان اجرایی ترامپ انجام داد. در ۲۶ ژانویه، این آژانس ادعا کرد که در یک روز نزدیک به هزار دستگیری انجام داده است. داده‌های اخیر در مورد دستگیری‌های ICE به صورت پراکنده در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی منتشر شده است که ردیابی و مقایسه اعداد را دشوار می‌کند و هیچ جزئیاتی در مورد تعداد دستگیرشدگان دارای سابقه کیفری یا محل دستگیری‌ها وجود ندارد. براساس گزارش NBC News، دستگیری‌های روزانه در آخرین هفته فوریه به ۳۰۰ مورد کاهش یافته است. کمبود فضای بازداشت نیز منجر به آزادی حداقل ۴۶۱ مهاجر شده که در دور قبلی دستگیری‌ها بازداشت شده بودند. علاوه بر دستگیری‌های ICE، عبور غیرقانونی از مرزها در ژانویه به شدت کاهش یافت و به کمترین میزان ماهانه از فوریه ۲۰۲۱ رسید. براساس گزارش گمرک و حفاظت مرزی آمریکا، حدود ۲۹ هزار بازداشت در مرز آمریکا و مکزیک در ماه گذشته انجام شده که نسبت به حدود ۴۷ هزار مورد در دسامبر کاهش یافته است.





به دلایلی نامرتبط، پیام دولت به پژوهشگران واضح بود: در صورت مخالفت با روایت رسمی، عواقب جدی در انتظار شما خواهد بود. قانون حق دسترسی به اطلاعات مصوب ۲۰۰۵ که یکی از مهم‌ترین قوانین شفافیت و دستاورد دولت پیشین به رهبری حزب کنگره ملی هند بود نیز توسط دولت مودی تضعیف شده است. دولت حامدانه بسیاری از پست‌های کلیدی را خالی نگه داشته و افرادی را منصوب کرده که تحت فشارهای سیاسی قرار می‌گیرند به طوری که اکثر درخواست‌ها برای دسترسی به اطلاعات بی‌پاسخ می‌مانند.

فرار از پاسخگویی

تلاش‌های دولت برای فرار از پاسخگویی عمدتاً موفقیت‌آمیز بوده است اما اولویت‌بندی تبلیغات به جای حکمرانی باعث شده دولت از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی هند چشم‌پوشی کند و در نتیجه، توانایی خود را برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه از دست بدهد.

در همین حال مردم هند بیش از هر زمان دیگری مجبور شده‌اند داده‌های شخصی خود را ارائه دهند، به ویژه با گسترش سیستم شناسایی بیومتریک آدهار (Aadhaar) که اکنون به حساب‌های بانکی، اظهارنامه‌های مالیاتی، شماره‌های تلفن همراه، سوابق سفر و تراکنش‌های مالی بزرگ متصل شده است. این سیستم پیامدهای ویرانگری به همراه داشته است. به عنوان مثال عدم تطابق اثر انگشت باعث شده میلیون‌ها نفر از دریافت دستمزد، سهمیه غذایی و سایر خدمات ضروری محروم شوند. با این حال با وجود این خطرات، هند هنوز هیچ چارچوبی برای حفاظت از داده‌ها تصویب نکرده است. در نبود نظارت، موارد نشت اطلاعات شخصی به شدت افزایش یافته است.

از آنجا که شرکت‌های بزرگ فناوری که در حال حاضر حجم عظیمی از داده‌های شخصی را در اختیار دارند، با دولت همراه شده‌اند، پیامدهای احتمالی این وضعیت می‌تواند فاجعه‌بار باشد. البته ممکن است ایالات متحده مسیر سیاسی هند را دنبال نکنند. نهادهای آن، به ویژه قوه قضاییه، ممکن است در برابر این روند مقاومت کنند، به شرطی که مانند هند فرو نریزند اما با گسترش اقتدارگرایی باید تلاش‌های دولت‌ها برای سوءاستفاده از داده‌های عمومی علیه دموکراسی را بشناسیم و در برابر آنها مقاومت کنیم.

در حال توسعه بودند. ابتدا، دولت کمیسیون ملی آمار را که در اصل یک نهاد مستقل و متخصص برای نظارت و تایید داده‌های رسمی بود، سیاسی کرد. سپس اداره مرکزی آمار (CSO) را که مسوول گردآوری بخش عمده‌ای از داده‌های اقتصادی بود، هدف قرار داد و اعتبار آن را به طور موثری از بین برد. دولت با استفاده از بازنگری معمول در سال پایه برآوردهای رشد به عنوان پوششی برای تغییر روش‌شناسی CSO، آمار رشد اقتصادی را به صورت مصنوعی افزایش داد و بدین ترتیب، اعتبار داده‌های اقتصادی رسمی را زیر سوال برد. به طور مشابه، دولت ناگهان انتشار نتایج نظرسنجی هزینه‌های مصرفی ۲۰۱۷-۱۸ را که ابزاری کلیدی برای ارزیابی سطح رفاه جامعه است متوقف کرد، ظاهراً به این دلیل که داده‌های آن نشان‌دهنده کاهش مصرف و افزایش فقر در مناطق روستایی هند بود.

وقتی نوبت به نظرسنجی هزینه‌های خانوار ۲۰۲۲-۲۳ رسید، دولت باردیگر روش‌شناسی آن را اصلاح کرد. سپس درست پیش از انتخابات سراسری ۲۰۲۴، برگه‌ای تحت عنوان «برگه اطلاعات» منتشر کرد که در آن ادعا می‌شد نرخ فقر به ۵ درصد کاهش یافته است.

ترس دولت از داده‌های معتبر به حدی است که حتی از انجام سرشماری ۱۰ ساله که قرار بود در سال ۲۰۲۱ برگزار شود، خودداری کرده و هنوز زمانی برای انجام آن تعیین نکرده است. در نتیجه آخرین داده‌های رسمی درباره جمعیت، ویژگی‌های دموگرافیک، اشتغال و شرایط زندگی هند به سال ۲۰۱۱ بازمی‌گردد. بررسی‌های مستقل از سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی اغلب سانسور یا پنهان می‌شوند، به‌ویژه زمانی که نتایج آنها مطلوب دولت نباشد. به عنوان مثال گزارش رسمی درباره پروژه پاکسازی رود گنگ هرگز منتشر نشد. در دوران پاندمی کووید-۱۹ نیز آمارهای رسمی مرگومیر به شدت مورد تردید قرار گرفتند زیرا دولت از پذیرش برآوردهای مستقل سازمان جهانی بهداشت درباره میزان مرگومیر اضافی خودداری کرد.

حتی نظرسنجی ملی سلامت خانواده که توسط وزارت بهداشت و موسسه بین‌المللی علوم جمعیت (IIPS) - یک نهاد نیمه‌مستقل - انجام می‌شود، از این قاعده مستثنا نبود. پس از انتشار گزارشی که سطح نامناسب تغذیه و خدمات بهداشتی را نشان می‌داد، مدیر IIPS مجبور به استعفا شد، ظاهراً

سایه تعرفه ۱۰۰ درصدی ترامپ بر سر بریکس

رئیس‌جمهور آمریکا با تکرار تهدید خود مبنی بر اعمال تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی علیه واردات کشورهای عضو گروه بریکس به آنها هشدار داد از ایجاد ارز مشترک به جای دلار آمریکا خودداری کنند.



اعضای خود فراهم کند. بریک با پیوستن آفریقای جنوبی (South Africa) به آن در سال ۲۰۱۰ به نام بریکس (BRICS) شناخته شد.

تعرفه‌های ترامپ علیه مکزیک و کانادا استثناهایی خواهد داشت؟

رویترز در مطلب دیگری نوشت: ترامپ همچنین پنجشنبه گفت به زودی تصمیم خواهد گرفت که آیا واردات نفت کانادا و مکزیک را از تعرفه ۲۵ درصدی که او وعده داده است شنبه آتی بر محصولات این کشورها اعمال کند، مستثنا می‌کند یا نه. رئیس‌جمهور آمریکا درباره که آیا تعرفه‌هایی بر نفت کانادا و مکزیک نیز اعمال خواهد کرد، گفت: ممکن است این کار را بکنیم یا نکنیم. احتمالاً در این باره تصمیم می‌گیریم. او افزود که این موضوع تا اندازه‌ای به قیمت‌ها و این بستگی دارد که آیا دو کشور با آمریکا به درستی رفتار می‌کنند یا نه. ترامپ روز شنبه را ضرب‌الاجلی برای اعمال تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر واردات از مکزیک و کانادا تعیین کرده است تا دو شریک تجاری بزرگ آمریکا را به اقدامی در زمینه متوقف کردن مهاجران غیرقانونی و قاچاق محموله‌های آپوئید فنتانیل وادار کند که از مرزهایشان به آمریکا وارد می‌شوند. ترامپ روز پنجشنبه گفت که تعرفه‌های شمال آمریکا «به دلایل مختلف» اعمال خواهد شد و سطح تعرفه «ممکن است با گذشت زمان افزایش بیابد یا نیابد». ترامپ همچنین با اشاره به نقش چین در تجارت فنتانیل گفت: هنوز در حال بررسی اعمال تعرفه‌های جدید بر کالاهای چینی است و تهدید کرده که تعرفه ۱۰ درصدی بر تمام کالاهای چینی اعمال خواهد کرد.

ترامپ در جمع خبرنگاران در این باره گفت: در مورد چین نیز در حال فکر کردن به چیزی هستم زیرا آنها فنتانیل را به کشور ما می‌فرستند و به همین دلیل باعث مرگ صدها هزار نفر از ما می‌شوند بنابراین چین نیز باید بابت این موضوع تعرفه‌ای پرداخت کند و ما روی این موضوع کار می‌کنیم.

او ادامه داد: ما تصمیم خواهیم گرفت که این تعرفه چه خواهد بود اما چین باید ارسال فنتانیل به کشور ما و کشتن مردم ما را متوقف کند. شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۲۳ قول داد که با جو بایدن رئیس‌جمهور وقت آمریکا در زمینه کاهش انتقال محموله‌های فنتانیل به آمریکا همکاری کند. با این حال پکن از واشنگتن خواسته است که اقداماتی برای کاهش تقاضای مواد مخدر انجام دهد. وزارت اقتصاد مکزیک از اظهار نظر درباره سخنان اخیر ترامپ خودداری کرد. دفتر جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا نیز برای اظهار نظر در این باره در دسترس نبود.

دونالد ترامپ با تهدید کشورهای عضو بریکس به اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی که چند هفته پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آن را مطرح کرده بود، به آنها هشدار داد که از جایگزینی دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره خودداری کنند.

به گزارش ایسنا، خبرگزاری رویترز با انتشار این مطلب نوشت: ترامپ در اظهاراتی که تقریباً مشابه یکی از اظهاراتش در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۴ بود، در پیامی در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: ما به یک تعهد از این کشورهای به نظر متخاصم نیاز داریم که نه ارز جدیدی برای بریکس ایجاد خواهند کرد و نه از ارز دیگری برای جایگزینی دلار قدرتمند آمریکا حمایت خواهند کرد. در غیر این صورت، با تعرفه ۱۰۰ درصدی روبه‌رو می‌شوند. در آن زمان (نوامبر گذشته) روسیه گفته بود که هرگونه تلاش آمریکا برای مجبور کردن کشورها به استفاده از دلار نتیجه معکوس خواهد داشت. گروه بریکس شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی و چند کشور دیگر است که طی سال‌های گذشته به این گروه پیوسته‌اند. این گروه ارز مشترک ندارد اما بحث‌های طولانی‌مدت درباره این موضوع پس از اعمال تحریم‌های غرب بر روسیه پس از جنگ اوکراین، شتاب بیشتری گرفته است.

ترامپ در تروث نوشت: «بریکس برای جایگزینی دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی یا هر جای دیگری شانس ندارد و هر کشوری که برای آن تلاش کند، باید به تعرفه‌ها سلام و با آمریکا خدا حافظی کند!»

هشدار ترامپ به بریکس در حالی مطرح شد که کانادا و مکزیک منتظر تصمیم او برای اجرای وعده‌اش مبنی بر اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر شریک تجاری آمریکای شمالی ایالات متحده از اول فوریه هستند.

ترامپ می‌خواهد از تعرفه‌ها به عنوان ابزاری برای وادار ساختن مکزیک و کانادا به جلوگیری از ورود مواد مخدر غیرقانونی به آمریکا، به ویژه آپوئید کشنده فنتانیل و همچنین ورود مهاجران غیرقانونی به آمریکا کمک کنند.

یکی از مطالعات مرکز ژئواکونومی شورای آتلانتیک در سال گذشته نشان داد که دلار آمریکا همچنان ارز اصلی ذخیره جهان است، نه یورو و کشورهای موسوم به بریکس نیز نتوانسته‌اند وابستگی جهانی به دلار را کاهش دهند.

مخفف بریک (BRIC) که در ابتدا شامل آفریقای جنوبی نبود، در سال ۲۰۰۱ توسط «جیم او نیل»، اقتصاددان ارشد گلدمن ساکس، در یک مقاله پژوهشی ابداع شد که تأکیدی بر ظرفیت رشد برزیل، روسیه، هند و چین بود.

این بلوک به عنوان یک نهاد غیررسمی در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد تا بستری برای به چالش کشیدن نظم جهانی تخت سلطه آمریکا و متحدان غربی آن برای

شی جین پینگ در برابر ترامپ

گروه بین‌الملل - با وجود تمامی رقابت‌ها و تنش‌هایی که در روابط میان آمریکا و چین وجود دارد، اکنون گمانه‌زنی‌هایی در خصوص تمایل ترامپ برای توافق با شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین در محافل داخلی ایالات متحده مطرح می‌شود؛ امری که برخلاف تمامی شعارها و وعده‌های انتخاباتی ترامپ برای مقابله سخت با چین و وضع تعرفه‌های فلج‌کننده علیه این کشور است.

در همین رابطه طبق گزارشی که مجله اکونومیست منتشر کرده، معامله بزرگ ترامپ با شی شاید در حوزه مناسبات اقتصادی و همچنین تقسیم جهان به حوزه‌های نفوذ دو کشور باشد؛ موضوعی قاعدتا خوشایند مایک والتز مشاور امنیت ملی و مارک رابینو وزیر خارجه تندروی ترامپ نبوده و متحدان آسیایی و اروپایی آمریکا را شگفت‌زده می‌کند. با این حال ترامپ در حال سیگنال دادن مبنی بر یک توافق با چین است؛ به عنوان مثال او از چین برای کمک به برقراری صلح در اوکراین دعوت به عمل آورده و همچنین می‌گوید ترجیح می‌دهد که تعرفه‌های تجاری را علیه این کشور اعمال نکند.

بایه‌های یک توافق جدید

کارشناسان معتقدند دیدگاه‌های جهانی ترامپ و شی تقریباً مشابه یکدیگر است اما اختلاف اصلی میان این دو قدرت بزرگ بر سر منافع ملی است. به عنوان مثال رقابت‌های مهم در عرصه فناوری، هوش مصنوعی و مسابقه فضایی به عنوان مقولاتی هستند که محدودیت‌های جدی در مسیر همکاری و توافق دو کشور ایجاد می‌کنند. با این حال موضوع قابل توجه این است که برخی از مشاوران و دستیاران ترامپ در مورد دیدگاه‌های او در دولت اولش، اظهارات شگفت‌انگیزی را مطرح می‌کنند. به عنوان مثال برخی از آنها گفته‌اند که ترامپ تایوان را به عنوان یک جزیره کوچک و دردرساز توصیف می‌کرد. حتی گزارش‌هایی وجود دارند که می‌گویند ترامپ به شی گفته حق دارد که مسلمانان اویغور را تحت محدودیت‌های شدید قرار داده است.

در همین رابطه یک چرخش معنادار از سوی رئیس‌جمهوری جدید آمریکا، موضوع دعوت ترامپ از شی برای پایان دادن به جنگ اوکراین است. این مساله از آنجا حائز اهمیت است که چین در طول سه سال گذشته مهم‌ترین خریدار نفت روسیه و تامین‌کننده قطعات تسلیحاتی این کشور بوده و شاید ترامپ قصد داشته باشد، رئیس‌جمهوری روسیه پوتین را متقاعد کند تا به جنگ اوکراین پایان دهد. با این حال صحبت‌های ترامپ در مورد جنگ اوکراین تقریباً مشابه آن چیزی است که مقامات چینی در طول سه سال گذشته همواره مطرح کرده‌اند. در واقع ترامپ، جنگ اوکراین را مقدمه‌ای برای جنگ جهانی سوم دانسته و حتی در مصاحبه‌ای گفته است که درک می‌کند چرا روسیه از عضویت اوکراین در ناتو نگران شده است. او همچنین جنگ را یک اشتباه پرهزینه قلمداد کرد و بارها در شعارهای انتخاباتی خود گفته بود که ظرف مدت کوتاهی به آن خاتمه خواهد داد. در همین رابطه کارشناسان چینی از فرصت به وجود آمده برای توافق میان ترامپ و شی بسیار استقبال کرده‌اند. به عنوان مثال یانگ چنگ، استاد دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای و دیپلمات سابق چین با بیان اینکه در حال حاضر روسیه به شدت به چین متکی است، می‌گوید: منافع حاصل از این وابستگی مسکو، منجر به آسیب به روابط چین با آمریکا و اروپا شده است. به همین دلیل ایفای نقش پکن در مذاکرات صلح اوکراین، عاملی در جهت اثبات حسن‌نیت چین در دیپلماسی و تقویت نفوذ این کشور در مناسبات جهانی خواهد شد. با این حال برخی کارشناسان و مقامات غربی معتقدند که بهای کمک چین به پایان جنگ اوکراین و نزدیکی شی به ترامپ، می‌تواند مساوی باشد با عدم حمایت ایالات متحده از تایوان؛ امری که به مثابه آب سردی خواهد بود بر سر دولت‌های غربی.

دورنمای مبهم

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که اکنون میان خود غربی‌ها اختلافات جدی بروز کرده است. یعنی در حالی که چینی‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند که حاضرند در اوکراین نیروهای حافظ صلح را مستقر کرده و از کشورهای نظیر هند و برزیل نیز در این قضیه کمک بگیرند، با این حال برخی مقامات اروپایی به صراحت از چنین موضوعی ابراز نگرانی کرده‌اند. در نتیجه به گفته تحلیلگران، هر چند ترامپ برای حل و فصل اختلافات و رسیدن به یک توافق با شی جین‌پینگ ابراز تمایل می‌کند اما در نهایت ممکن است که تیم اطراف او به خصوص وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی و وزیر دفاع دولت او را از چنین کاری منصرف کنند زیرا در صحنه بین‌المللی عواملی وجود دارد که به واگرایی‌ها میان چین و ایالات متحده دامن می‌زند و هر چند برخی غربی‌ها ترامپ را فردی عمل‌گرا توصیف می‌کنند اما قاعدتا در ایالات متحده، راهبرد امنیت ملی این کشور براساس منافع ملی تعیین و عملیاتی می‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد، مانع بزرگ توافق، بی‌اعتمادی طولانی مدت میان دو کشور و همچنین سیاست‌های سختگیرانه‌ای باشد که هر دو رئیس‌جمهوری معمولاً عادت دارند آنها را اتخاذ کنند.

آغاز جنگ جهانی تجاری



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا روز جمعه ۳۱ ژانویه اعلام کرد که از روز شنبه تعرفه ۲۵ درصدی را بر واردات از کانادا و مکزیک و همچنین تعرفه ۱۰ درصدی را بر کالاهای چینی اعمال می‌کند. این تعرفه‌ها چه بر سر تورم آمریکا و وعده‌های اقتصادی ترامپ خواهد آورد؟

به گزارش یورونیوز، کانادا و مکزیک بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت به ایالات متحده هستند. بنابر گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، این کشور در ماه اکتبر روزانه تقریباً ۴/۶ میلیون بشکه نفت از کانادا و ۵۶۳ هزار بشکه از مکزیک وارد کرده است.

در نتیجه انتظار می‌رود که وضع تعرفه‌های جدید مصرف‌کنندگان آمریکایی را با افزایش ناگهانی قیمت‌ها مواجه کند و منجر به آسیب به صنایع انرژی، خودروسازی، چوب و کشاورزی شود. این در حالی است که ترامپ مکرراً در کارزارهای انتخاباتی خود با انتقاد شدید از سیاست‌های دولت بایدن، وعده داده بود که تورم را مهار کند. کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید روز جمعه گفت: «از فردا تعرفه‌ها اعمال خواهند شد. اینها وعده‌های رئیس‌جمهوری هستند و فردا به آنها عمل خواهد شد.» دونالد ترامپ سپس در دفتر بیضی کاخ سفید در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت که هیچ اقدامی از سوی این سه کشور نمی‌تواند مانع اجرای تعرفه‌ها از روز شنبه شود.

او با این حال افزود که انتظار دارد دولتش تعرفه‌های مربوط به نفت و گاز را از روز ۱۸ فوریه اعمال کند و گفت ممکن است میزان تعرفه بر نفت کانادا را به ۱۰ درصد کاهش دهد. ترامپ گفت: «ما بر نفت و گاز تعرفه وضع می‌کنیم. این تعرفه‌ها به زودی و به نظر من از ۱۸ فوریه اعمال می‌شوند.» دونالد ترامپ همچنین در پاسخ پرسش خبرنگاران مبنی بر اینکه آیا تعرفه بر نفت خام کانادا نیز از فردا اعمال خواهد شد، گفت: «احتمالاً آن را کمی کاهش دهیم. ما فکر کردیم که می‌توانیم آن را به ۱۰ درصد برسانیم.»

ترامپ گفته است که این تعرفه‌ها در وهله اول در جهت تضمین همکاری بیشتر این کشورها برای جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی و قاچاق مواد مورد استفاده در تولید «فنتانیل» به آمریکا وضع می‌شود. با این حال او جنبه دیگر وضع این تعرفه‌ها را تقویت تولید داخلی و افزایش درآمد دولت فدرال دانسته است.

جاستین تروود، نخست‌وزیر کانادا در واکنش به اظهارات روز جمعه ترامپ در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «هیچ‌کس، چه در این سو و چه در آن سوی مرزها، خواهان اعمال تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای کانادایی نیست.»

تروود با اشاره به جلسه خود با شورای کانادا-آمریکا گفت: «ما سخت در تلاش هستیم تا از اجرای این تعرفه‌ها جلوگیری کنیم اما اگر ایالات متحده به اجرای آنها ادامه دهد، کانادا آماده واکنشی قاطع و فوری خواهد بود.»

چه بر سر بازار می‌آید؟

تجارت میان کانادا و آمریکا در سه‌ماهه نخست تا سه‌ماه سوم سال ۲۰۲۴، تقریباً به ۶۰۰ میلیارد دلار آمریکا رسید که با احتساب خدمات، حجم کل این تجارت حدود ۶۸۳ میلیارد دلار آمریکا بود و کانادا همچنان بزرگ‌ترین بازار صادراتی کالاها و خدمات ایالات متحده باقی ماند و تقریباً ۳۵۰ میلیارد دلار آمریکا از محصولات آمریکایی وارد کانادا شد.

در پی اظهارات روز جمعه رئیس‌جمهوری آمریکا شاخص «اس‌اند‌پی ۵۰۰» (S&P 500) با افت نیم‌درصدی مواجه شد و از ۶۱۱۱ به ۶۰۴۰ رسید. این شاخص یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بازار بورس آمریکا و معیاری کلیدی برای سنجش عملکرد کلی بازار سهام ایالات متحده است. این شاخص شامل ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی است که در بورس‌های «نیویورک» (NYSE) و «نزدک» (Nasdaq) معامله می‌شوند. وندی کاتلر، مذاکره‌کننده تجاری پیشین ایالات متحده روز جمعه گفت: «باید انتظار داشت که هر سه کشور واکنش نشان دهند.» چین در دوران نخست ریاست‌جمهوری ترامپ نیز به تعرفه‌های او واکنش شدید نشان داده و با اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه بر محصولات کشاورزی آمریکا، طرفداران ترامپ را در مناطق روستایی هدف قرار داده بود. کانادا و مکزیک نیز اعلام کرده‌اند که در صورت لزوم، گزینه‌هایی بر اعمال تعرفه‌های متقابل

را آماده دارند که این امر می‌تواند منجر به یک جنگ تجاری گسترده‌تر شود. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهند که این موضوع می‌تواند رشد اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار دهد و تورم را تشدید کند.

لیو پنگیو، سخنگوی سفارت چین در واشنگتن طی بیانیهای اعلام کرد: «هیچ‌کس در جنگ تجاری یا تعرفه‌ای برنده نیست، چنین اقداماتی نه به نفع دو کشور است و نه به نفع جهان. با وجود اختلافات، کشورهای ما منافع مشترک زیادی دارند و فضای همکاری گسترده‌ای میان ما وجود دارد.»

بررسی موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون نشان می‌دهد که اعمال این تعرفه‌ها «به اقتصاد تمامی طرف‌های درگیر، از جمله ایالات متحده، آسیب خواهد زد.» در این بررسی آمده است: «تعرفه ۲۵ درصدی برای مکزیک فاجعه‌بار خواهد بود. علاوه‌براین، رکود اقتصادی ناشی از تعرفه می‌تواند انگیزه مهاجران مکزیک برای عبور غیرقانونی از مرز به ایالات متحده را افزایش دهد که مستقیماً در تضاد با یکی از اولویت‌های اصلی دولت دونالد ترامپ است.» وندی کاتلر میزان آسیب ناشی از این تعرفه‌ها را وابسته به مدت زمان اعمال آنها می‌داند.

خانم کاتلر گفت: «اگر فقط برای چند روز باشد، یک مساله است اما اگر برای هفته‌ها یا ماه‌ها ادامه پیدا کند، شاهد اختلال در زنجیره تامین، افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان آمریکایی و در نهایت افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان خواهیم بود.» او افزود: «این موضوع می‌تواند تأثیرات کلان اقتصادی داشته باشد، بازار سهام را تحت‌تاثیر قرار دهد و در سطح بین‌المللی باعث افزایش تنش با شرکای تجاری ما شود که همکاری با آنها را دشوارتر خواهد کرد.»

ترامپ و استفاده از فریب



در حالی که تمام مردم و دولتمردان اروپا به خصوص اوکراینی‌ها انتظار داشتند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا جنگ را به شیوه‌ای که گفته بود تمام کند و بار دیگر صلح را به جهان برگرداند، روز سه‌شنبه، رئیس‌جمهور آمریکا گفت که اوکراین باید ۵۰۰ میلیارد دلار پس بدهد. در مصاحبه‌ای که برت بایر از فاکس نیوز با دونالد ترامپ داشت، وی ادعا کرد که ایالات متحده آمریکا بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار در اشکال مختلف (تسلیمات نظامی) از زمان شروع جنگ به اوکراین کمک کرده است.

ترامپ در این مصاحبه بیان کرد که ادامه تامین مالی کی‌یف از سوی واشنگتن بدون اینکه چیزی در ازای کمک‌هایش بگیرد، احمقانه است. او در این باره گفت: «می‌خواهم پول کشورمان تضمین شود چون ما صدها میلیارد دلار خرج کرده‌ایم. اوکراین زمین‌های فوق‌العاده ارزشمندی از نظر مواد معدنی کمیاب، نفت و گاز و دیگر منابع دارد.» ترامپ در این باره ادامه داد و گفت: «شاید با آنها معامله کنند، شاید هم نه. شاید روزی این منابع در اختیار روسیه قرار بگیرد اما تمام پولی که خرج کرده‌ایم را می‌خواهیم پس بگیریم. گفتنی است درباره این موضوع، هفته گذشته همتای اوکراینی ترامپ یعنی ولودیمیر زلنسکی نیز اظهار نظر کرد و گفت که مایل به مذاکره درباره ذخایر لیتیم، تیتانیوم و دیگر فلزات سنگین کشورش است اما ابتدا متحدان اوکراین باید نیروهای روسیه را از مناطق مورد بحث بیرون برانند و پس از آن شرایط برای سرمایه‌گذاری فراهم بیاورند. در همین رابطه مجله فوربس گزارش داده که حدود ۷ تریلیون دلار از ثروت معدنی اوکراین در مناطق دونباس، شامل دونتسک و لوهانسک قرار دارد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز حفاظت از مردم دونباس را یکی از دلایل شروع این عملیات نظامی در اوکراین ذکر کرده است که نشان می‌دهد این مناطق برای روس‌ها نیز اهمیت بسیار بالایی دارد.

ترامپ علیه اروپا

دو منبع آگاه که نام‌شان فاش نشد اعلام کردند که دولت ترامپ قصد دارد به متحدان اروپایی خود برای خرید تسلیحات آمریکایی و ارسال آنها به اوکراین فشار وارد کند. به باور دو منبع این خبر، این اقدام می‌تواند موقعیت کی‌یف را در مذاکرات بهبود بخشد. به گفته این دو منبع، در نشست امنیتی مونیخ که در هفته جاری برگزار می‌شود، مقامات آمریکایی از جمله کیت گلاک، فرستاده ویژه ترامپ در امور اوکراین درباره خرید تسلیحات آمریکایی با شرکای اروپایی صحبت خواهند کرد. همانطور که دونالد

اوکراین بلکه برای کل جهان آزاد تاکید می‌کنم.» برخی منابع نیز گزارش دادند که ترامپ و زلنسکی به زودی با یکدیگر دیدار خواهند داشت اما تاریخ مشخصی برای جلسه‌شان مشخص نکرده‌اند. ترامپ هم گفت که به زودی با زلنسکی دیدار می‌کند اما اینکه دیدار در کی‌یف رخ دهد احتمال کمی دارد.

روابط مسکو و واشنگتن نابود شده است؟

کیلومترها دورتر از واشنگتن، در مسکو برخی ادعا کرده‌اند که روابط روسیه و آمریکا در آستانه نابودی است. سرگی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه بیان کرد که روابط مسکو و واشنگتن در آستانه نابودی کامل قرار دارد. این مقام روس در یک کنفرانس مطبوعاتی که در مسکو برگزار شد، گفت: «بارها اعلام کرده‌ایم که روابط روسیه و آمریکا در حال متزلزل شدن و قطع شدن کامل است. دولت پیشین آمریکا به ریاست جو بایدن مسیر جنگ ترکیبی را علیه روسیه در پیش گرفت و این راهبرد را در تمامی اسناد خود گنجانده.» در ادامه این کنفرانس، ریابکوف گفت که معتقد است بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید ممکن است به تغییر سیاست خارجی این کشور کمک کند. این مقام روس در جمع خبرنگاران گفت: «قاطعت این پیروزی و بازگشت ترامپ به کاخ سفید نه تنها نشان‌دهنده تغییری در سیاست داخلی آمریکاست بلکه به طور طبیعی به ظهور عناصر و جزئیات جدیدی در سیاست خارجی نیز منجر خواهد شد. این دیپلمات بلندپایه در ادامه گفت که تیم ترامپ علاقه‌مندی خود برای ازسرگیری گفت‌وگو با روسیه را اعلام کرده است و در همین رابطه، مسکو هم برای گفت‌وگوی برابر و همراه با احترام متقابل آمادگی دارد.

ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اشاره کرد، دولت او به دنبال پس گرفتن پولی است که آمریکا در اوکراین خرج کرده است. خرید تسلیحات آمریکایی توسط اروپایی‌ها و ارسال آن به اوکراین، یکی از راه‌هایی بوده که ترامپ برای این موضوع در نظر گرفته است. باید گفت از زمان شروع این جنگ، دولت بایدن تا آخرین روزی که قدرت را در اختیار داشت، مبلغی نزدیک به ۶۵ میلیارد دلار (به گفته برخی منابع حتی بیشتر) به اوکراین کمک کرد.

نشست امنیتی مونیخ سر نوشت ساز می‌شود؟

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین با جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا دیدار خواهد داشت. این دیدار در پی وعده‌ها و تاکیدهای دولت ترامپ مبنی بر تمام کردن جنگ و بازگرداندن صلح به اوکراین در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا صورت خواهد گرفت. ترامپ نیز اخیراً تاکید کرد که کیت گلاک، فرستاده ویژه خود در امور اوکراین را مامور مطرح کردن طرح پیشنهادی برای متوقف کردن جنگ به اوکراین می‌فرستد.

البته گلاک و ترامپ برای قانع کردن هر دو طرف جنگ کار بسیار سختی در پیش دارند. از یک سمت پوتین که از اهداف خود در اوکراین کوتاه نیامده است و از سمتی دیگر، زلنسکی که بر عکس ترامپ که اصرار بر پایان یافتن جنگ دارد، خواستار دریافت تضمین‌های امنیتی سفت و سخت از واشنگتن در چارچوب توافق با روسیه است. در همین رابطه، زلنسکی در یک سخنرانی ویدئویی از شرکای خود تضمین‌های امنیتی موثر و صلح واقعی را برای اوکراین خواستار شد و گفت: «بر امنیت مردم، امنیت کشورمان، امنیت روابط اقتصادی‌مان و البته پایداری منابع‌مان نه فقط برای

هراس رهبران اروپا از آمریکای ترامپ



کشورهای اروپایی نگران هستند که تلاش‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان شتاب‌زده به جنگ اوکراین، به تضعیف غیرقابل جبران امنیت آنها منجر شود. دونالد ترامپ می‌خواهد با یک توافق به جنگ روسیه علیه اوکراین پایان دهد اما به نظر می‌رسد این تلاش با خواسته اروپایی‌ها منطبق نیست. به گزارش یورونیوز، پس از آنکه اروپایی‌ها از مذاکرات آمریکا و روسیه برای پایان دادن به جنگ اوکراین کنار گذاشته شدند، آنها بر تلاش‌های خود افزوده‌اند تا جایگاهشان را در این تحولات که به سرعت در حال رخ دادن هستند، باز پس گیرند. کایا کالاس، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر این نظر است اگر توافقی شود که اروپایی‌ها با آن موافق نباشند، آن توافق شکست خواهد خورد زیرا برای اجرایش به اروپایی‌ها نیاز است. خانم کالاس همچنین با هشدار نسبت به تلاش روسیه برای ایجاد اختلاف میان کشورهای غربی، گفت که آنها نباید در دام روس‌ها بیفتند. سخنان رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا نمایانگر یک نگرانی عمیق در این قاره است و آن اینکه کشورهای اروپایی احساس می‌کنند امنیت بلندمدت‌شان اکنون به طرح‌ها و تصمیم‌های یک فرد وابسته شده است.

یک توافق بد

اروپا از نوع نگاه ترامپ به پوتین آگاهی داشت. ترامپ پیش از این ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را فردی «باهوش» توصیف کرده است که می‌فهمد چه کاری انجام می‌دهد. سخنان ترامپ درباره جنگ اوکراین و انتقادات او از نقش اروپا در سه سال گذشته، بر تردیدهای اروپایی‌ها نسبت به تمایل رئیس‌جمهور آمریکا برای ایفای نقش میانجی بی‌طرف میان مسکو و کی‌یف افزوده است. اگر ترامپ از همان ابتدای مذاکرات برای پایان دادن به جنگ اوکراین به نفع روسیه عمل کند، این موضوع موجب خواهد شد شرایط به شدت به ضرر کی‌یف تغییر کند؛ تغییر موازنه‌ای که به نفع پوتین خواهد بود تا بتواند ۲۰ درصد از خاک اوکراین را که توسط نیروهای روسیه اشغال شده‌اند به طور رسمی به دست آورد. کاخ سفید اعلام کرده که بازگشت اوکراین به مرزهای پیش از سال ۲۰۱۴ و عضویت این کشور در ناتو اهدافی «غیرواقعی» هستند که باید از هر توافقی با روسیه حذف شوند. این موضع آمریکا با تفکر حاکم بر کرملین هم‌راستا است. مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا گفته است که «همه طرف‌ها» باید در مذاکرات پایان دادن به جنگ اوکراین «امتیازاتی» بدهند. تاکنون دولت ترامپ بیشترین بار مسوولیت را بر دوش اوکراین گذاشته است. اروپایی‌ها اکنون نگرانند که ترامپ بخواهد با نقش آفرینی به عنوان میانجی صلح و استفاده تبلیغاتی از این موضوع برای خود، اوکراین را ابتدا مجبور به پذیرش آتش‌بس کند و سپس این کشور را تحت فشار قرار دهد تا یک توافق نامناسب را بپذیرد. پس از برگزاری نشست اضطراری برخی رهبران کشورهای اروپایی در پاریس، پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا تاکید کرد که هر توافقی برای پایان دادن به جنگ اوکراین باید به گونه‌ای باشد که روسیه احساس کند نمی‌تواند به سیاست‌های امپریالیستی خود ادامه دهد. او در ادامه با الحاق سرزمین‌های اوکراینی به روسیه در شرایط کنونی مخالفت کرد. دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان نیز گفت که «تسلیم اجباری اوکراین به معنای تسلیم کل غرب با همه پیامدهایش خواهد بود».

پیش‌نویسی که اوکراینی‌ها را شگفت‌زده کرد

شهرت دونالد ترامپ در عرصه جهانی بیشتر به دلیل رویکرد او در دیپلماسی است که به روشش در تجارت در منتهن شباهت دارد. یکی از طرح‌های جنجالی

نظر است که مواضع علنی دولت ترامپ در مورد اوکراین پیش از شروع هرگونه مذاکره‌ای به بدترین سناریو برای اروپا تبدیل شده است. بنا به گفته او، آمریکا نه تنها در حال مذاکره درباره امنیت اروپا بدون حضور کشورهای اروپایی است، بلکه با پذیرش علنی همه نکات مطرح شده توسط روسیه پیش از آغاز مذاکرات، به روسیه برای کسب پیروزی‌های بزرگ دیپلماتیک کمک کرده است. این پژوهشگر در ادامه گفت در این شرایط، کشورهای اروپایی باید دو اقدام اساسی انجام دهند؛ اول اینکه آنها باید با قدرت از اوکراین حمایت کنند تا این کشور بتواند به هر توافقی که میان روسیه و آمریکا منعقد می‌شود، «نه» بگوید و دوم اینکه کشورهای اروپایی باید برای تقویت توان دفاعی خود به سرعت سرمایه‌گذاری کنند.

کنار گذاشته شده

دولت ترامپ از کشورهای اروپایی خواسته تا نظر خود را درباره اعزام نیروی نظامی برای تضمین یک توافق صلح احتمالی میان اوکراین و روسیه بیان کنند. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا به صراحت اعلام کرده است که کشورش هیچ نیروی نظامی در اوکراین مستقر نخواهد کرد. او همچنین گفته است که «تنباید هرگونه ماموریت حفظ صلح در اوکراین شامل بند ۵ پیمان ناتو» شود. کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا اگرچه بر «آمدگی و تمایل» کشورش برای اعزام نیرو به اوکراین برای تضمین صلح تاکید کرده اما تضمین‌های آمریکا را برای صلح پایدار ضروری می‌داند زیرا به گفته او فقط آمریکا می‌تواند پوتین را از انجام حملات دوباره بازدارد. دانمارک نیز بر اهمیت تضمین‌های آمریکا برای صلح پایدار تاکید دارد. در مقابل، اولاف شولتس، صدراعظم آلمان بحث درباره اعزام نیرو برای حفظ صلح را «زود هنگام» می‌داند و دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان نیز بر ضرورت حضور نیروهای نظامی کشورش در مرز لهستان با بلاروس تاکید دارد. این اختلاف‌نظرها نشان از ناامیدی فزاینده در میان اروپایی‌ها دارد زیرا آنها با واقعیتهای تلخ روبه‌رو هستند و آن اینکه آنها از مذاکرات برای پایان دادن به جنگ اوکراین کنار گذاشته شده‌اند و فقط باید مفاد توافق احتمالی را اجرا کنند.

تضاد منافع امنیتی

یکی دیگر از نگرانی‌های اروپا این است که آمریکا صرف‌نظر از نتیجه مذاکرات بین زلنسکی، پوتین و ترامپ تصمیم دارد حضور نظامی خود را در اروپا به تدریج کاهش دهد. این حضور نظامی به دوران جنگ سرد برمی‌گردد؛ زمانی که آمریکا تلاش داشت از گسترش اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری کند. از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، تعداد نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا به حدود ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. اینک وزیر دفاع آمریکا گفته است که کشورش به جای تمرکز بر اروپا، توجه خود را به منطقه اقیانوس آرام و مرز با مکزیک معطوف خواهد کرد. کشورهای اروپایی از اینکه از آنها خواسته شود توافقی شکننده میان اوکراین و روسیه را همزمان با خارج کردن نیروهای نظامی آمریکا از خاک اروپا حفظ کنند، یک بحران می‌دانند که باید از وقوع آن جلوگیری کرد. صدراعظم آلمان بر این نظر است که ناتو باید براساس همکاری مشترک بین اعضا عمل کند تا امنیت همه اعضای این سازمان تضمین شود. نخست‌وزیر لهستان نیز بر ضرورت همکاری اروپا و آمریکا برای تضمین امنیت تاکید دارد. قطع همکاری اروپا و آمریکا می‌تواند فرصتی برای پوتین ایجاد کند تا به هدف خود که شکستن اتحاد کشورهای فراتلانتیک است، دست یابد. این اتحاد تاکنون مهم‌ترین مانع در برابر تلاش‌های پوتین برای بازگرداندن نفوذ روسیه در جهان بوده است. بنا به گفته جانا پاگلی‌ارن، پژوهشگر ارشد در شورای روابط خارجی اروپا، رویدادهای فوریه ۲۰۲۵ در روابط آمریکا و اروپا ممکن است به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ثبت شوند و آن زمانی است که منافع امنیتی آمریکا به طور اساسی با منافع امنیتی اروپا تفاوت پیدا کند.

و در عین حال غیرواقعی او که اخیراً پیشنهاد داده، تصاحب نوار غزه توسط آمریکا و تبدیل آن به «یویرای خاورمیانه» است. با اجرای این طرح، میلیون‌ها فلسطینی مجبور به ترک خانه‌های خود در این باریکه می‌شوند. در مورد اوکراین نیز او فقط به صلح رضایت نمی‌دهد، بلکه به تجارت هم توجه خواهد داشت. اوایل ماه فوریه، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا به دستور ترامپ با زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در کی‌یف دیدار کرد تا درباره دسترسی واشنگتن به مواد معدنی نادر اوکراین به ازای حمایت‌های امنیتی از این کشور گفت‌وگو کند اما پیش‌نویس توافقی که بسنت روی میز گذاشت، اوکراینی‌ها را شگفت‌زده کرد.

روزنامه دیلی تلگراف که نسخه‌ای از این طرح را به دست آورده، در گزارشی نوشت آمریکا به اوکراین پیشنهاد کرده است که ۵۰ درصد از درآمدهای استخراج مواد معدنی، ۵۰ درصد از ارزش همه مجوزهای جدید صادر شده به طرف‌های ثالث و همچنین حقوق پیش‌خرید برای صادرات به سایر کشورها را به آمریکا منتقل کند. براساس پیش‌نویس توافقنامه‌ای که توسط واشنگتن ارائه شده، ارزش‌های اقتصادی مرتبط با منابع اوکراین، از جمله «منابع معدنی، منابع نفت و گاز، بندر و زیرساخت‌های دیگر» شامل آن می‌شود و این قرارداد باید براساس قوانین نیویورک اداره شود. این روزنامه بریتانیایی، این پیش‌نویس را به معنای «استعمار» دانسته و شرایط مطرح شده در آن را بدتر از مجازات‌های مالی اعمال شده بر آلمان و ژاپن پس از شکست آنها در سال ۱۹۴۵ توصیف کرده است. زلنسکی پیشنهاد آمریکا را به دلیل اینکه به نفع اوکراین نیست، رد کرده است. ترامپ وعده داده که آمریکا ۵۰۰ میلیارد دلار از منابع اوکراین را در ازای کمک‌های نظامی گذشته خود به اوکراین در جنگ با روسیه به دست خواهد آورد. واگذاری چنین سرمایه‌ای به آمریکا به شدت روند بازسازی اوکراین را به خطر می‌اندازد و اروپا را مجبور می‌کند سهم بیشتری از این هزینه را بر عهده گیرد. نکته قابل توجه این است که رقم اعلام شده توسط دونالد ترامپ تقریباً با هزینه تخمینی بازسازی اوکراین برابر است.

یک جایگاه نامناسب

یکی از اصلی‌ترین دلایل نگرانی اروپا از گفت‌وگوهای آمریکا و روسیه این بوده که از مذاکرات برای پایان دادن به جنگ اوکراین کنار گذاشته شده است. ترامپ با گفت‌وگوی تلفنی خود با ولادیمیر پوتین باعث گسست جبهه متحدی شد که حدود سه سال روسیه را در انزوا نگه داشته بود. رئیس‌جمهور آمریکا هنگام اعلام آغاز مذاکرات برای پایان دادن به جنگ اوکراین، به طور مشخص روند گفت‌وگوها را در قالبی سه‌جانبه تعریف کرد: پوتین، زلنسکی و خودش. بنا به گفته کیت کلگ، نماینده ویژه آمریکا در امور اوکراین، اروپایی‌ها در مذاکرات برای پایان دادن به جنگ اوکراین حضور نخواهند داشت و فقط بر سر موضوعات مدنظر مورد مشورت قرار خواهند گرفت. این اظهارات شوکی بود که بر اروپا وارد شد زیرا این قاره با اختصاص ۱۳۲ میلیارد یورو به اوکراین، بیشترین سهم را در کمک به این کشور داشته است. اروپا همچنین آینده خود را با ثبات در اوکراین مرتبط می‌داند.

پیشنهاد وزیر خارجه آمریکا مبنی بر اینکه اتحادیه اروپا فقط زمانی به میز مذاکره دعوت خواهد شد که نوبت به لغو تحریم‌ها علیه کرملین برسد، بر شدت نگرانی اروپایی‌ها افزود زیرا آنها احساس کردند که به جای یک بازیگر فعال، بیشتر به عنوان یک تماشاگر منفعل در نظر گرفته شده‌اند.

موضع روبیو با هدف رسمی اتحادیه اروپا مبنی بر مجازات روسیه به خاطر تجاوزاتش در تضاد است. بروکسل اخیراً یک وام چند میلیارد دلاری برای کی‌یف در نظر گرفته که از دارایی‌های مسدود شده روسیه به عنوان وثیقه استفاده کرده است. اگر این پول آزاد شود، همانطور که کرملین خواسته است، اعطای این وام منتفی می‌شود و کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید آن را پرداخت کنند. نیکولای فون اندارز، پژوهشگر ارشد موسسه آلمانی امور بین‌الملل و امنیت (SWP) بر این



اروپا زیر تیغ ترامپ

دیدار در ریاض

در همین حال هیات‌های روسی و آمریکایی مذاکرات خود با عربستان سعودی را با هدف احیای روابط دیپلماتیک و جست‌وجوی راهی برای صلح در اوکراین را آغاز کردند.

همین مذاکرات موجب تشدید شدن تدابیر امنیتی در پایتخت عربستان شده است. تعداد زیادی از نیروهای امنیتی در محلی که میزبان مذاکرات مستقر شده است وجود داشت.

در این دیدار سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه، یوری اوشاکوف دستیار ارشد سیاست خارجی ولادیمیر پوتین و کریل دیمیتروف مدیرعامل صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه حاضرند. ایالات‌متحده نیز مارکو روبیو وزیر امور خارجه، مایک والتز مشاور امنیت ملی و استیو ویتکاف فرستاده ویژه برای امور غرب آسیا را راهی ریاض کرده است.

این نشست بدون حضور مقامات اوکراینی و اروپایی آغاز شده است. همچنین در این نشست هیچ خبرنگار و رسانه‌ای حضور نداشت. به گفته مقامات روس، اهداف اصلی این نشست احیای روابط روسیه و آمریکا، آمادگی برای مذاکرات درباره اوکراین و زمینه‌سازی برای دیدار میان پوتین و ترامپ است.

یوری اوشاکوف، دستیار ارشد سیاست خارجی ولادیمیر پوتین اعلام کرد که این درگیری تنها در صورتی خاتمه می‌یابد که اوکراین به بی‌طرفی دائمی، خلع سلاح و پذیرش واقعیت‌های سرزمینی متعهد شود.

پاریس؛ میزبان اروپایی‌ها

پس از آن که کشورهای اروپایی در جریان مذاکرات آمریکا با روسیه قرار نگرفتند، برخی رسانه‌ها گزارش دادند که عده‌ای از رهبران اروپایی

پس از تماس تلفنی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده آمریکا با همتای روس خود، مقامات ارشد روسیه و آمریکا برای مذاکره درباره جنگ اوکراین و بهبود روابط خود وارد شهر ریاض، پایتخت عربستان سعودی شدند. به گفته رسانه‌ها، این جلسات در یکی از کاخ‌های سلطنتی در منطقه الرعیه تشکیل شد. در همین راستا، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین که هفته پیش نیز اعلام کرد مذاکراتی که کشورش در آن حاضر نباشد را نمی‌پذیرد، روز دوشنبه صحبت‌های خود را تکرار کرد و گفت که نشست ریاض بی‌نتیجه است و چنین توافقاتی را به رسمیت نخواهد شناخت. زلنسکی به خبرنگاران گفت که اوکراین در این نشست حضور نخواهد داشت چرا که به گفته او کی‌یف هیچ اطلاعاتی از این مذاکرات نداشته است. او در ادامه تأکید کرد و گفت: «هر مذاکره‌ای که درباره اوکراین باشد و بدون حضور ما برگزار شود، بی‌نتیجه است. چنین توافقی‌هایی را به رسمیت نمی‌شناسیم.»

باید گفت اوکراین تنها کشوری نبود که نسبت به این نشست اعتراض کرد. بسیاری از کشورهای اروپایی نیز به دلیل بی‌اطلاعی از تماس ترامپ با پوتین در ۱۲ فوریه نسبت به این موضوع اعتراض کردند.

گفتنی است که طرف روسی ماجرا نیز تمایل زیادی برای حضور زلنسکی در این مذاکرات از خود نشان ندادند چرا که دیمیتروف پسکوف، سخنگوی کرم‌لین اخیراً خطاب به زلنسکی گفت که او اگر دنبال صلح است باید به جای حرف‌های توخالی، تمایل خود برای مذاکرات صادقانه را نشان دهد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز در ماه گذشته برای چندمین بار تأکید کرد که حضور زلنسکی در مذاکرات به علت تمام شدن دوره پنج ساله ریاست‌جمهوری‌اش قانونی نیست.



در این رابطه گفت: ملت روسیه مردمی هستند که هیتلر و ناپلئون را شکست دادند اما به نظر من پوتین به دنبال جنگ نیست.

راه حفاظت از اوکراین ارزان است

در ادامه، وزیر امور خارجه آلمان در کنفرانس امنیتی مونیخ بیان کرد که ارزان‌ترین راه حفاظت از اوکراین، عضویت این کشور در ناتو است چرا که دیگر تضمین‌های امنیتی هزینه‌های گزافی دارد و امنیت را به صورت ۱۰۰ درصد تامین نمی‌کند. این مقام آلمانی گفت که گزینه عضویت اوکراین در ناتو مجدداً باید بر روی میز مذاکره قرار داده شود. به گمان عده‌ای، این صحبت در پاسخ به پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا در نشست بروکسل است. هگست درباره حضور اوکراین در ناتو گفت که این موضوع و بازگشت اوکراین به مرزهای ۲۰۱۴ امکان‌پذیر نیست.

اکنون باید دید که برنامه‌های آمریکا و روسیه برای اوکراین چگونه پیش خواهد رفت. از سوی دیگر برگزاری این مذاکرات بدون حضور اروپایی‌ها قطعاً تأثیرات قابل‌توجهی بر رابطه آمریکا با قاره سبز خواهد داشت. این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که به تازگی نشریه آمریکایی پالیتیکو گزارش داده، رهبران اروپایی تحت‌رهبری فرانسه روز دوشنبه بحث و رایزنی‌هایی را به مدت سه ساعت و نیم در محل کاخ ریاست‌جمهوری فرانسه بر سر اعمال یکی از بزرگ‌ترین تغییرها در محاسبات امنیتی خود به دلیل تحولات غافلگیرکننده مربوط به اوکراین برگزار کردند اما نتیجه این رایزنی‌ها ناامیدکننده بوده است.

به طوری که دونالد تاسک، نخست‌وزیر لهستان بعد از این نشست گفت: ما فهمیدیم که چنین نشست‌هایی ختم به تصمیمات نمی‌شوند. طبق گزارش پالیتیکو این رهبران در نشست خود هیچ ایده جدید مشترکی را مطرح نداشتند، بر سر ارسال سرباز به اوکراین مشاجره پیدا کردند و حرف‌های تکراری سابق درباره کمک به اوکراین و تقویت بودجه نظامی را بار دیگر مطرح کردند.

نظیر کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس، دونالد تاسک نخست‌وزیر لهستان و روسای نهادهای اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی روز چهارشنبه به دعوت رئیس‌جمهور فرانسه در پاریس با یکدیگر دیدار خواهند داشت. رهبران اروپایی قصد دارند در نشست پاریس برنامه‌های خود را برای دفاع از اروپا بدون توجه به روند سیاسی آمریکا بررسی کنند. همچنین اوکراین یکی از موضوعات مهم این نشست خواهد بود.

ذکر این نکته ضروری است که تا این لحظه هیچ کشور اروپایی قرار نیست در مذاکرات اوکراین شرکت داشته باشد چرا که کیث کلاگ، فرستاده ویژه آمریکا در امور روسیه و اوکراین تصریح کرد که اروپا جزو طرف‌های مذاکرات صلح اوکراین نخواهد بود.

جنگ برای ما مشکل است

در رابطه با تمایل آمریکا به تمام شدن جنگ اوکراین، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا گفت: «ما به شدت در حال کار بر روی این موضوع هستیم. این جنگ هرگز نباید آغاز می‌شد.»

او در ادامه گفت که شخصاً مشغول بررسی وضعیت اوکراین بوده و ابراز امیدواری کرد که جنگ میان کی‌یف و مسکو پایان یابد چرا که هر دو سمت درگیر، خواهان اتمام این وضعیت هستند.

دونالد ترامپ مثل همیشه در سخنانش دولت قبلی آمریکا را تخریب کرد و در این باره گفت: «متأسفانه این جنگ به دلیل وجود یک رئیس‌جمهور بی‌کفایت شروع شد.» ترامپ تمایل خود برای حضور زلنسکی در مذاکرات را نشان داد و گفت که زلنسکی در مذاکرات میان مسکو و واشنگتن حضور خواهد داشت.

ترامپ درباره یکی از نگرانی‌های اروپایی نیز صحبت کرد. پس از حضور او در کاخ سفید بسیاری از مقامات اروپایی اعتقاد داشتند که روسیه به زودی یک تهاجم تمام‌عیار را علیه اروپا آغاز خواهد کرد. ترامپ

انجمن مدیران صنایع به عنوان شکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تأثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.

به جمع ما بپیوندید

۸۸۸۱۳۰۴۷-۸۸۳۰۴۰۷۰

۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶

www.amsiran.com

شرکت گروه صنعتی سیاهان (سیرا) تولیدکننده انواع لوله و پروفیل فولاد

بانک خاورمیانه
Middle East Bank

تکدولامبر
TECHOLAMBER

دژپاد
DZPAD

کپ

سیدو
SIDO

لیون آری

آلبرتس ایران
Alberts Iran Co.

فومن شیمی

پاشا

کوه

زمرد سرام
زمرد سرام

س

داند

شرکت صنایع هان

شومگاه
Chauffagekar Industrial Co.

س

ردا

رنگ آفرین

بیمه زندگی خاورمیانه

Hoobar

فولک

ک

ک

فولک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک